جغرافیای نظامی ایران

قسمت عمومی

تالیف سرلشکر رزم آرا

آذرماه ۱۳۲۵

فهرست مندرجات

مقدمه

علاقه به میهن و آب و خاك اجدادی احساساتی است که در هر بشری اعم از وحشی و غیر وحشی متمدن و غیر متمدن وجود دارد زیرا خاطره ایامی که در آن مهد بسر برده و ایام و لحظاتی را که در آغوش محبت والدین خود گذرانده و بالاخره محلی که مدفن پدران و اجداد اوست فراموش نشدنی است

قصص و حکایات بسیاری است که درجه علاقه هر طبقه و هر صنف مردمانی را بوطن اصلی بخوبی ثابت مینماید ولی همان قسمی که ما از نعم میهن عزیز برخوردار شده هوای آنرا استنشاق حاصل آنرا خورده و بالاخره در محیط آن رشد و نمو مینمائیم نسبت بان نیز در زمان حیات وظایف و مسئولیت هائی را دارا میباشیم که بایستی انجام دهیم . بزرگترین وظیفه ما نسبت بمیهن و کشور خود آنست که آثار و نتایجی از زندگانی خود باقی گذاریم که با مراجعه بآن درجه علاقمندی و بستگی ما بمیهن و آب و خاك اجدادی ثابت شود . بین کلیه آثار مدارکی که برای معرفی آب و خاك اجدادی و نیاکان ما تنظیم میشود بدرجات بهتر و ماثر تر خواهد بود نویسنده که مدتها افتخار خدمت سربازی را در این کشور دارا بوده پس از سالها شرکت در اردو کشی های شمال - شمال باختر - باختر (جهت برقراری انتظامات کشور) و سالهای متوالی مسافرت در تمام اقطار میهن با هیئت های خارجی و داخلی موفق شدم که تمام اقطار کشور عزیز را بطور دقیق دیده در تمام مناطق آن سیاحت کامل نمایم بحدی که بالاخره در اواخر ۱۳۱۹ تمام مرزها - صحراها کرانه ها و جزایر کشور را با نظر دقت دیده و مطالعاتی در تمام نقاط نموده بودم ضمناً قبل از هریك از مسافرتهای نامبرده خاصه در مسافرتهای دوم وسوم به این نقاط اکثر اوراق و مدارکی که توسط سیاحان مختلف نسبت بمرز و بوم ایران تنظیم شده بود باکمال دقت مطالعه کرده و بعداً مسافرت نمودم نتیجه آنکه پس از

خاتمه این مسافرتها یك نظر کلی نسبت به مناطق کشور خود حاصل کرده مصمم شدم کلیه این اطلاعات را بطبع رسانده منتشر سازم قسمت عمده این کتاب نظریات شخصی و مطالعات اینجانب بوده و گاه گاهی در برخی قسمت ها از کتب نویسندگان و سیاحان معروف قسمت هائی اقتباس گردیده است - عکس ها عموماً عکس هائی است که در ضمن مسافرتهای بررسی کشور تهیه و نقشه جات معمولا از بهترین نقشه جات تصحیح شده و کامل کشور میباشد .

برای آنکه جهت خوانندگان محترم اشتباهی حاصل نشود توضیحات چندی بعرض میرساند .

نویسنده بخوبی مستحضر و مطلع هستم که این قبیل کتب بایستی توسط هیئت هائی تهیه گردد که هریك در قسمتی بررسی و مطالعات عمیق نمایند متاسفانه میتوانم بعرض رسانم در کشور باستانی حرف بیش از عمل رواج داشته برای این قبیل اقدامات و عملیات هم فکر بسیار کم است حتی اینجانب درچند سال قبل که جهت تهیه این کتب آماده شده بودم به هریك از مطلعین واشخاص صلاحیت دار مراجعه نمودم هریك بقسمی ایراد نموده اشکالاتی از لحاظ مادی یا معنوی اقامه نمودند خلاصه آنکه پس از مدتی از پیدا کردن یك هم فکری که بتواند در این راه اینجانب را کمك ماثر نماید بکلی نا امید شده بفکر افتادم شخصاً این خدمت را عهده دار شوم یقین است تهیه و تنظیم ۲۰ جلد کتاب راجع به مناطق ایران عمل سهل و سادئی نبود خاصه آنکه اینجانب میخواستم این عمل را ضمن انجام ماموریت های عادی خود انجام دهم ولی این خدمت را با زحمات آن تقبل و مشعوفم تا آنجائیکه ممکن ومقدور بود انجام داده وظیفه خود را خاتمه دادم - این خدمت از اینجا قابل توجه است که کمتر در کشور ایران مدارکی نسبت به کلیه مناطق مختلفه کشور در دست داریم با اینکه عموم ایرانی و در این مرزوبوم بوجود آمده و زندگانی می‌نمائیم ولی اگر از پشت کوه یالرستان یا کردستان و یا سایر مناطق کشور از اکثر سئوال شود کوچکترین

اطلاعی در دست نیست گرچه تقصیری متوجه نیست زیرا برای کسب اطلاع و برای شناسائی کشور مدارك و سوابقی لازم است در کشور های خارجی نوشتن کتب و مدارك علمی بسی عادی و شاید برای هریك از مناطق هزاران کتب مختلف توسط هیئت های علمی - سیاحان نویسندگان منتشر گردیده و در نتیجه انتشار این - کتب و مدارك مختلف امروزه اطلاعات و کتب بسیار کاملی برای اهالی و سکنه این کشورها به یادگار باقی مانده که بامراجعه به آن کتب به جزئیات ساختمانی - سازمانی - و اساسی کشور خود پی خواهند برد ولی در کشور ایران از آنجائیکه انتقاد بیشتر از نویسندگی و انتشار اوراق مفید رواج است اگر کتابی هم منتشر شود فوری قلم بسرزنش گشوده قلب نویسنده بیچاره را بانیش قلم آزرده اند در صورتیکه اگر همان اصول کشور های متمدن را تعقیب مینمودیم امروز خیلی بیشتر و بهتر بمنظور اصلی خود رسیده بودیم در هرحال نگارنده با اطلاع بکلیه این جریانات به این عمل اقدام و صریحاً متذکر میشوم که این کتب کتب جامع و کاملی نیست بلکه نتیجه مطالعات چندین ساله اینجانب است که افتخار زیارت و دیدار کلیه مرزو بوم میهن رادارا بوده ام و منتظرم اشخاص بی سابقه به مناطق کشور از مجموعه منتشره استفاده کرده و هرگاه در نظر اشخاص نواقص و معایبی جلوه گر شود اینجانب را مورد سرزنش قرارنداده برای خدمت بکشور عزیز بامطالعات بیشتر خود کتب جامع و کاملتری منتشر سازند تا شاید ما هم مثل سایر کشور های جهان تدریجاً دارای یك دوره کتب کامل و جامع جهت شناسائی کشور خود گردیم .

مجموعه کتب اینجانب که منتشر شده شامل ۲۰ جلد بشرح زیر است :

جلد ۱ - . . جغرافیای عمومی کشور

۲ - . . خراسان شمالی

۳ - . . خراسان جنوبی

۴ - . . گرگان و دریای خزر

۵ - . . **گیلان و مازندران**

فصل یکم

اصول و پایه ومبنای سازمان کشور

کشور باستانی ایران که کشوری کهن سال است طبق مدارك مختلف شش هزارسال از عمرآن میگذرد و در ادوار مختلف روزگار های بسیار متغیری را دیده است روزگار عظمت سیروس و نادر و ایام نکبت و شوم شاه سلطان حسین حمله افاغنه یا حمله رومیها و خرابی سراسر خود را با حزن و اندوه ناظربوده است ایران درتمام ادوار تاریخی استقلال خود را ازدست نداده و اگر فرضاً گاهی ازطریق خاورو باختر هم مورد حمله قرار گرفته باز فاتحین موقع ورود به این کشور سلطنت ودربارایران را با اصول واساس خود نگهداری و در ایران سلطنت کرده وسعی آنها دراین بوده است که افتخارنام شاهنشاهی ایران رادر پیشگاه تاریخ دارا شوند . ولی ایرانیان حقیقی وواقعی که دارای احساسات بی آلایش وخون ایرانیت بوده اند همیشه درمقابل مهاجمین هم که حتی حکومت مرکزی را محوونابود ساخته ازایستادگی ومقاومت دست برنداشته وتاآخرین لحظه ایستادگی کرده اند وضع رفتار اکراد در مقابل رومیها ـ یا بختیاریها در مقابل افاغنه یا اکثرطوایف در مقابل اعراب ایران پس دیده میشود احساسات ایرانیت و ملیت هیچگاه دراین کشورمحو نشده اگر درطبقات عالیه گاهی تحت تأثیرو فشارمهاجمین این احساسات محو ویا با قتل وغارت رسوخ ـ یافته ولی در قلب رعایای کوهستانی و طوایف ایران که دارای احساسات میهن پرستی حقیقی بوده اند رسوخ نیافته بلکه همیشه برای کشور خود با علاقمندی جهت جانسپاری و فداکاری حاضر بوده اند ومیتوان گفت درحقیقت دو نکته زیر ضامن استقلال ایران محسوب میشود .

۱ - موقعیت کشور

۲ - احساسات عمومی سکنه

موقعیت کشور: بایستی قطع داشت که موقعیت کشور بین قاره اروپا - آسیا - افریقا بسیار حساس وروی معابر مهمه هندوستان و کشورهای خاور نزدیك قرار گرفته امروزه موقعیت ایران از ازمنه گذشته حساس تر و مهمتر شده ذکر یك جریان کوچکی برای اثبات موقعیت ایران وازدیاد ایمان ایرانیان بکشور خود بیمورد نیست .

روزی درشهر پاریس یکی ازعلمای تاریخ مقرر بوده سخن رانی راجع به تاریخ ایران وشناسائی این کشور کهن برای دانش آموزان خود بنماید . نقشه ایران را به دیوار نصب و شروع بسخن کرده پس از ساعتی بحث در خاتمه چنین گفت : وضعیت این کشور کهن اسرار آمیزاست چه تهاجم مغول - چنگیز - اعراب - اسکندر ازسراسراین کشورعبور کرده ولی بازپس ازرفع تمام هیاهو وجنجال دیده میشود این کشورخودی تکانده وازز یرخاکهای این طوفان با قدرت واستقلال بر خواسته و باز نام و اهمیت باستانی خود را ازسر گرفته است وضعیت این کشور برای روشن شدن فکرشما دانش آموزان بایستی بگویم (درضمن تخم مرغی ازجیب خارج وروی میز قرارمیدهد) اگر کسی توانست این تخم مرغ را بخورد میتوان کفت استقلال این کشور راهم ممکن است روزگاری محو نمود . از دانش آموزان میخواهد که یکی آن تخم مرغ را برداشته و درحضور سایرین بخورد دانش آموزی پیش آمده پس از برداشتن تخم مرغ شروع به خنده مینماید (که این تخم مرغ ازسنك مرمرقابل خوردن نیست) .

دانشمند درخاتمه میگوید این موقعیت ایران است که حافظ استقلال او بوده . حال هم بایستی اذعان کرد که موقعیت ایران بسیارمهم - وامروزاز گذشته قابل توجه تروما ایرانیان بایستی موقعیت کشور خود را ضامن استقلال

کشور خود بدانیم ولی با دارا بودن احساسات و ارائه قدرت وتمایل خلل ناپذیر

۲ احساسات عمومی : تشریح احساسات عمومی در کشور موضوع بسیار قامض ومهمی میباشد زیرا اکثراحساسات درطبقات عالیه آمیخته با سیاست است ولی درطبقات متوسط وپائین بایستی گفت احساسات پاك وبی آلایش است ایرانی واقعی جز کشور خود و جز پرستش آ ب و خاك خود نظری نداشته برای کشور خود از هر چیزی صرفنظر مینماید - چه ایرانی واقعی احترام کشوروعظمت ومجد آن را از هر مقام و منزلتی بالاتر دانسته حاضر نیست درمقابل خارجی سر اطاعت وانقیاد فروآورده نو کروارامراو رااطاعت نماید ایرانی واقعی افتخار میکند که در این کشور باستانی بوجود آمده در آن بخاك سپرده خواهد شد خارجی‌ها هم در این کشور جز مزدوران پول پرست و جاه طلب عوامل دیگری نخواهند یافت که نظر و فکر آنهارا عملی کرده یا قدم و قلم خود را وقف آنها نماید ایرانی واقعی مرك را بر زندگانی غلامی و مقام را به گدائی در صورت تملق از خارجی رجحان داده هیچگاه حاضر به فروتنی و بندگی و بردگی نخواهد شد .

برای اینکه به احساسات واقعی ایرانیان واقعی پی برید چند مثال کوچك که مربوط به دوره کنونی ولی نماینده احساسات ملی است درج مینمائیم .

۱ - در چند سال قبل در نتیجه یکرشته عملیات قوای نظامی وارد یکی از مناطق باختر شده و یکی از روسای برجسته ءَایراز ترس قوای دولتی متواری و به کشور مجاور رفت فوری اقداماتی برای دستگیر نمودن این شخص جریان یافت چون این شخص دارای ثروت سرشار و علاقه بسیاری در آن کشور بود از طرف مامورین آن کشور تحت فشار قرار گرفت که تغیر ملیت داده ملیت آن کشوررا بپذیرد با تمام فشاری که نسبت باو وارد شد فقط این جواب را داد (من ایرانی هستم امروز از ترس تعقیب قوای ایران به این خاك پناهنده شده‌ام درست است که میترسم مراجعت کنم ولی اگر تمام هستی مرا ضبط نمائید به قلب من دست نخواهید یافت که آن ایران پرست و ایران دوست است و هیچگاه من از تابعیت قلب خود صرف نظر نخواهم کرد)

۲ ـ در موقع تعقیب طوایف کردستان جعفرالسلطان معروف که سالها بطور استقلال در نو سود بود مجبور بترك نو سود شده فرماندهی که بعداً وارد محل شده در صدد تحقیق از جریان حال واحوالات این شخص برآمد تشخیص داد که آخرین لحظات نامبرده بطریق زیر صرف شده (ساعتی قبل از فرار کلیه سکنه نوسود را در مسجدی که در این آبادی بوده گرد کرده و چنین اظهار نموده است : من ایرانی و نسبت به دولت و کشور خیانتی نکرده‌ام ولی چون پسران من محمدرشید و احمد بیک مرتکب خبط و خطای شده‌اند و بانها علاقمند هستم ناگزیرم آب وخاك موروثی را ترك گویم ولی شماها که ایرانی هستید اجباری نیست از آب خاك موروثی خود خارج شوید فرمانده نظامی را استقبال و خود را در اختیار او گذارید و بهیچوجه تابعیت از اعمال من برای فرار از کشور ننمائید بلافاصله پس از این نصیحت بسر قبر پدران خود که در سر راه مرز و میدانی از نوسود خارج است رفته ضمن ندبه و گریه چنین میگوید (متاثرم از آنکه جریانات روز گار نگذاشت در این موقع پیری در پهلوی شما خوابیده و در قلب خاك کشور و موطن خود سر برم من شما را ترك میکنم ولی جسدم هر کجا باشد بایستی باین خاك مراجعت و در پهلوی شما بخاك سپرده شود)

۳ - وقتی اردو های دولتی در تعقیب الوار یاغی بود آنها را تا مرز کشور تعقیب و تمام افکار متوجه بوده که خوانین و الوار منظور قطعاً از این موقعیت استفاده کرده به خاك همسایه پناهنده شده از خاك ایران خارج خواهند شد ولی تعجب زیادی برای افسران و فرمانده اردو تولید شد و قتی ملاحظه کرده‌اند این طوایف متواری موقع وصول به مرز به آنطرف مرز رفته عشایر عرب آنطرف مرز را غارت و مجدداً به خاك کشور مراجعت نموده اند .

٤ - در موقع کوچ الوار وحشی‌ترین تیره‌های این طایفه را به اطراف کوچ دادند ولی پس از مدت قلیلی متصدیان امور در لرستان مستحضر شده‌اند که همین عشایر گاو و حشم و دارائی خود را در بین‌راه یا درمحل کوچ جدید رها کرده .

با وجود ترس از پست ژاندارم و سایر اشکالات به‌لرستان عودت نموده تقاضای آنها این بود که اجازه دهید درمحل خود زندگانی نمائیم ولی مطمئن باشید دیگر مرتکب شرارت و دزدی نخواهیم شد .

از این چند مثال کوچك بخوبی میتوان درك کرد که در توده‌عشایر و طوایف تا چه حد احساسات و علاقه میهن پرستی واقعی موجود است و وقتی در آنها که توده اصلی وحقیقی کشورند این احساسات وجود دارد جای تردید نیست که احساسات عمومیت داشته در تمام توده موجود است ولی همان قسمی که ذکر شد در طبقه اغنیا و درجه ۱ این احساسات با سیاست آمیخته است .

در خاتمه برای آنکه تاحدی به اصول سازمان کشور و آنچه جنبه قانونی دارد اطلاع حاصل کنیم اصول سازمانی کشور و جنبه قانونی آن نیز درج میشود

وضع حکومت کشور - حکومت ایران مشروطه است یعنی حدود اختیارات و وظایف حکومت بموجب قوانین اساسی معین شده‌است .

قوانین اساسی عبارت از مجموعه اصول و قواعد ایست که قوای یك کشور را تعیین و حدود و روابط آن قوا بایکدیگر و همچنین حقوق افراد جامعه را از هرجهت معین مینمایند .

در ایران اساس حکومت علاوه بر فرمان شاه مورخ ١٤ جمادی الثانی ١٣٢٤ قمری معروف بفرمان مشروطیت متکی بقوانین چندی است من‌جمله :

قانون اساسی مورخه ١٤ ذیقعده ١٣٢٤ قمری - این قانون دارای پنجاه و یك اصل است

متمم قانون اساسی دارای ١٠٧ اصل

قوانین مربوط بانتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی

قوانین مربوط بسازمان وزارت خانه ها - دادگاه‌ها - مطبوعات وغیره

بموجب قوانین اساسی مذکور سلطنت ایران مشروطه بوده و

بموجب اصل ٢٧ متمم قانون اساسی قوای کشوری بسه شعبه تجزیه میشود

قوه اجرائیه ـ قوه مقننه ـ قوه قضائیه

برحسب اصل ۳۰ متمم قانون نامبرده قوای ثلاثه مزبور همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود منتهی این انفصال مطلق نبوده و بموجب بعضی مقررات دیگر و اصول ۶۰-۶۱-۶۷- قانون انفصال نسبی است .

برحسب قوانین نامبرده شاهنشاه ایران رئیس قوه مجریه بوده و دارای امتیازات زیر میباشند :

۱ ـ عزل و نصب وزیران

۲ ـ اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون

۳ ـ صدور قوانین و احکام برای اجراء قوانین

۴ ـ اعلان جنگ و عقد صلح

۵ ـ انعقاد قرار دادهای بین المللی

۶ ـ انعقاد مجلس شورای ملی و مجلس سنا بطور فوق العاده

۷ ـ ضرب سکه باتصویب مجلس

۸ ـ اعلان حکومت نظامی در تمام یا قسمتی از کشور

۹ ـ فرستادن نمایندگان سیاسی بدربار کشور های خارجه و قبول نمایندگان خارجه بدربار ایران .

بموجب اصل چهل و چهارم قانون اساسی شخص پادشاه از مسئولیت مبری است و تمام مسئولیت از هرحیث بعهده وزیران است رئیس کشور امور دولت را بوسیله وزیران اداره مینماید ـ عده وزیران در قوانین اساسی موکول به قانون مصوب مجلس شورای ملی شده است باینترتیب یکنفر را که طرف اعتماد مجلس نیز باشد بریاست وزیران انتخاب و مشار الیه اشخاص صالحی را برای تصدی وزارتخانه ها در نظر گرفته و بپیشگاه ریاست کشور معرفی مینمایند

در حال حاضر وزارتخانه های موجود در ایران بقرار زیر است.

۱ـ وزارت امور خارجه ۲ـ وزارت کشور ۳ـ وزارت دارائی ۴ـ وزارت فرهنگ ۵ـ وزارت پست و تلگراف و تلفن ۶ـ وزارت پیشه و هنر ۷ ـ وزارت دادگستری ـ ۸ـ وزارت راه ۹ ـ وزارت کشاورزی ۱۰ ـ وزارت جنگ ۱۱ ـ وزارت بهداری .

وزیران حق دارند در جلسات عمومی مجالس مقننه و در کمسیونهای آنها حاضر شده توضیحات لازم را بدهند . ـ

برای بحث در امور مهم و تعیین خط مشی سیاست عمومی کشور و اصغای گزارشهای وزیران و همچنین تعیین روابط خود با مجلس شورای ملی و بررسی در لوایح قانونی وزیران هیئتی بریاست نخست وزیر تشکیل میدهند

بموجب اصل ۶۱ متمم قانون اساسی وزیران علاوه بر اینکه به تنهائی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند ـ بهیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند ـ بعبارت آخری هر یك از وزیران دارای مسئولیت انفرادی برای کار های مربوط بوزارتخانه خود و مسئولیت مشترك راجع بمسائل مربوط بمصالح عالیه کشور میباشند .

قوه مقننه : این قوه طبق ماده ۲۷ متمم قانون اساسی مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و ناشی میشود از اعلیحضرت پادشاه و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یك از این سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است به تصویب مجالسین و توشیح بصحه همایونی .

مجلس سنا : سازمان این مجلس توسط اصل ۴۳ قانون اساسی و ما بعد آن معین گردیده و بموجب اصل ۴۷ مادام که مجلس سنا منعقد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بصحه همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده خواهد شد .

مجلس شورای ملی : این مجلس برحسب فرمان مشروطیت و اصل دوم قانون اساسی معین گردیده و نماینده قاطبه اهالی کشور ایران است که در امور معاش و سیاسی میهن خود مشارکت دارند .

وظایف این مجلس اجمالا عبارت است از :

وضع قوانین دارائی (هزینه و درآمد دولت ـ بودجه کشور) مالیاتها و عوارض ـ تعیین کارمندان دیوان محاسبات ـ تفسیر قوانین ـ تصویب انعقاد عهد نامه ها و اعطای امتیازات بازرگانی و صنعتی و کشاورزی باستثنای آنهائیکه

صلاح دولت و ملت‌نیست - استقراض دولتی بهر عنوان - طرح و مذاکره مسائل
مربوط به صلاح ملك و ملت - تصویب قوانین که برای تشیید مبانی دولت و
سلطنت و انتظام امور کشوری و اساسی وزارتخانه ها لازم است - تهیه لوایح
لازم در ایجاد قانون یا تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجود - تصویب امتیاز
تشکیل شرکتهای همگانی از هر قبیل - ساختن راههای آهن یا شوسه .

طرز انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی - طبق فرمان مشروطیت
و نظامنامه انتخابات نوزدهم رجب ۱۳۲۴ - انتخابات مجلس صنفی مستقیم و
با اکثریت نسبی و بر حسب موارد جمعی یافردی بوده و از طرف طبقات‌شش
گانه : شاهزادگان - علما و طلاب - اعیان و اشراف - بازرگانان - مالکین -
کشاورزان - رسته ها بعمل میآمده و برای انتخاب نمودن نیز شرائطی بوده که
بعداً بموجب نظامنامه ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۷ انتخابات که دو درجه گردیده
که آن قانون نیز بموجب قانون مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۰۴ تغییر نموده است -
برحسب قانون اخیر کشور به۸۲ حوزه انتخابیه تقسیم وشماره نمایندگان مجلس
شورایملی ۱۳۶ نفر و انتخاب آنها در تمام نقاط ایران مستقیم و یکدرجه و با
اکثریت نسبی و برحسب موارد فردی یاجمعی است .

برای انتخاب نمودن‌شرایطی لازم و بعلاوه عدهٔ از این مزیت محرومند
همچنانکه برای انتخاب شدن موانعی موجود و شرائط مثبته لازم است که برای
احتراز از تطویل از ذکر آن خود داری میشود همچنین برای رعایت اختصار
از طرز افتتاح مجلس شورای ملی - و تصویب اعتبار نامه نمایندگان رسمیت
مجلس و کمیسیونهای دائمی مجلس و سایر جزئیات آن صرفنظر میشود . بر
حسب اصل سی و پنج متمم قانون سلطنت ودیعه ایست که بموهبت الهی از
طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده است . بنا بر این پادشاه ریاست عالیه
کشور را داشته و علاوه بر ریاست افتخاری قوه مجریه در امور مقننه وقضائیه
نیز بنحو زیر قانوناً مداخله مینمایند :

۱ - افتتاح مجلس شورای ملی با شخص اعلیحضرت شاهنشاهی‌بوده و
برای‌انعقاد فوق‌العاده مجلس امر شاه ضروریست .

۲ - رئیس کشور میتواند طبق مقرراتی‌مجلس شورای ملی را منحل‌سازند

۳ - دستور تهیه قوانین بوزیران .

۴ - انتخاب ۳۰ نفر از نمایندگان مجلس سنا

۵ - عفو در جرائم سیاسی طبق ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی.

۶ - در جرائم غیر سیاسی تبدیل اعدام‌به زندان بااعمال شاقه و یاتخفیف
یکدرجه در سایر مجازاتها .

۷ - انتخاب و انفصال قضات .

قوه قضائیه : که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به دادگاهها
(اصل ۲۷ متمم قانون اساسی) دادگاهها در ایران دو نوع هستند :
اختصاصی - همگانی .

دادگاههای‌اختصاصی- دادگاههائی که بدسته‌بخصوصی‌از دعاوی‌رسیدگی
مینمایند مانند دادگاههای ارتش دادگاههای شرعیه . دادگاه بازرگانی‌و غیره.

دادگاههای همگانی‌بکلیه دعاوی که‌استثناء نشده‌است رسیدگی‌مینمایند
و بدو درجه تقسیم میشوند : بدایت و استیناف برای تسهیل و سرعت جریان
دعاوی کوچك توسط دادگاههای دیگری که در حقیقت جزئی از بدایت هستند
بنام صلحیه رسیدگی میشوند مافوق دادگاهها دیوان عالی تمیز است که بیشتر
مراقبت دارد که آراء دادگاهها مطابق با موازین قانونی صادر شوند - هریك
از این دادگاهها که بترتیب طبق اصطلاح امروزه به دادگاه بخش - شهرستان -
استان - کشور موسومند بکار های حقوقی و جزائی هر دو رسیدگی مینمایند
که تفصیل آن از بحث ما خارج است .

فصل دوم

آب و هوا ـ مساحت ـ وضعیت کلی کشور

گرچه وضعیت و موقعیت کشور ایران نسبت بطول و عرض جغرافیائی کاملا معلوم و قطعاً میتوان بسهولت آنرا مورد دقت و بررسی قرار داد ولی جای تعجب آن است که در ضمن طول و عرض مشخص در ضمن حرکت و مسافرت در ایران به نقاط بسیار مختلفی تصادف خواهد شد که در مسافت خیلی کم شاید در ۱۰۰ کیلومتر و برخی اوقات کمتر از آن باندازهٔ تغییر هوا محسوس است که کوچکترین جای تردیدی باقی نخواهد ماند.

بطور کلی در تمام مناطق کشور شاهنشاهی اعم از آنکه در شمال یا جنوب خاور یا باختر باشد نمیتوان تجسس یك آب و هوای متناسب و مشخصی را نسبت بموقعیت جغرافیائی خود کرد ـ بلکه اکثر وضعیت ارتفاع نقاط و وضعیت آب و هوای نقاط کاملا مشخص است مثلا از کرمان بطرف بم که بیش از ۱۲۰ کیلومتر نیست نقاطی را ملاحظه میکنیم که از لحاظ درجه حرارت زود بدست آمدن حاصل باهم فرق فاحشی دارند.

مثلا { کرمان، ته رود، بم } اختلاف آب و هوای این ۳ نقطه شاید در حدود یکماه هریك از دیگری است.

مابین زاهدان خاش که در یك منطقه کاملا گرمسیری واقع شده و طبق موقعیت و وضعیت خود تصور میرود بایستی کاملا گرم زننده و حرارت آن غیر قابل تحمل باشد. در دامنه ارتفاعات تفتان از میرآباد تاقطار خنجك در ۷۰ کیلومتری زاهدان به نقاطی تصادف میشود که به درجات از لحاظ آب و هوا و از لحاظ مفرح بودن طبیعت به نقاط ییلاقی اطراف تهران رجحان داشته و از هر لحاظ قابل توجه و مورد تعجب خواهد بود.

این تغییر آب و هوا و وضعیت حرارت و برودت در برخی نقاط بقدری مختلف و متباین است که برای هر عابری تولید تعجب مینماید مثلا در منطقه کویر مرکزی که بواسطه وجود شن زارها ـ کویر و وضعیت بیابانی آن از هر لحاظ زندگانی سخت ـ مشکل و هوا زننده و غیرقابل تحمل بنظر میرسد در موقع مسافرت به نقاطی مصادف خواهیم شد مثل فردوس گلشن (در سوابق آنرا باسم تون و طبس معرفی مینمودند) که وضعیت این نقاط بخصوص گلشن یك نمونه اسرار آمیزی بنظر خواهد رسید. چه در باغات قشنك و باطراوت این شهر کلیه اشجار و گیاه های سردسیری و گرمسیری در پهلوی یکدیگر قرار گرفته و اگر بخواهیم وضعیت آب و هوا را هم روی وضعیت اشجار قضاوت کنیم این گونه مناظر و نظایر آنها بکلی فکر غلط و غیر قابل قبولی را برای ما تهیه خواهد کرد ـ این منظره نه فقط در فردوس و گلشن است بلکه در سایر مناطق گرمسیری ایران و حتی در مناطق سردسیری آنهم باین قبیل نقاط مصادف خواهیم شد.

نتیجهٔ که میتوان از این مختصر گرفت آنست که با آنکه ما مناطق را بنا بموقعیت خود نسبت بطول و عرض جغرافیائی در نظر میگیریم نبایستی تصور نمائیم یك حد و یك وضعیت قطعی ارائه خواهد داد بلکه برعکس بایستی در خاطر سپرد که هوای مناطق ایران بکلی مختلف و متغییر و در هر قسمت به هوای خاصی مصادف خواهیم شد که نه پابند وضعیت جغرافیائی و نه پابند ارتفاع و موقعیت خود میباشد.

مساحت کشور

کشور ایران در جنوب باختری آسیا قرار گرفته و بحدود زیر محدود است:

ازطرف شمال: ۲۲۵۵ کیلومتر با کشور شوروی (ترکستان شوروی در

۹٥٥ کیلومتر (۷٥۰ کیلومتر خراسان - ۲۰٥ کیلومتر گرگان) دریای خزر ۷۰۰ کیلومتر (۲٥۰ کیلومتر کرانه گیلان - ۳۰۰ کیلومتر کرانه مازندران - ۱٥۰ کیلومتر کرانه گرگان) آذربایجان خاوری و باختری ٦۰۰ کیلومتر.

از طرف باختر - ۱٥٦٥ کیلومتر ٤۱۰ کیلومتر با کشور ترکیه

۱۱٥٥ کیلومتر با کشور عراق

از طرف جنوب - ۱۸۰۰ کیلومتر بوسیله خلیج فارس و دریای عمان (۷٥۰ کیلومتر کرانه های دریای عمان است)

از طرف خاور - ۱٦٤٥ کیلومتر (مرز بلوچستان انگلیس ۷۷٥ کیلومتر)

(مرز افغانستان ۸۷۰ کیلومتر)

باتوجه بمرزهای کشور ملاحظه میکنیم که کلیه مرزهای کشور ۷٤٦٥ کیلومتر است که از این مرزها ۲٥۰۰ کیلومتر مرزهای دریائی و ٤۹٦٥ کیلومتر مرزهای زمینی است.

بزرگترین طول کشور از ما گو تا کواتر ۲۲۷٥ کیلومتر

کوچکترین طول آن از سرخس به خرمشهر ۱٥۷٥ کیلومتر

عریض ترین نقاط کشور بین یزدان و مرز خانقین ۱٤۲٥ کیلومتر

کم عرض ترین نقاط کشور بین خرمشهر و ملك سیاه کوه ۱۱۸٥ کیلومتر

مساحت کامل کشور ۱٬٦٤۸٬۱۹٥ کیلومتر مربع این مساحت مساوی با ۲/۳ فلات ایران و ۱/۳۳٤ مساحت زمین و ۱/۲٥ مساحت آسیا - این مساحت بین مناطق مختلف کشور تقریباً طبق جدول زیر تقسیم میشود.

مناطق مختلف کشور مساحت و نفوس تقریبی آنها

مناطق کشور	مساحت	جمعیت
آذربایجان	۱۰٤۰۰۰ کیلو متر مربع	۲٥۰۰۰۰۰
کردستان	۲٥۰۰۰	٥۰۰۰۰۰
کرمانشاهان	۳۰۰۰۰	٤٦۰۰۰۰
پشت کوه	۲۲۰۰۰	۸۰۰۰۰
لرستان	٦۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰
خوزستان	٥۰۰۰۰	۱٥۰۰۰۰۰
فارس	۳٤۰۰۰۰	۲٥۰۰۰۰۰
کرمان	۲۲۰۰۰۰	۷٥۰۰۰۰
مکران	۱٥٥۰۰۰	۳٥۰۰۰۰
سیستان	۳۲۰۰۰	۲٥٥۰۰۰
خراسان	۳۲۰۰۰۰	۱٥۰۰۰۰۰
گرگان	۱۳۲۰۰	٥۰۰۰۰۰
مازندران	۱۰۰۰۰	۳٥۰۰۰۰
گیلان	۱۳٥۰۰	۷٥۰۰۰۰
قسمت مرکزی	۲٥۳٤۹٥	۲۸۰٥۰۰۰
جمع	۱٦٤۸۱۹٥	۱٥۰۰۰۰۰۰

وضعیت کلی کشور

اگر با نظر دقت نقشه کشور را در مقابل نظر گسترده مورد توجه قرار دهیم وضعیت عمومی کشور طبق شرح زیر بنظر مجسم خواهد شد .

دورا دور کشور را رشته های کوهستانی قرار گرفته و در نتیجه این سد های کوهستانی بشکل دیواری دورادور آن کشوررا مسدود وجلگه مرکزی را از خارج بکلی مجزا ساخته است گر چه این سد کوهستانی و دیوار مرتفع دورا دور کشور وجود دارد ولی وضعیت این کوهستان در تمام نقاط یکسان و یك نواخت نبوده در هر طرف بشکلی بنظر میرسد .

از طرف شمال : ملاحظه میکنیم امتداد کوهستانهای پامیر و هند و کش در چندین رشته متوازی سراسر شمال را فرا گرفته فقط جلگه سرخس و جلگه های کوچك دیگری در غلامان وحصارچه و جلگه حاصل خیز گرگان رابکلی خارج از دیوار اصلی قرار میدهد همین رشته کوهستانی پس از رسیدن به مجاورت کرانه های خزر باز با تعقیب همان سمت عمومی خاوری و باختری در رشته های متوالی بموازات کرانه بین ۶۰ الی ۵ کیلو متر تمام منطقه گیلان و مازندران را شیار کرده تدریجاً از شمال تهران سمت ارتفاعات متوجه شمال غربی شده و بالاخره دردشت مغان این رشته ها خاتمه و با ارتفاعات آذربایجان گره میخورد اگر رشته های کوهستان در شمال خراسان و شهرستانهای کرانه در چند رشته متوالی میباشد در منطقه آذربایجان بشکل جدول بندی عمیقی در آمده و چهار رشته متوالی درعمق ۵۰۰ کیلو متر خواهد شد با آنکه عمق کوهستان و شکل آن تغییر مینماید ولی شیب دیوار ها عموماً بطرف شمال و دارای رشته های متوالی بوده ارتفاع کلیه این کوهستان ها بین ۲۰۰۰ الی ۳۰۰۰ متر و قلل شامخه چون دماوند هم در بین این قلل یافت میشود .

از طرف باختر : رشته های کوهستان تروس بزرك و کوچك وارتفاعات منطقه کردستان با پیچش و تمایلی وارد خاك ایران شده و از این قسمت یك

تعداد دره های ورودی عمود بمرز در منطقه کردستان بوجود خواهد آمد ولی بعداً همین ارتفاعات هر قدر بطرف جنوب برود بهمان نسبت ازخط مرز موازی شده و تدریجاً از خط مرز دور میشود بطوریکه در نتیجه جلگه صاف خوزستان خارج از فلات مرکزی خواهد بود در سمت باختر عمق کوهستانهای ایران خیلی زیاد تر و از همدان تا مرز این رشته های کوهستانی متوالیاً قرار گرفته است ارتفاع کوهستانها تقریباً نظیر و شبیه ارتفاعات شمالی میباشدولی با فرق آنکه این کوهستانها بهم پیوسته و دارای عمق زیاد تری است .

رشته های کوهستانی با این وضعیت متوجه کرانه های جنوبی شده و باز در چندین رشته متوالی جنوب ایران را شیار مینمایند بطوریکه در نتیجه باز دهلیز هائی در جنوب تهیه مینماید این رشته های کوهستانی پس از شیار کردن کلیه جنوب مکران بطور عمود با ۹۰ درجه انحراف از مرز های بلوچستان خارج و در بلوچستان انگلیس امتداد مییابد . ارتفاع این کوهستانها از کوهستانهای باختری و شمالی خیلی کمتر و بریده است این رشته های کوهستانی هم بکلی موازی با کرانه خلیج و دریای عمان امتداد یافته و فواصل آن از کرانه ۶۰ الی ۵۰ کیلو متر است .

از طرف خاور : رشته هائی که در سمت خاور قرار گرفته برعکس کلیه ارتفاعات شمالی - باختری - جنوبی بکلی بریده غیر متصل و کوتاه میباشد این ارتفاعات هم دارای عمق کافی مثل باختر و جنوب نیست بلکه گاهی یك و گاه گاهی دو رشته است در قسمت مرکزی - نیز ملاحظه میکنیم یك دو رشته کوهستانی که از جنوب زنجان شروع شده از جنوب ساوه - قم - کاشان - یزد گذشته در کرمان بهم گره میخورد - ویك رشته هم از گلشن وفردوس بطرف یزد متوجه میشود .

باتوجه به کلیه مسیر این کوهستانها ملاحظه میکنیم دورا دور این کشور دیوار هائی بوجود آمده که در حقیقت دیوار واقعی کشور محسوب میگردند این سدهای

کوهستانی ضمن مسیر خود دوجلگه صاف یکی در شمال (گرگان) و دیگری در سمت‌جنوب باختری(خوزستان) بوجود میاورند که هر دو ازلحاظ طبیعی تقریباً دارای یك شکل ویك وضعیت میباشند

ولی این دیوار اگر در سمت شمال ـ باختر ـ جنوب پیوسته و متصل است ملاحظه میکنیم در سمت خاور باز و معابر زیادی را بطرف فلات بوجود خواهد آورد ولی این راه ها و معابر هم عموماً بفلات مرکزی و شن زار ها متصل میگردد .

سد های کوهستانی ضمن عبور از مرز ها در سه نقطه بطور تمایل مرز های ایران را قطع مینمایند ـ در کردستان باتمایل خیلی زیاد و در نتیجه‌دره های بسیار کم عرض‌منحرف و پرپیچ را بین‌ایران و کردستان را بوجودمیآورد

در مکران ـ ارتفاعات‌بطور عمود از مرز عبور کرده دهلیزهای عمودی درمرز بوجود میاورد که‌معابر بسیارمشخص را بطرفین ادامه میدهد گرچه این دهلیز هاهم خشك و دارای نقاط حیاتی بسیار محدودی میباشد .

در خراسان ـ دهلیزهائی که بطرف افغانستان ممتد شده‌دره های طبیعی بین ایران و افغانستان محسوب شده دارای نقاط حاصلخیز و دهلیزهای بسیار آبادی میباشد .

در نتیجه وجود این کوهستانها که در سراسر کشور قرار گرفته ملاحظه میکنیم رودخانه هائی بوجود میاید در هرقسمت که کوهستانها عمیق تراست پرآب ترو دائمی ترمیباشدولی در نقاطیکه‌کوهستانها کم عمق تر است‌رودخانه ها کمتر میباشد مثلا در سمت خاور رودخانه خیلی کم یاب تر و جز رودخانه های کم‌آب غیر دائمی در داخله کشور به‌رودخانه های دیگری مصادف‌نخواهیم شد در صورتیکه در سمت باختر برعکس بواسطه وجود کوهستانهای مرتفع رودخانه‌های پرآب کشور ملاحظه میگردد ازجمله ـ کرخه ـ کارون .در قسمت مرکزی رودخانه ها معدودو کم آب میباشند ـ وبطور کلی میتوان قسمت‌های کوهستانی شمال باختر و قسمتی از جنوب را پرآب و حاصل خیز ـ دانسته‌ولی بقیه قسمت های کوهستانی رانسبتاً خشك و کم آب در نظر گرفت

و از لحاظ رودخانه ها در کلیه ایران‌رودخانه ها به حوزه‌های موجوده بشرح زیر تقسیم میشوند .

حوزه۱ـ بحرخزر۲ـ دریاچه‌رضائیه۳ـ خلیج فارس۴ـ دریای‌عمان۵ـ دریاچه هامون صابری ۶ ـ شن زارهای‌ترکستان ۷ ـ نمك زارمرکزی ۸ ـ جازموریان ۹ ـ حوزه های محدود داخلی فارس

قسمت های آباد و حاصلخیز و تقریباً مسکون و زرخیز کشور قسمت های کوهستانی یعنی دورا دور فلات است ولی قسمت مرکزی قسمت عمده مرکب از بیابان‌های‌خشك ویك کویر بی‌برکتی است که‌کوچکترین‌اثرحیاتی در آن وجود نداشته کوچکترین ارزش‌اداری ونظامی‌رادارانیست وحتی‌سکنه در آن وجود ندارد و میتوان گفت فلات مرکزی قسمت عمده منطقه ایست بایربدون سکنه بدون زراعت‌و حاصل وبدون‌کوچکترین ارزش‌زندگانی و حیاتی

تقسیم سکنه نیز بادر نظر گرفتن همین اصل انجام شده یعنی ثقل جمعیت ایران بطرف شمال و در درجه دوم متوجه باختر کشور بوده ولی قسمت های خاوری و جنوبی و مرکزی دارای جمعیت نسبتاً کمتری میباشد .

آب و هوای کشور هم بنابه وضعیت خاص مناطق تغییر پذیر است .

باتوجه بمندرجات بالا بایستی کشور را بمنزله حصاری‌دانست که‌راههای ورودی آن بسیار مشخص و معین بوده‌معابر خاوری آن بیشتر از سایر قسمت ها میباشد .

برای شناسی بوضعیت طبیعی اداری ـ اقتصادی و نظامی مناطق به‌جلد های مربوطه بهریك از مناطق رجوع شود

فصل سوم

تقسیمات کشور

کشور ایران در ادوار مختلف به تقسیمات بسیار متغیری تقسیم گردیده ولی در تمام تقسیماتی که از قدیم ترین ادوار در این کشور انجام شده همیشه منظور نظر در تقسیمات کشور آن بوده است که تقسیمات طبیعی را منظور نظر قرار داده و تقسیماتی را قائل گردند که بواسطه یکسان و یك نواخت‌بودن طبیعت مامورین عالیرتبه کشور بتوانند آنرا اداره و سرپرستی نمایند چه‌اگر وضع طبیعی ناحیه بسیار متغیر باشد باز برای آن مامور هم اشکالات زیادی تولید خواهد شد .

در تقسیمات اخیر کشور چون منظور تطبیق تقسیمات کشور با حوزه بندی های نظام وظیفه بوده لذااین اصل مسلم که‌برای تقسیم بایستی همیشه‌مورد نظر باشد از نظر دور و حتی اشکالات زیادی را تولید کرد یك نظر بتقسیمات استان ۱ و ۲ آذربایجان بخوبی اشکالات موجوده و نقص سازمانی را بنظر میرساند

بنظر اینجانب که‌کراراً در کشورمسافرت و با کلیه اشخاص مطلع صحبت و بحث کامل نموده ام تقسیمات کشور بایستی متکی به اصول زیر باشد .

۱ - وضعیت طبیعی مناطق در تقسیمات کشور کاملا مورد توجه قرار گیرد .

۲ - مناطقی که تقریباً از لحاظ زبان - اخلاق - اطوار و اصول زندگانی یکسان میباشد در قسمت معینی داخل نمایند .

۳ - بایستی تقسیمات نظام وظیفه را تابع به تقسیمات اساسی کشور نمود نه برعکس .

اینك با شرح مراتب بالا عین فصل خاصی که جهت تقسیمات تهیه شده جهت استحضار به تقسیمات کنونی کشور و دادن فکر اصلی که در این تقسیمات وجود داشته درج مینمائیم .

۱- تقسیمات کشور

۲ - وظایف مامورین وزارت کشور

بموجب ماده یك قانون ۱۶ آبانماه ۱۳۱۶ ایران به ده استان تقسیم‌شده است .

از مختصات سازمان سابق ایران یکی اینست که کشور ایران درزمانهای قدیم توسط داریوش و بعدها انوشیروان برای تسهیل نظارت کارهای مامورین امکان رسیدگی بکارهای مردم جلوگیری از اقتدارات فرمانفرمایان به‌تقسیماتی چند تقسیم شده بود و حال آنکه تقسیمات‌داخلی بسیاری از کشورهای‌خارجه بتدریج و براثرتحولات و پیش آمدهائی بصورت‌کنونی رسیده است چنانکه کشورهائی موجوداست که‌در مقابل‌تقسیمات بزرك دارای‌تقسیمات‌بسیار کوچکی بوده که بهیچ وجه از حیث وسعت خاك و جمعیت و سایر خصوصیات‌بایکدیگر تناسب ندارند - تقریباً تمام کشورهائیکه دارای نظام وظیفه‌هستند کشورخود را به‌قطعاتی تقسیم و در بیشتر کشور ها همین قطعات پایه و بنای‌سازمان‌تمام ادارات کشوری قرار گرفته است .

کشور ایران گاهی اوقات به بیست ساترابی - موقعی به چهار قسمت و اواخر به‌چهار ایالت که بعدها بترتیب شش و هشت‌ایالت میشود وچندولایت تقسیم میگردید .

تقسیمات جزء یعنی ده و دهستان (بلوك سابق) با اندکی تفاوت‌همیشه وجود داشته منتهی طرز اداره آن بنابر موقع قدری اختلاف داشته است .

از بدو مشروطیت‌تا کنون‌مکرربا در نظر گرفتن جهات مختلف‌بررسیهای متعددی راجع به تقسیمات داخلی کشور شده که فقط بعضی نظریات تقسیماتی

مثلا تاسیس یك ایالت و یاولایت بموجب قوانین خاصی‌عملی گردیده بطوریکه تنها مجموعه که شامل تقسیمات کامل کشور باشد فقط در یك مرتبه و آن نیز در ۱۳۱٦ بوده است .

در تقسیمات استانی در ابتدا نظریه تقسیمات ایالاتی سابق بوده ولی در همان موقع که قانون در شرف تصویب بوده تقسیمات کوچکتر گردیده‌ودر تقسیم بندی جدید بیشتر جمعیت یك قطعه بزرگ از خاك ایران و طرق ارتباط قسمتهای مختلف آ ن قطعه بایکدیگر و تسهیل مراودات بقسمیکه رفت‌و آمد را برای مشمولین در مواقع عادی و یاتجمع را در زمان بسیج آسان نماید در نظر گرفته شده و بدین جهت بعضی قسمتها با وجود اینکه از لحاظ طبیعی‌و یا دادو ستد تجارتی و یا سابقه مراودات جزء منطقه دیگر بوده اند فعلااز آن مجزا و تابع قسمتی دیگر شده اند .

هریك از این ده قطعه که به استان بضم الف (در زمان ساسانیان این کلمه بزمینهای متعلق به مقام سلطنت اطلاق میشده است)معروف است محل‌یکی از واحدهای بزرك ارتش و در حقیقت محل تجمع و مانند مرکز بسیج تمام قطعه است بنابر این در تقسیمات بزرك کشور یکی از نکات مهمی که منظور بوده است رعایت کار نظام وظیفه می باشد - زیرا بدیهی است قطعاتی با این جمعیت و بزرگی را یکنفر بزحمت میتواند اداره نموده سهل است بتمام کارهای مربوطه بآن بدقت رسیدگی نمایدهمچنانکه ولات و فرمانفرمایان‌سابق‌هیچگاه موفق نشدند تمام قطعه خاکی را که تحت فرمانفرمانی خود داشتند بطور شایسته اداره نمایند.

بهمین جهت در قانون تقسیمات کشور مامور کشوری که صرفاً اجراء کننده باشد برای استان معین نشده بلکه بـه پیشنهاد وزارت کشور و فرمان همایونی یکنفر از مستخدمین رسمی دولت برای استان معین میگردد که در حدود قوانین بفرمانداران حوزه ماموریت‌خود دستورو تعلیمات میدهدو بعلاوه در کلیه امور شهرستانهای تابعه بازرسی کرده و مسئول حسن‌جریان امورآنها میباشد .

بنا بر این درحقیقت امر استاندار بازرسی عالیمقامی بیش نیست و بهمین جهت در قانون نامبرده مذکور است که استاندار مرکز ثابتی نـدارد و طبق قانون استاندار تنها مامور کشوری است که حوزه مأموریتش درتمام استان‌است بنابراین اصولا دفاتر بعضی از وزارتخانه ها که‌مامورین برای استان‌معین‌نموده اند باید آنهارا تبدیل نموده وراجع به حسن جریان اموراداران محلی نظریات استانداری مربوط را بخواهند - یکی‌از مختصات قانون تقسیمات کشور این است که نامهای نواحی سابق را عملااز بین‌برده و برای قطعات مختلف کشور ترتیب مخصوصی در نام گذاری قائل‌شده است - مثلا استانهابشماره خوانده شده و از یك‌تا ده می باشند بنا بر این‌استعمال‌نام ناحیه‌بعد ازاستان مانند استان‌خراسان یااستان‌فارس‌صحیح نیست- بین استانهای فعلی‌آنچه تقریباً باایالات سابق تطبیق مینماید‌عبارتنداز استان‌سوم (آذربایجان‌شرقی‌سابق) استان چهارم (آذربایجان غربی‌سابق)استان هفتم(ایالت فارس سابق) استان‌هشتم(ایالت کرمان‌و بلوچستان سابق)استان نهم (ایالت خراسان سابق)درمقابل‌استان دیگریا اصولاایالاتی نبوده ویا اگرهم بوده است وسعت‌آن اختلاف فاحشی‌باوسعت‌استان کنونی‌داشته‌است .

جمعیت هر یك از استانهای‌نامبرده‌از روی شناسنامه های‌صادره‌بشرح زیراست .

استان یك	۲/۱۰۲/٥۲۲	استان شش	۱/۲٤۹/۱۱٥
استان دو	۲/۱٤٥/۲۳۲	استان‌هفت	۱/۲٥۰/۰۸٥
استان سه	۱/٤٤۲/۱۸۳	استان هشت	۱/۲۱۱/٤۱۲
استان چهار	۱/۱۷۸/۰۹٥	استان نه	۱/٤٤۰/۳۷٦
استان‌پنج	۱/۳٥۹/۳٤٤	استان‌ده	۱/۰۲٤/٦۹۹

هر یك از استانهای مزبور طبق همان‌ماده یک به‌چند قسمت که‌هر یك‌شهرستان نامیده میشوند تقسیم میگردد .

شماره این شهرستانها از لحاظ کشوری فعلا چهل و نه‌است وحال آنکه از لحاظ نظامی به هشتاد بالغ میشود .

همانقسمیکه در تقسیمات استانی ملاحظه جمعیت شده است در تقسیمات شهرستانی نیز رعایت این مطلب شده و بعلاوه مخصوصاً راههای ارتباط بین قسمتهـای مختلف شهرستان منظور گردیده زیرا در حقیقت امر هر یك از این

شهرستانها که فعلا به شهرستان نظامی معروف گردیده مرکزیکی ازحوزه‌های اصلی نظام‌وظیفه میباشد - بنابراین همان قسمیکه کشوراز لحاظ نظام‌وظیفه‌دارای ۸۰ حوزه‌اصلی‌است‌هشتادشهرستان نظامی نیزمیباشد - بهمین لحاظ اداره کل آمار وثبت‌احوال که‌بایداز هرجهت‌عملیاتی که‌مینماید باامور نظام وظیفه تطبیق نماید دارای ۸۰ دفتراصلی ثبت‌احوال‌میباشدولی‌شهرستانهای کشوری تاحال‌حاضر بجهات مختلف بهمان ٤١ - باقی مانده است‌و باید کسر نمودن بیجارو ایلام که‌از لحاظ نظامی دارای‌حوزه‌اصلی نظام‌وظیفه‌نبوده و بنابراین‌شهرستان نظامی هستنددرمقابل‌پیشنهاد شهرستان‌نظامی‌و ۸۰ دفتراصلی‌ثبت‌احوال وزارت کشور فقط دارای ٤٧ شهرستان‌است

علت مهمی که ایجاب مینماید تقسیمات شهرستانهای کشوری باحوزه‌های اصلی نظام وظیفه و ثبت احوال تطبیق نماید در اینست که طبق‌ماده قانون‌نظام وظیفه ریاست مجالس سربازگیری با عالیترین مامور وزارت کشور است‌و اگر بنا باشد برای امور نظام وظیفه یك قطعه خاك بدو فرماندار مراجعه شود قطعاً در جریان کارها تعویق واختلافاتی رخ میدهد لذا ناچار باید حوزه حکومت کشوری‌و نظامی را از هر جهت با یکدیگر منطبق‌نمود - بهمین جهت‌بدیهی‌است موقعیکه تقسیمات نظامی- ثبت احوال و کشوری از هر جهت با یکدیگر‌تطبیق نموده‌سایر وزارتخانه ها و ادارات طبعاً مجبور خواهند بود تقسیمات خود را تا آنجائیکه وسعت کار آنها اجازه‌میدهد با آن تقسیمات وفق دهند بخصوص که طبق قانون فعلی‌فرمانداران ریاست عالیه بر تمام‌ادارات‌کشوری داشته‌وشایسته نیست در قسمتی‌از شهرستان فرماندارشهرستان‌دیگری مداخله‌نمایند همچنانکه در بالا اشاره شد در نام گذاری شهرستان ها که بعضی از آنها تقریباً دارای همان وسعت خاك ولایات سابق هستند نام نواحی از بین رفته و نام مرکز شهرستان بتمام شهرستان اطلاق‌میشود مثلا بجای‌ولایت گیلان یاولایت کردستان یا ولایت فارس بترتیب شهرستان رشت - شهرستان سنندج - شهرستان شیراز در قانون ذکر شده است . جدول زیر استانها و شهرستانهای کشوری - نظامی (حوزه اصلی نظام وظیفه)ودفتر اصلی ثبت احوال تابع‌استان را به تفکیك با جمعیت تقریبی نشان میدهد :

شماره استان	نام شهرستان کشوری موجود	نام حوزه اصلی نظام وظیفه	نام دفتراصلی ثبت احوال	جمعیت تقریبی	ملاحظات
(١)	زنجان	زنجان	زنجان	٣٦٦٦٣٣	
	قزوین	قزوین	قزوین	٣٤٧٢٤٢	
	ساوه	ساوه	ساوه	١٣١٧٠٩	
	اراك	اراك	اراك	٣٣٩٣٧٦	
	رشت	رشت	رشت	٣٠٥٦٢٦	
		لاهیجان	لاهیجان	١٨٤٧٥١	
		فومن	فومن(بندرپهلوی)	٢٣٦٩٩٦	
	شهسوار	شهسوار	شهسوار	١٩٠١٨٩	
(٢)	قم	قم	قم	١٤٤٢٨٠	دفترثبت‌احوال تهران
	کاشان	کاشان	کاشان	١٧٠٣١٨	دارای دو بخش است
	تهران	تهران	تهران	٦٩٨٨٤٨	
	سمنان	سمنان	سمنان	٢٠٩٤٧٥	از لحاظ نظام وظیفه
	ساری	ساری	ساری	٢٧٣٨٧٦	فعلاسبزوار جزءاستان
		بابل	بابل	٢٥٦٧٢٤	دوم محسوب میشود
	گرگان	گرگان	گرگان	٢١٠١٨٢	
(٣)	تبریز	تبریز	تبریز	٢١٢٤٦٥	
		آذرشهر	آذرشهر	٢٠٢٥٣١	
		ارسباران	ارسباران	٢٠٩٤٩٠	
		مرند	مرند	١٧٨٦١٣	
	اردبیل	اردبیل	اردبیل	١٩٨٦٨٨	
		اوجارود	اوجارود	١٥٦٥٧٦	

شماره استان	نام شهرستان کشوری موجود	نام حوزه نظام وظیفه	نام دفتر اصلی ثبت احوال	جمعیت تقریبی	ملاحظات
		سراب	سراب	١١٩٣٩٤	
		هرو آباد	هرو آباد	١٦٤٤٩٦	
(٤)	خوی	خوی	خوی	١٤٠٠٩٤	
		ماکو	ماکو	٨٠٢٣٢	
	رضائیه	رضائیه	رضائیه	١٦٦١٧٤	
	مهاباد	مهاباد	مهاباد	١٧٤٩٥٢	
		سقز	سقز	١٦٣٨٦٢	
	مراغه	مراغه	مراغه	٢٠١٧٢٠	بیجار ازلحاظ نظام وظیفه‌و ثبت احوال جزء سقز محسوب میشود
		هشترود	هشترود	١٣٤٥٥٦	
		میانه	میانه	١١٦٥٠٥	
	بیجار			٦٧٥٧	
(٥)	ایلام			٦٠٠٠٠	از لحاظ نظام وظیفه وثبت احوال جزء شاه آباداست ومشمولین آن باستان ٦ اختصاص داده میشود
	شاه آباد	شاه آباد	شاه آباد	١٦٠٠٠٠	
	کرمانشاهان	کرمانشاهان	کرمانشاهان	١٤٤٠٩٠	
		کنگاور	کنگاور	١٠٧٠٨٣	
	سنندج	سنندج	سنندج	١٨٥٩٣٢	
		خدابنده لو	خدابنده لو	١٧٢٤٣٤	
	ملایر	ملایر	ملایر	٢٤٧٢٧٣	
	همدان	همدان	همدان	١٨٦٠٧٨	
		چهار بلوک شمالی	چهار بلوک شمالی	١٦٢٤٨٦	

شماره استان	نام شهرستان کشوری موجود	نام حوزه نظام وظیفه	نام دفتر اصلی ثبت احوال	جمعیت تقریبی	ملاحظات
(٦)	خرم آباد	خرم آباد	خرم آباد	١٧٨٥٧٧	
		بروجرد	بروجرد	١٠٨٨٨٤	
	گلپایگان	گلپایگان	گلپایگان	١٠٧٦٣٨	
		الیکودرز	الیگودرز	١٣٢٨٨٣	
	اهواز	اهواز	اهواز	١٦٤٣٣٣	
		رامهرمز	رامهرمز	١٢٥٥٢٤	
		دزفول	دزفول	١٨٤١٥٩	
	خرمشهر	خرمشهر	خرمشهر	١٩١٩٢٣	
(٧)	شیراز	شیراز	شیراز	٢٠٦٤٨٥	
		حومه شیراز	حومه شیراز	٢٠١٣٠٣	
	بوشهر	بوشهر	بوشهر	١٩٦٢١٣	
	فسا	فسا	فسا	١٩٤٥٩٢	
	آباده	آباده	آباده	٩٠٧٠١	
	لار	لار	لار	١٥٧٩٦٩	
		تل خسرو	تل خسرو	٥٠٠٠٠	
(٨)	کرمان	کرمان	کرمان	٢١٣٨٤٧	
		سیرجان	سیرجان	١٣٢١٧٥	
	بم	بم	بم	٢١٣٨٤٧	
	بندر عباس	بندر عباس	بندر عباس	١١١٣٥٥	
		جاسك	جاسك	٧٤٤٨	
	خاش	خاش	خاش	٥٧٧٦١	
		چاه بهار	چاه بهار	٤٥٠٨	
	زابل	زابل	زابل	١٥٨٨٥٩	

شماره استان	نام شهرستان کشوری موجود	نام حوزه اصلی نظام وظیفه	نام دفتر اصلی ثبت احوال	جمعیت تقریبی	ملاحظات
(۹)	سبزوار	سبزوار	سبزوار	۱۸۱۵۲۹	از لحاظ نظام وظیفه
	بیرجند	بیرجند	بیرجند	۱۹۶۹۱۶	و آمار جزء استان
	تربت حیدریه	تربت حیدریه	تربت حیدریه	۱۷۳۰۲۱	دوم است مشمولین
	مشهد	مشهد	مشهد	۴۱۹۸۵۰	این ناحیه باستان
		نیشابور	نیشابور	۱۶۰۱۱۷	هشتم اختصاص داده
		تربت‌جام	تربت‌جام	۹۴۲۹۶	میشود
	قوچان	قوچان	قوچان	۲۲۸۴۹۶	
	بجنورد	بجنورد	بجنورد	۱۶۷۷۹۶	
	گناباد	گناباد	گناباد	۱۹۶۸۰۰	
(۱۰)	اصفهان	اصفهان	اصفهان	۲۷۴۴۲۵	
		نجف آباد	نجف آباد	۱۰۵۵۹۲	
		فریدن	فریدن	۱۳۸۲۸۳	
		شهر کرد	شهر کرد	۱۴۴۹۹۲	
		شهر ضا	شهرضا	۱۶۴۹۶۴	
		کوهپایه	کوهپایه	۱۲۴۹۸۷	
	یزد	یزد	یزد	۱۹۹۱۶۴	مشمولین آن باستان
		نائین	نائین .	۷۱۴۵۶	۸ اختصاص داده میشود

جمعیتهای مذکور در جدول تقریباً مطابق برگهای شناسنامه صادره می‌باشد و بعلاوه مربوط بحوزه دفتر اصل ثبت احوال است

طبق تبصره ۳ از ماده ۲ قانون تقسیمات کشور (جزائر مجاور هر یك از شهرستانها تابع آن شهرستان میباشند) .

اداره امور شهرستان طبق ماده ٤ قانون نامبرده به یکنفر بنام فرماندار واگذار میشود که به پیشنهاد استاندار بوزارت کشورو فرمان همایونی منصوب میشود و مانند استاندار هر شخصی که کارمندی رسمی دولت رانداشته باشد با تصویب هیئت وزیران و فرمان همایونی ممکن است بفرمانداری منصوب گردد .

وظائفیکه فرمانداران بموجب ماده قانون تقسیمات برعهده دارند بسیار سنگین است .

روش وظائف آنها عبارت است از :

۱ - حفظ سیاست عمومی دولت در حوزه مأموریت خود و مراقبت در بهبودی اوضاع اجتماعی محل

۲ - جدیت در پیشرفت امور کشاورزی وعمران واداره کردن اهالی وملاکین باجرای برنامه فلاحتی که از طرف ادارهٔ کل کشاورزی اداره میشود

۳ - مراقبت در پیشرفت امور اقتصادی و صناعت محل .

٤ - مراقبت وجدیت دراجرای مقررات بازرسی بهداشت نباتات وحیوانات و سایر مسائل مربوط به پیشرفت کشاورزی .

۵ - مراقبت در توسعه تربیت بدنی و پیشرفت امور فرهنگی و تربیت اکابر .

٦ - مراقبت و نظارت در امور بهداری و بهداشت .

۷ - نظارت در امور شهرداریها .

۸ - انجام انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی .

۹ - انجام امر انتخابات شهرداریها و اطاقهای بازرگانی در محلهائیکه اطاق بازرگانی موجود است .

۱۰- ریاست شورای اداری شهرستان .

۱۱- ریاست مجلس سربازگیری .

۱۲- ریاست کمیسیون مالیات بردرآمد .

۱۳- کمك لازم در انجام وظایف قانونی سایر ادارات شهرستان .

۱٤- پیشنهاد اصلاحاتی که از لحاظ حسن اداره لازم میداند .

۱٥- اظهار نظر نسبت بروسای قلمرو مأموریت خود .

۱٦- ابلاغ قوانین و مقررات عمومی در شهرستان برای اطلاع عامه .

۱۷- نظارت در اینکه قوانین از طرف سایر ادارات صحیحاً اجرا شده و مأمورین دولت از حدود وظائف و اختیارات خود تجاوز ننمایند .

۱۸- وارسی بشکایات مردم .

۱۹- سرکشی مرتب بقلمرو مأموریت خود و رفع سوء جریانهائی که ملاحظه میکنند .

۲۰- تعیین دهدار و کدخدا .

۲۱- رسیدگی به برنامه عمران بخشها و تصویب آن .

۲۲- تهیه برنامه اموری که باید در شورای شهرستان مطرح مذاکره قرار گیرد .

در استانهای که دارای استاندار است فرمانداران مأموریت را که انجام میدهند تحت نظارت استاندار بوده وروابط آنها با وزارت کشور جز در موارد مهم و فوری توسط استانداری خواهد بود

برای معاونت و مساعدت فرماندار در اجرای وظائف سنگینی که برعهده دارد درماده ۱۸ قانون تقسیمات کشور پیش بینی شده است که درهر شهرستان شورائی بنام شورای شهرستان بریاست فرماندار تشکیل شده ومرکب خواهد بود ز معاون فرماندار وروسای ادارات شهرستان اعم از لشگری و یا کشوری ولی باوجود اینکه صراحتی در قانون در اینقسمت ندارد ولی معهذا عملا تا مدتی از قسمتهای نظامی فقط رئیس یکی از

ادارات معمولا رئیس نظام وظیفه شرکت مینمود و رئیس نگهبانی و سایر رؤسای نظامی شرکت نمی نمودند وهمچنین در شهرهائیکه عموماً محل اقامت استاندار بوده و بنابراین مرکز یك لشگر است فرمانده لشگر مشارکت نمیکند بلکه رئیس ستاد لشگر معرفی میگردد - راجع بشرکت بعضی از رؤسای استان های دیگر نیز گفتگوی زیادی است ازذکر آن صرفنظر میشود .

روش وظائف شورای اداری شهرستان عبارت است از :

۱ - بررسی و تهیه وسایل بهبودی امور کشاورزی و آبادی و عمران شهرستان .

۲ - بررسی و تهیه وسایل بهبودی بهداشت شهرستان

۳- مساعدت با فرماندار در انجام وظائفی که بموجب قانون بعهده او محول است .

٤ - ایجاد وحدت عمل و تشریك مساعی در پیشرفت امور شهرستان .

٥ - بررسی و تهیه وسایل بهبودی فرهنگ وتربیت بدنی شهرستان

٦ - رسیدگی باعتراضات اشخاص ذینفع از تصمیمات شورای بخشها و برنامه کشاورزی .

۷ - بررسی مطلبی که رئیس شوری درحدود قوانین طرح مینماید .

۸- ایجاد وحدت عمل بین شورای بخشهای شهرستان و وفق دادن عملیات آنها با یکدیگر .

شورای اداری شهرستان در ۱٥ هرماه لااقل یکمرتبه اجلاس مرتب خواهد داشت درصورتیکه روز مزبور با تعطیل رسمی تصادف کند روز بعد از تعطیل جلسه تشکیل خواهد شد .

سایر جزئیات وظائف وطرز کار شورای بموجب آئین نامه وزارت کشور مورخ ۷ بهمن ۱۳۱٦ معین گردیده است

بخشها : طبق ماده، یك قانون تقسیمات هریك از شهرستانها بنوبه خود بقطعات جزئی بنام بخش تقسیم میگردد .

برخلاف استان و شهرستان که در آنها کمتر مساحت و اوضاع طبیعی مورد نظر بوده در تقسیمات بخشها تبصره ماده ۲ وزارت کشور را موظف نموده است که علاوه بر تعداد سکنه در تقسیمات شهرستانها مساحت و اوضاع طبیعی منظور شود.

بموجب صورت پیوست قانون تقسیمات کشور مصوب ۱۳۱٦ تعداد بخشها به ۲۹۰ بالغ میشود که از موقع تصویب تاکنون بعضی از این بخشها از لحاظ موقع یاجهت خاصی به فرمانداری تبدیل و در مقابل قطعات دیگری از کشور که مهمتراز دهستان بوده‌واهمیت آن‌ایجاب مینموده بصورت بخش در آمده‌است.

جدول زیر نام شهرستان و بخشهای تابع آنرا با استان مربوط نشان میدهد

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
۱	زنجان	زنجان ابهر سیردان قیدار ماه نشان
	قزوین	قزوین بوئین ضیاء آباد معلم کلایه آوه آبیک
	ساوه	ساوه نوبران

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(۱)	اراک	اراک فرمهین ترخوران سربند وفس
	رشت	رشت فومن رودبار لاهیجان بندرپهلوی کوچصفهان خمام
	شفارود	بموجب قانون بخشی است از رشت ولی عملا فرماندار دارد
	شهسوار	شهسوار نوشهر رودسر لنگرود
(۲)	قم	قم کهک دستجرد محلات

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(۲)	کاشان	کاشان
		قمصر
		میمه
		نطنز
	تهران	کن
		افجه
		شهرری
		کرج
		علی‌شاه‌عوض
		ورامین
		ایوانکی
		دماوند
		کولج
	سمنان	سمنان
		سنگسر
		دامغان
		شاهرود
		میامی
		گرمسار
	ساری	ساری
		بهشهر
		چهاردانگه
		بابل

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(۲)		بابلسر
		بندپی
		آمل
		نور
		لاریجان
		شاهی
		سوادکوه
		فیروزکوه
	گرگان	علی‌آباد
		بندرشاه
		گومیشان
		بندرگز
		کردکوی
		گنبدکاوس
		رامیان
		مینودشت
		داشبرون
		پهلوی‌دژ
(۳)	تبریز	تبریز
		بستان‌آباد
		آذرشهر
		مرند
		شبستر
		اهر
		خداآفرین

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(۳)	اردبیل	اردبیل
		سراب
		گرمی
		مشگین شهر
		آستارا
		هرو آباد
(٤)	خوی	خوی
		ماکو
		سیه چشمه
		پل دشت
		شاهپور
	رضائیه	رضائیه
		اشنویه
		سلدوز
	مهاباد	مهاباد
		بوکان
		بانه
		سقز
		شاهین دژ
		تکاب
	سر دشت	بموجب قانون تقسیمات کشور بخشی است ازمهاباد ولی عملا فرماندار دارد ،

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(٤)	مراغه	مراغه
		مرحمت آباد
		سراسکند
		میانه
	ایلام	ایلام
		آبدانان
		مهران
		ارکوازی
		دهلران
		جوار
		بدره
		صالح آباد
(٥)	شاه آباد	شاه آباد
		کرند
		قصر شیرین
		ایوان
	کرمانشاهان	کرمانشاهان
		کنگاور
		هرسین
		صحنه
	سنندج	سنندج
		قروه
		کامیاران

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(٥)	سنندج	سقز
		مریوان
		آویهنگ
		میرانشاه
		باوه
	ملایر	ملایر
		نهاوند
		تویسرکان
		همدان
		اسد آباد
	همدان	ژزن
		کبوتر آهنگ
		میمنه رود
	خرم آباد	خرم آباد
		سلسله
		دلفان
		چغروند
		ویسیان
		زاغه
		کوه دشت
		دوده
		ملاوی
		بروجرد

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(٥)	خرم‌آباد	دورود
		اشترنیان
		پاپی بموجب قانون دهستان است ولی در عمل بخشدار دارد
	گلپایگان	گلپایگان
		خمین
		خوانسار
		الیگودرز
(٦)	اهواز	اهواز
		شوشتر
		دزفول
		مسجد سلیمان
		طوف سفید
		رامهرمز
		بستان
	اهواز	ایذه
		قلعه‌زراس
		ده دژ
		جانکی
	دشت میشان	بموجب قانون بخشی است از اهواز ولی در عمل فرماندار دارد

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(٦)	خرمشهر	خرمشهر
		آبادان
		قصبه
		شادکان
	هندیجان	بموجب قانون یکی از بخشهای خرمشهر است ولی عملا فرماندار دارد.
	بهبهان	بهبهان
(٧)	شیراز	شیراز
		فیروزآباد
		ممسنی
		کازرون
		بیضا
		زرقان
		قیروکارزین
	بوشهر	بوشهر
		برزجان
		خرموج
		ریگ
		اهرم
		کنگان
		دیلم

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(٧)	فسا	تل خسرو
		فسا
		نیریز
		اصطهبانات
		داراب
		سعادت آباد
	لار	لار
		لنگه
		گاو بندی
		بستک
		جهرم
		جویم
	آباده	آباده
		سمیرم
		بوانات
(٨)	کرمان	کرمان
		شهداد
		ناور
		زرند
		رفسنجان
		سیرجان
		ماهان
		بافت

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشرر	نام بخش کنونی
(۸)	بم	بم
		سبزواران
		ساردویه
		کهنو
		مشیز
	بندرعباس	بندر عباس
		میناب
		جاسك
		قشم
	خاش	خاش
		قصر قند
		ایرانشهر
		سرواوان
		بزمان
		سرباز
		چاه بهار
		زاهدان فرماندار دراین شهر اقامت دارد .
	زابل	زابل
		میان کنگی
(۹)	سبزوار	سبزوار
		جغتای

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(۹)	سبزوار	داورزن
		تکاب
		صفی آباد
	بیرجند	بیرجند
		قاین
		درمیان
		ماژان
	تربت حیدریه	تربت حیدریه
		فیض آباد
		بستگان
		خواف
		کدکن
	مشهد	مشهد
		ارداك
		طرقیه
		احمد آباد
		سرخس
		فریمان
		زورآباد
		طیبات
		نیشابور
		کلات

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(۹)	قوچان	قوچان
		شیروان
		محمدآباد
		لطف آباد
		باجگیران
	بجنورد	بجنورد
		اسفراین
		مانه
	گن آباد	گن آباد
		بجستان
		فردوس
		طبس
		کاشمر
(۱۰)	اصفهان	اصفهان
		نجف آباد
		شهرکرد
		شهرضا
		اردستان
		کوهپایه
		داران
		فلاورجان
		اردل
		لوردکان

شماره استان	نام شهرستان کنونی کشور	نام بخش کنونی
(۱۰)	اصفهان	آخوره
	یزد	یزد
		اردکان
		نائین
		خور
		خضرآباد
		خوانق
		بافق
		اشکذرز
		مهریز
		تفت
		نیر
		شهربابك

همچنانکه در شهرستانها مراعات شده در نام گذاری بخشها نیز عموماً نام مرکز بخش برای بخش گذارده شده .

چنانکه گویند بخش کرج- بخش ورامین - امور بخش بر عهده یکنفر بخشداراست که بین کارمندان رسمی دولت به‌پیشنهاد فرماندارو موافقت‌استاندار و حکم وزارت کشور منصوب میشود .

بموجب ماده ۲۰ قانون نامبرده کلیه وظائفی که بر عهده فرمانداران محول است بخشداران همان وظائف را در بخش مأموریت خود دارا هستند - بعلاوه مرجع مستقیم رسیدگی بکارهای دهداران و کدخدایان بوده و در اعمال آنها نظارت خواهند داشت و گزارش اقدامات آنها را برای فرماندارخواهند فرستاد .

بخشداران نیز جز در مواقع فوری و مهم حق مکاتبه مستقیم با وزارت کشور را نداشته و باید گزارش اقداماتیکه مینمایند و نظریات و پیشنهاداتی که دارند توسط فرمانداری بفرستند .

در هر بخش برای کمك به بخشدار و برای انجام وظائفیکه در زیر روش آن ذکر میشود شورائی بنام شورای بخش از رؤسای کشوری ولا اقل سه ـ ۵ نفر از مالکین و کشاورزان محل تشکیل میگردد بنا بر این رؤسای لشگری در این شوری که فقط جنبه کشاورزی و عمرانی دارد شرکت نمینمایند .

وظائف شورای مزبور عبارت است از :

۱ - بررسی در وضع هر یك از قوا محل و علل خرابی ووسائل عمران آنها و پیشنهاد وسائل مقتضی برای توسعه و پیشرفت عمران

۲ - مراقبت در رفع نیازمندیهای بهداشت و سایر احتیاجات همگانی قوا واقع در بخش .

۳ - اهتمام در تأسیس شرکتها کشاورزی و بهره‌برداری و شرکتهای مخصوص برای پاك کردن و طبقه بندی و بسته‌بندی وخشك نمودن میوه‌جات و محصولات کشاورزی .

۴ - راهنمائی و دادن تعلیمات کشاورزی بمالکین و کشاورزان محل .

۵ - تهیه برنامه ساختن راههای فرعی بین دهات بقسمیکه تمام دهات و قصبات کشور براههای اصلی مربوط شوند و وادار کردن اهالی بتشریك مساعی جمعی برای این کار .

۶ - اقدام در اداره کردن آبها و قنوات مشترك دهستانها بقسمی که حد اعلای استفاده از آب برای پیشرفت امر زراعت بشود .

۷ - وادار کردن اهالی به تشریك مساعی جمعی برای دفع آفات نباتی و حیوانی طبق دستور اداره کل کشاورزی

۸ - اقدام در خشك کردن باطلاقها و دائر نمودن زمینهای بایر .

۹ - تغییر محصول در صورت لزوم به محصولاتیکه ازحیث استفاده رجحان داشته باشد و بررسی در کیفیت آن .

۱۰ - ترویج بذر مرغوب برای کشت و تقسیم و فروش آن بمالکین و زارعین محل .

۱۱ - سعی در تهیه کودهای فلاحتی و داروها و لوازمی که برای جلو گیری از کلیه آفات نباتی لازم است و آموختن طرز استعمال آن به مالکین و زارعین .

۱۲ - ترویج صنایع دستی محلی بین زارعین .

۱۳ - احداث و اصلاح تدریجی خانه های رعیتی با رعایت اصول بهداشت .

۱۴ - اقدام در لاروبی قنوات موجود و احداث قنوات و انهار جدید .

۱۵ - وادار کردن مالکین بدرختکاری از مثمر و بی ثمر

۱۶ - تشویق رعایا بتربیت اغنام و احشام و طیور اهلی و چهار پایان و بررسی در اصلاح نژاد آنها .

۱۷ - تشویق رعایا باستفاده از کلاسهای اکابر .

طرز تشکیل شورای بخش و سایر وظائف شورای نامبرده ضمن آئین‌نامه شورای بخش مصوب هیئت وزیران بتاریخ ۱۸ دیماه ۱۳۱۶ معین گردیده است.

همچنانکه گذشت نظام وظیفه و ثبت احوال در تقسیمات جزء شهرستان یعنی بخشها نظری ندارند زیرادر بخشها ادارات مذکور وظائف محوله را توسط حوزه های فرعی و مأمورین سیار انجام میدهند که ضرر مشارکت بخشداری در آن توسط قانون خدمت نظام وظیفه و آئین‌نامه اجرائی آن معین گردیده است.

دهستان - طبق ماده یك قانون تقسیمات کشور هردهستان جزئی از بخش بوده و بنوبه خود شامل چند قصبه و ده میباشد تعداد دهستانها بموجب قانون معین نگردیده و حتی در قانون راجع به جزئیات تشکیلات آن ذکری نشده است ولی وزارت کشور بادر نظر گرفتن چند عامل مهم من جمله : طبیعت وسیله شرب زمینها - وسائل ارتباط - سوابق تاریخی دهات - بخش - آب و هوا - وسعت - جمعیت بخشها را بدهستانهائی تقسیم و برای بعضی نامهائی که از سابق بوده اتخاذ و برای عده معدودی فعلا شماره قائل شده است .

دهستان فقط از لحاظ وزارت کشور و یاکارهای ثبت احوال دارای اهمیت است و وزارتخانه های دیگری تاکنون در دهستانها مأموریتی معین ننموده اند ووزارت کشور نیز موفق نشده است برای دهستانها چنانکه در قانون مرقوم است دهدار معین نماید.

مسئول امور دهستان بموجب ماده ٤ قانون تقسیمات کشور دهدار است که به پیشنهاد بخشدار و حکم فرماندار بین ساکنین بخش و یا بین مستخدمین کشور به پیشنهاد فرماندار از طرف وزارت کشور انتخاب میگردند.

دهدار خواه از ساکنین محل و یا از کارمندان کشور باشد مأمورو نماینده دولت محسوب میشود.

وظائف دهدار - بموجب قانون محول به آئین نامه گردیده که هنوز تدوین نیافته است - اصول وظائف دهدار کمك و مساعدت به بخشدار است در اجرای قوانین و بویژه مراقبت دراجرای برنامه های عمران است که توسط شورای بخش طبق مقررات تدوین و ابلاغ شده است.

تعداد تقریبی دهستانهای کشور بیش از هزارو دویست است که صرفنظر از نام آنها تعداد آن در هرشهرستان تقریباً بقرار زیراست:

نام شهرستان	شماره دهستانها	نام شهرستان	شماره دهستانها
زنجان	۱۸	سنندج	۲۷
قزوین	۱۲	ملایر	۱٤
ساوه	۱۱	همدان	۱۵
اراك	۲۰	خرم آباد	٦۵
رشت	۳۰	گلپایگان	۱۲
شفارود	٤	اهواز	۵۸
شهسوار	بطورقطع معلوم نشده	دشت میشان	۷
قم	۱۳	خرمشهر	۱۵

کاشان	بطورقطع معلوم نشده	هندیجان	بطور قطع معلوم نیست
تهران	۳٤	بهبهان	بطور قطع معلوم نیست
سمنان	۲۱	شیراز	٤۵
ساری	بطورقطع معلوم نشده	آباده	۱۲
گرگان	بطورقطع معلوم نشده	لار	۳۰
تبریز	٤۰	کرمان	۵۰
اردبیل	۲۵	بم	۲۷
خوی	۲۵	بندر عباس	۱۸
رضائیه	۱۷	خاش	۵۳
مهاباد	۲۵	زابل	۵
سردشت	٦	سبزوار	۲٤
مراغه	۲۰	بیرجند	۵
بیجار	٦	تربت حیدریه	۱٤
ایلام	۲۷	مشهد	٤۲
شاه آباد	بطور قطع معلوم نیست	قوچان	۳۱
کرمانشاهان	۱۸	بجنورد	۱۰
بوشهر	٤۰	فسا	۲٤
گن آباد	۲۰	اصفهان	۵۰
یزد	۵۱		

ده - بموجب ماده یك و چهار قانون تقسیمات کشور قصبه و یا ده قسمتی از دهستان است که امور آن رایك کدخدا اداره مینماید - استثنائاً ممکن است امور چند ده بیك کدخدا واگذار شود طبق ماده نهم کدخدا از بین ساکنین دائمی ده یادهات بمعرفی مالك و پیشنهاد بخشدار و حکم فرماندار تعیین میگردد.

بنا براین کدخدا در آن واحد از لحاظ مداخله و نظارتی که در کارهای زراعتی مالك دارد و ازطرف دیگر بواسطه امور مختلفی که از جانب دولت انجام میدهد نماینده دولت و مالکین هر دو شناخته میشود بهمین جهت هر گاه از انتظامات امور زراعتی فروگذار نماید به درخواست مالك یا مالکین منعزل میشود .

کدخدائی یکی از قدیمترین پایه های سازمان اداری ایران محسوب و تقریباً تنها مجری منویات دولت شناخته میشدند و نه فقط در کارهای زراعتی و طرز آبیاری املاك مداخله مینمودند بلکه در حقیقت جانشین تمام مامورین دولت در نواحی بزرگتر بوده و بتنهائی یابا کمك عده بنام پاکار - مباشر - ریش سفید وظائف سنگینی دولتی را نیز مانند تقسیم بندی مالیاتها و وصول آنها - تهیه سرباز و غیره برعهده داشتند در مقابل مجاز بودند از اهالی علاوه برمالیات مقرر وجوهی بنام خرج سفره خود و از مالکین نیز حقوقی در یافت دارند اجازه دریافت این حقوق در بعضی قوانین زمان ناصرالدین شاه دیده میشود ولی چون در قوانین فعلی از آن ذکری نیست در عمل مالکین موظف به پرداخت حقوق کدخدا میباشند روش وظائف کدخدایان فعلا بقرار زیر است :

قطع دعاوی تا حدود پنجاه ریال - رسیدگی بدعاوی محلی و پایان دادن آنها حتی الامکان باصلح - جلوگیری از فرار متهم و مجرم - مراقبت در حفظ آثار جرم - ابلاغ عرضحال - نظارت در حفظ حدود و اراضی متعلق به دهاقین - ثبت وقایع چهارگانه - ابلاغ آراء هیئت نهائی - اجرای دستور های مربوط به ثبت احوال و سرشماری - نگاهداری دفتر نفوس قریه مطابق نمونه - نگاهداری دفتر نام مشمولین محل و وضع سربازی آنها - تصدیق برگهای تکفل مشمولین - حاضر نمودن مشمولین در مجالس سربازگیری - انتشار اعلان اسامی مشمولین که احضار میشوند - انتشار اعلان احضار افراد احتیاط و ذخیره - دستگیری فراریان و یا غائبین مشمول و تحویل آنها به نگهبانی - ابلاغ احضار نامه های افراد - اعلام تغییر وضع مشمولین و احتیاط و ذخیره و پاسبان به حوزه سربازگیری - اعلام فوت و تغییر سکونت افراد و تولد پسر - مساعدت در پیشرفت کارهای فرهنگی

و تهیه آمار کودکان و مراقبت در انتظام و نظافت دبستان ده - اطلاع از وضع موقوفات محل و دادن اطلاعات لازم - حفظ آثار و ابنیه قدیمی - اعلام جنحه و جنایت و خلاف - تحت مراقبت قراردادن مجرمین - مساعدت با مامورین - مراقبت در کشف اموال قاچاق - اعلام پیشآمدهای غیرمترقبه مانند حریق - سیل - زلزله و غیره حفظ اموال آنها تا ورود مأمورین - اعلام آفات نباتی و اجرای مقررات مربوط به کشاورزی - جزئیات - انتصاب - انفصال - محاکمه کدخدایان تابع مقررات خاصی است که از تفصیل آن خودداری میشود .

شماره دهات ایران را بین ۴۰ و ۵۰ هزار گفته اند - علت اختلاف او لا احتساب و یا عدم احتساب مزارع و ثانیاً از بین رفتن و یا احداث دهات است .

جدول زیر شماره تقریبی دهات هر شهرستان را نشان میدهد :

نام شهرستان	شماره تقریبی دهات بدون مزارع	نام شهرستان	شماره تقریبی دهات بدون مزارع
زنجان	۷۶۲	خرمشهر	۳۰۰
قزوین	۵۸۰	هندیجان	بطور قطع معلوم نیست
ساوه	۲۹۰	بهبهان	« «
اراك	۶۵۰	شیراز	۱۱۰۰
رشت	۶۵۰	بوشهر	۵۰۰
شفارود	بطور قطع معلوم نیست	فسا	۳۰۰
شهسوار	بطور قطع معلوم نیست	آباده	۳۶۰
قم	۱۷۰	لار	۵۷۰
کاشان	بطور قطع معلوم نیست	کرمان	۱۸۵۰
تهران	۱۰۳۰	بم	۹۰۰
سمنان	۴۵۰	بندرعباس	۲۵۰
ساری	بطور قطع معلوم نیست	خاش	۹۰۰
گرگان	« «	زابل	۱۷۰
تبریز	۱۳۰۰	سبزوار	۳۶۰

نام شهرستان	شماره تقریبی دهات بدون مزارع	نام شهرستان	شماره تقریبی دهات بدون مزارع
اردبیل	١٣٠٠	بیرجند	٢٢٠٠
خوی	٧٢٠	تربت حیدریه	٦٠٠
رضائیه	٧٥٠	مشهد	٢٠٠٠
مهاباد	١١٣٠	قوچان	٤٩٠
سردشت	١٨٥	بجنورد	٤٠٠
مراغه	٣٧٠	گن آباد	٩٧٠
بیجار	٢٧٧	اصفهان	١٩٠٠
ایلام	٢٣٠	یزد	٨٥٠
شاه‌آباد	بطور قطع معلوم‌نیست		
کرمانشاهان	٧٤٠		
سنندج	١٠٠٠		
ملایر	٣٠٠		
همدان	٤٩٠		
خرم‌آباد	١٣٠٠		
گلپایگان	٢٥٠		
اهواز	٨٧٠		
دشت‌میشان	٣٠		

فصل چهار - وضع ادارات کشور

وضع ادارات و طرز رفتار آنها در ایران

این موضوع بحث بسیار مفصل و مطولی است ولی از آنجائیکه عیب بزرك و مهم اداره کشور از اینجا ناشی میشود اینستکه بایستی بهر طریق است این موضوع را از روی حقیقت بیان کرده تشریح نمود تا ضمن بررسی این کتاب پی برند که علت عمده عقب ماندن و عدم پیشرفت کشور چیست .

بنظر نویسنده یکی از علل عمده عقب ماندن کشور از قافله ترقی و تمدن جهان همانا سازمان اداری کشوراست که روز بروز و لحظه به‌لحظه بنیه اقتصادی و مادی کشور را تحلیل برده کشور را بخاك سیاه نشانده است .

نویسنده در سالهای مختلف در ٢٥ سال خدمت خود نقاط مختلف کشور را باز دید کرده و نکته تعجب آور آنکه در هر وهله که مسافرت کردم رعایا را بی چاره تر و فقیر تر و وضع سکنه را مستاصل تر دیدم در کلیه این باز دیدها ندیدم اثری از ترقیات کنونی در این نواحی ملاحظه و یا کوچکترین تغییری در وضع تاثر آور و تالم خیز سکنه حاصل شده باشد . همیشه سکنه بد بخت تر و سیه روزگار تر از دفعه گذشته و با وضع اسف آور تری بنظر میرسیدند . برای آنکه علل این بدبختی را تشریح کرده و بیان سازم بایستی وضع رفتار یکا یك ادارات کشوری و لشگری از روی حقیقت تشریح شده و در خاتمه نظر کلی بیان گردد .

١ - قسمت های نظامی : اصولا بایستی در نظر گرفت که فرماندهان در خارج تهران فرمانفرمای مطلق بوده و جز انجام وظایف سربازی خود که جمع آوری قسمت و منظم و مرتب کردن و انجام تعلیمات آنها باشد به سایر امور پرداخته وشاید نقشه‌اصلی‌و فکردائمی آنها اسکان طوایف - تعقیب اشراراسمی- پیدا کردن سلاح های قدیمه - سرکوبی و تنبه دزدان سابق- ویا تحقیق نسبت

به آثار مکشوفه و غیره باشد در عوض آنکه قسمت های نظامی را متمرکز کرده با ارائه قدرت و عظمت آن بانجام وظایف پردازند قوای پادگان را مثل دانه تسبیح در تمام منطقه برای نظریات شخصی و خصوصی پراکنده کرد. عدهٔ افسران معین - که سوابق بسیار درخشان و روشنی داشته راه کار و رویه انجام نظر فرمانده را مستحضرند بر سر کار گمارده و این رویه همیشه ادامه دارد دزدی و راهزنی در مناطق خاتمه نیافته تعقیب اشرار و گرفتن سلاح قدیمی همیشگی و با هر فرمانده جدیدی شروع میگردد اینها راه اذیت و آزار است اگر آماری تهیه شود میتوان بخوبی تفاوت کرد که از این اسلوب اداره عشایر چه زیانی حاصل شده .

طرز اداره عشایر که ۱/۴ سکنه کشور است اصولی را نداشته بستگی دارد با نظر وایمان وعقیده فرماندهان مرکز بکلی از طوایف بی خبر و بی اطلاع و از سیاست وطرز عملی که بایستی نسبت بآنها شود . بی سابقه گاهی فرماندهی روی نظر شخصی فلان رئیس و کدخدا را جهت منطقه مضر دانسته بایستی تبعید گردد و گاهی دیگری تبعید شده رامفید میداند سرنوشت این طوایف در کف با کفایت فرماندهان و بستگی بنظر و ایمان آنها داشته و الا اصول قاطعی در کشور وجود ندارد گاهگاهی اتفاق میافتد کـه در دو منطقه مجاور دو اصول مخالف توسط فرماندهان انجام میشود که معلوم نیست کدام یك خوب و کدام یك مضر است که اگر از حکومت مرکزی هم سئوال شود نخواهد گفت کدام طبق نظر او و کدام مخالف نظر او است .

۲ - نگهبانی: سازمان ژاندارمری یانگهبانی درایران بزرگترین بدبختی برای سکنه کشور و یگانه راه برای بر پا کردن و مستاصل کردن اهالی است در هر قریه و هر آبادی گروهبان یا سرجوخه نشسته که خود را فرمانفرمای تام و تمام دانسته و تمام هم و سعی او ایجاد دو دستگی - اختلاف - بهم زدن بین اهالی است تا از این طریق موفق باخذ نتیجه شود .

خوب نظر دارم وقتی ضمن مسافرت در یکی از شهر های کوچك میگذشتم برای صرف نهار درآنجا متوقف شده و چون مقرر بود غذا را در اداره نگهبانی محل صرف نمائیم با یك نفر نگهبانی که باد راه ما بود بطرف اداره نگهبانی از کوچه و معابر تنگ میگذشتم در این ضمن یك نگهبان دیگری با دو تازی دیده شد که روی هر یك از تازیها روپوش قالی بود سئوال کردم از نگهبان که این تازیها از کیست جواب داد (خان ستوان وقتی به اینجاتشریف آوردند بچه هایشان لخت بودند حال پس از یکسال برای تازی هایشان لله و رو پوش قالی درست کرده اند) افسران نگهبانی برای خدمت در دهات و قراء بی تاب و توان میباشند چه گذشته از مخارج زندگانی همه نوع ثروت و دارائی هم در ضمن این مأموریت ها تهیه خواهند کرد شانس و اقبال با این افسران است اگر مأموریت آنها مصادف شود با انتخابات که سر چشمه ثروت و تهیه دارائی کاملی برای آنها شمرده میشود - نفر نگهبان در موقع ورود بقریه و آبادی شام شاهانه پذیرائی درخشان و در خاتمه هم قلقانه بسیار خوب و قابلی را منتظر است . بایستی گفت با اصول و طریقه عمل این نگهبانی بایستی انتظارداشت که روز بروز فلاکت و ادبار زیاد تر بدبختی استیصال اهالی بیشتر گردد .

۳ - دارائی : این موضوع دیباچه خاصی لازم دارد مأمورین دارائی برای دیا[illegible] حاصل واقعاً شعبه‌هائی بازمیکنند که میتوان دراطراف کار آنها قصص بسیاری نوشت زیرا این آقایان اگر دارای رتبه های زیادی بودند شاید محق در رفتار تکبر آمیز خود باشند ولی دیده میشود اکثر مأمورین بسیار کوچك و دون اشل درشهرها و قراء و قصبات آفاتی برپامینمایند که غیرقابل وصف است میتوان گفت مأمورین اکثر بدینقسم تعبیر می نمایند که مأمورین دارائی مثل آهن ربائی که قطعات آهن‌را بخود جذب‌نماید بایستی ثروت وهستی اهالی را بخود کشیده وازحال پراکندگی خارج وبحال تمرکز درجیب‌مأمورین درآورد . حال گذشته از انجام مقاصد وطرز اجرای دستورات مربوطه بخود این آقایان در کلیه امور نیز اعمال نفوذ کرده هرقسم میتوانند برای جلب منافع خود و کسان خود

روز گار میگذرانند . ورود یك مأمور دارائی در قراء و قصبات بادبدبه و هیاهوئی انجام میگیرد که دست کم از هیاهو و جنجال رئیس پست نگهبانی و افسران آن ندارد .

٤ - کشاورزی : داستان اکثر مأمورین این وزارتخانه هم شنیدنی است. اولا در برخی نقاط باغهائی تهیه شده تمام این باغها نمونه یك خانه و باغ شخصی برای مأمورین کشاورزی محسوب شده حاصل آنرا صرف خانه خود و تا حدی هم که مقدور باشد بمعرض فروش رسانیده گاهگاهی هم برای اغنای فرماندهان یا فرمانداران حوزه مربوطه خود سوقاتی هم برای آنها فرستاده میشود - کمتر کسی دیده است که ازمخازن اشجار و یا قلمستان های این باغات یکی و یا رعیتی نمونه داده یا برای توسعه و پیشرفت فلاحت و کشاورزی قدم اساسی بردارند.

خدمت آقایان وقتی رونق حاصل میکند که مأموریت دفع آفات حاصل نمایند یاددارم مأمور دفع آفات وارد آبادی شد که چند دقیقه قبل از او مأمور دارائی خارج شده بود مشارالیه کدخدارا احضار و شرح کشافی نسبت بمأموریت خود گفته و بالاخره گفت مصمم است که ماده آلوده بسم برای از بین بردن ملخ پراکنده کند چون کدخدا اثرات شوم دفعه گذشته این عمل و تلف شدن تعداد زیادی گاوهای آبادی را دیده بود تقاضا و تمنا کرده که از ریختن این ماده خودداری شود بالاخره داخل در معامله گردیده مأمور برای هر قریه ٤۰۰ الی ٦۰۰ ریال مطالبه و کدخدا بواسطه نداشتن وجه و صرف شدن آن برای قانع کردن مأمورین دارائی به ۱۰۰ تا ۱۵۰ ریال حاضر شد چون معامله ختم نشد مأمور کشاورزی شروع به تهیه و پاشیدن سم نمود آنهم کجا در داخله آبادی در چمن و محلی که بایستی گاوها تعلیف نمایند بالاخره بیچاره اهالی هر قسم بود آقارا راضی و مبلغ کافی بایشان تسلیم کردند .

هنوز مأمور دفع آفات نرفته مامور تلقیح احشام و اغنام وارد میشود اهالی که در سنه گذشته قسمتی از احشام خودرا در نتیجه این عمل از دست داده‌اند با زبانهای مختلف برای معامله با او بایستی حاضر گردند اکثر این مأمورین هم گذشته از آنکه نسبت به منافع و فوائد شغل و کار و عمل خود چیزی نمیگویند

برعکس نتایج سوء و مضرات عمل را بیشتر به رخ اهالی خواهند کشید . حال قضاوت آنکه نتیجه این کشاورزی برای رعایا چیست و چه فوائدی اخذ شده با قارئین محترم است .

۵- فرهنگ: در شهرها و قصبات عرض راه که برای بازدید و استقمال بایستی ظاهری دارا باشد میتوان صورت ظاهری از این سازمان دید ولی در نقاط دور افتاده کشور کوچکترین اثری نیست نظردارم در مسافرتهای مکرری که در مکران شد کمتر اتفاق افتاد که سازمان فرهنگی مفیدی بنظر برسد روزی به سروان مسافرتی نمودم ملاحظه کردم در گشت عدهٔ افراد لخت که موهای سر آنها از شدت شانه نکردن بکلی راست ایستاده بود باپاهای برهنه برای انجام مراسم استقبال صف‌آرائی کرده و حتی این استقبال در اکثر نقاط وسیله کلاشی مأمورین شده بود که وجهی از تازه وارد باسم مداد و کاغذ اخذ کرده به جیب خود زنند

در لاشار یکی از قصبات دیگر مکران نظردارم عدهٔ بچه های محل را در زیر چادری جمع کرده و یك نفر که خود سواد نداشت در رأس آنها قرار و مشغول تدریس بود ؟

در لرستان پس از سالها کنکاش و تقاضا چند دبستانی تأسیس شد متأسفانه تا وضعیت قدری تغییر حاصل کرد فوری دبستانهای منظور منحل گردید. در صورتیکه بایستی اذعان کرد که رعایا و طوایف ایران بر خلاف گذشته میل و رغبت بسیاری به تحصیل از خود بروز داده و بی نهایت برای آموزش و باسواد کردن بچه‌های خود راغب میباشند .

٦ - بهداری : این قسمت در کشور تالم خیز و تأسف آوراست زیرا وضعیت بسیار مضحك و خنده آوری را بهداری کشور بخود گرفته و همه ساله اعتبارات گزافی برای این منظور تحصیل ولی متأسفانه صرف مؤسساتی میشود که برای کشور و اهالی اصلی این مملکت بی نتیجه است مثلا - باآنکه نقاط خاصی را در کشور مالاریا خیز معرفی کرده‌اند بایستی بطور روشن تصریح نمایم که تمام این کشور مالاریائی و کلیه سکنه کشور متأسفانه دچار این مرض خانمانسوز

گردیده‌اند زیرا چون اکثر این رودخانه‌ها سیلابی‌است درمدت بهار جریان‌های شدیدی باعث بزرك کردن بستر رودخانه‌ها وتهیا چاله های شده بعداً در همین چاله ها نی‌زارهائی بوجود آمد وبهترین نقاط مطمئن برای نشوو نمای‌تخم پشه مالاریائی میشود بهمین‌قسم وضعیت گردابها - چشمه‌ها - کرانه‌ها - چمن زارها وجنگل‌ها و باغات که بواسطه هرز رفتن آبها خود بهترین وسیله برای شیوع اینگونه امراض وبیماریهای‌خانمان برافکن شده پس بزرگترین کسالت های - عمومی که در اکثر نقاط هم بصورت خیلی موحشی عرض اندام نموده همین مالاریا میباشد .

ازطرف دیگر امراض صدری ویا مزمن وفصلی دیگر بسیار است ولی در مقابل برای مبارزه وزارت بهداری و مأمورین آنها چه میکنند درشهرها درك این موضوع بسیار مشکل‌است بایستی درایران‌مسافرت کردتانتیجه را - بچشم‌خود دیده تصدیق نمود .

- درسال ۱۳۱۹ در کویرمرکزی‌مسافرت میکردم به آبادی بیاضه‌وچوپانان رسیدم دیدم کلیه‌اهالی مغموم و گرفته ومتأثر میباشند علت‌را سئوال کردم‌معلوم شد که‌درنتیجه بروز آبله کلیه اطفال این قراء تلف‌شده و باآنکه کراراً گزارش شده - بهیچوجه حتی کوچکترین اقدامی برای مبارزه نگردیده است تا آنکه کلیه اطفال تلف‌شده‌اند .

میتوان عملیات بهداری‌رادر کشور دراین چند جمله خلاصه کرد :

مؤسسات‌اصلی بهداری درشهرهای بزرك‌است .

- اطبای‌خوب فقط درشهرها وخاصه تهران متوقف شده بهیچوجه کسی مایل نیست بخارج رود .

- دراکثر نقاط پزشگانی اعزام‌میشوند که کوچکترین اطلاعی از بهداری ندارند .

این پزشگان ادویه مطابق مقررات اخذ و برای کمك خرج خود بمصرف میرسانند .

- بروز یك‌بیماری واگیردار وخطرناك خارج ازشهرها بهترین وسیله‌برای تمامی سکنه کشوراست .

- در خارج شهرها در نقاط وسیعه کشور نه پزشگی وجود دارد و نه بیمارستانی .

- دراکثر نقاط کشور هنوز پزشگان محلی که بادعا واقسام نسخه های خطرناك معالجه مینمایند وجود دارد.

از این مختصر شاید بخوبی درك شود که بیچاره سکنه کشور چه حال وروزی را از لحاظ بهداری داشته ونتیجه آنست که سکنه کشور لاینقطع زردتر- ضعیف‌تر- و کوچك‌ترشده- وروبه نیستی‌وقطع نسل میروند زیرا بهداری که از اهم احتیاجات کشور واهالی‌است بایستی اذعان کرد درحکم صفراست.

۷ - حکمرانان و مأمورین کشور : این اشخاص که بایستی معمولا در کلیه مأمورین دیگر قدرت و تأثیری دارا باشند معمولاً بهیچوجه مورد توجه سایرمأمورین نبوده واگر فرضاً مأمور خود زبردست وزرنگ‌باشد باتهیه‌مجالس انس وبازی وقمار سایر مأمورین راجلب‌وضمن تهیه وسائل تفریح آنهارا تحت اقتدار فرماندهی‌خود ظاهراً قرار میدهد این‌عده‌هم که حقیقتاً مأمورین واقعی برای رسیدگی بحال رعایا میباشند جز تهیه تجمل وسر وضع اداره حکومتی کاری انجام نداده اکثر این آقایان برای یکمرتبه درمدت مأموریت‌خودحوزه مأموریت خودرا ندیده و آشنانیستند.

سایر مأمورین هم هریك در همین ردیف باری روی دوش رعایا وسکنه کشور میباشند .

حال بایستی دید عیب از کجا است وبچه طرز وطریقی میتوان در مرتفع کردن آن اقدام نمود .

بایستی توضیحاً سابقه داده شود که در کشور ایران $\frac{۱}{۲۰}$ سکنه حداکثر مردمانی میباشند که با اصول تمدن امروزه جهان تا حدی آشنا بوده بواسطه مسافرتهائی بخارجه وآمیزش با خارجی‌ها و یا بالاخره تحصیل وتدریس‌طبقه

متمدن کشور شمرده شده امروزه با عشق علاقمندی تمدن اروپائی را تعقیب مینمایند ١٩/٢٠ دیگرسکنه کشور مردمانی هستند بی سواد و بی اطلاع از اوضاع زندگانی کنونی و حتی قرنها عقب از تمدن فعلی جهان این اشخاص در دهات و قراء قصبات و دهات کشور زیست مینمایند در کشور حداکثر با سواد ٢ یا ٤ در صد بیش نیست . در رأس حکومت مرکزی و دوائر آن هم از اشخاص طبقه اول یعنی ١/٢٠ سکنه کشور قرار گرفته این اشخاص بدون توجه به ١٩/٢٠ دیگر سکنه کشور لاینقطع قوانین کشور های متمدن اروپارا گرفته ترجمه نموده برای اجرا در کشور منتشر میسازند نتیجه آنکه ١٩/٢٠ کشور تابع تمدن نیمه اروپائی با قوانین و اصولی که باکشورهای اروپا مطابقه دارد مشغول زیست و زندگانی بوده ١٩/٢٠ دیگر سکنه کشور در یك فقر و پریشانی قرنها عقب تر از تمدن طبقه اول باقی مانده و در نتیجه عدم توجه طبقه یکم همه گونه حس حیات و زندگانی هم از آنها سلب شده چه وقتی قانونی نسبت به مالیات در کشور وضع میشود کسی نیست که درست توجه کرده فکر نمایند این قانون برای تمام کشور یکسان و یك نواخت نیست چه بعضی نواحی دارای درآمد سرشار حاصل خیز برخی نقاط اصالتاً دیم کار وشاید چندین سال به چندین سال هم حاصلی بدست نمی آورند . قسمتی از سکنه کشور رمه دار وحشم چران و بایستی غله وارزاق خودرا از نقاط دیگر تهیه کنند ونیم دیگر زارع و بایستی از زمین زندگانی خودراتأمین نمایند - یاملاحظه می کنیم اصولی برای گمرکات کشور وضع میشود که در نتیجه یکمرتبه تمام سکنه را متفرق وفراری میسازد تا وقتی اوضاع گمرك ومداخله مأمورین در کرانه های جنوبی نبود سکنه کرانه های جنوب ایران بسیار خوب وقابل توجه بود مثلا بندرعباس ٤٥٠٠٠ - لنگه ٣٧٠٠٠ - جاسك ١٥٠٠٠ نفرامروزه ملاحظه میکنیم در نتیجه وجود گمرك ومداخلات بی مورد مأمورین جمعیت بندرعباس به ٥٠٠٠ لنگه ٢٠٠٠ و جاسگ ١٠٠٠ نفر تقلیل یافته و کلیه سکنه به نواحی و کرانه های جنوب رفته اند کسی متوجه نیست که در کرانه های ایران زراعتی وجود نداشته و بایستی زندگانی ازچند ممر زیر بگذرد :

- صید مروارید در صورت بودن .

- صید ماهی .

- ساختن قایق .

- باربری .

یا وقتی راه ها و معابر داخلی بطرف کرانه بکلی دور و تهیه و حمل لوازمات به طرف کرانه ها غیر مقدور است آیا این سکنه بیچاره از چه محل و منبع بایستی احتیاجات زندگانی خودرا تهیه نمایند ایامی در جاسگ بودم روزی مهمان رئیس گمرك و نماینده دارائی محل گردیدم ضمن صحبت مذاکره بود که خرید اجناس از کشتی ها در حکم قاچاق وورود قاچاق هم بهر اسم ورسم قدغن است دراین ضمن مرادعوت بچائی کرده ضمن چائی ملاحظه کردم نانهای بیسکویت تازه ومقداری موز بود سئوال کردم معلوم شد از کشتی خریداری شده درهمانجا صحبت کرده وبا میزبانان خود گفتم که کلیه قوانین کشور برای رعایا است آیا آقایان مأمورین بکلی مستثنی میباشند اگر خود مأمورین هم کلیه محرومیت هارا تحمیل کنند آنوقت است که حس خواهند کرد زندگانی چه اندازه مشگل ودشوار است - علت عمده این جریانات عدم اطلاع بی خبری از زندگانی مردم بی توجهی به سکنه کشور است .

تا وقتی قوانین بشکل فعلی وصدور دستورات از روی بی اطلاعی و عدم تطبیق با وضعیت کشور وسکنه مناطق مختلف صادر گردد میتوان قطع داشت که جریان بهمین قرار ووضع کشور از لحاظ اقتصادی - بهداری وتمدن مردم روز بروز بدتر شده فقط چیزی که در این بین باعث جلب توجه اشخاص غیر عمیق میباشد همانا منظره شهرها و ١/٢٠ سکنه کشور است چه آن عده ازاین قوانین استفاده و زیست و زندگانی کرده ومیتوان گفت هرکس در شهرهای ایران گردش نماید شاید پیشرفت محسوسی را مشاهده و ملاحظه کند ولی نبایستی اشتباه کرد که این سکنه ١/٢٠ سکنه کشور ١٩/٢٠ دیگر روز بروز به وضع ادبار وروزگار

سیاه تا مطلوب تری گرفتار شده از بین می‌رود پس دستورات و قوانینی برای
کشور نافع است که بحال $\frac{19}{20}$ سکنه کشور مفید واقع شده - والا اصول امروزه
جز از بین بردن سکنه سوق عمومی آنها بطرف فقر و فلاکت و نیستی و استیصال
نتیجه‌دیگری نخواهند داشت - راه حل های زیادی شاید بنظر رسد ولی بنظر
نویسنده ممکن است شرح زیر نیز یکی از طرق پیشرفت امور محسوب شود:

۱ - کشور با در نظر گرفتن اوضاع و احوال و وضع جوی و طبیعی به
تقسیماتی منقسم گردد.

- در هر منطقه هیئتی از مطلعین و علاقمندان آن منطقه را که از لحاظ فهمیدگی
علاقمندی وضعیت آنها جای تردید نمیباشد باسم هیئت اداری استان یا
شهرستان تعیین نمایند.

۲ - کلیه مأمورین اعزامی از طهران نیز در همین هیئت شرکت کرده در این
هیئت و با نظر این عده نقشه عمران هر منطقه از هر لحاظ تهیه گردد اشخاص
محلی از لحاظ ارائه دادن احتیاجات مأمورین کشوری برای ارائه و بیان آنچه
بایستی بشود ومورد نظر است.

۳ - در هر منطقه کلیه مسئولیت امور سرپرستی کلیه مأمورین به یکنفر
حاکم - فرمانده نظامی یا هر نفری که صلاح باشد واگذار گردد که در حقیقت
موضوع تمرکز ومرکزیت کامل حاصل شده دیگرهریك از مأمورین مثل‌حالیه
به میل واراده خود کار ننمایند و کلیه مأمورین بدون استثناء تابع او گردند و
فقط از لحاظ فنی تابع وزارتخانه مربوطه بوده.

۴ - کلیه نقشه‌های عمران - آبادی وپیش . فقط از لحاظ $\frac{19}{20}$ تنظیم
شود نه از لحاظ $\frac{1}{20}$ زیرا عمل مربوطه به $\frac{1}{20}$ آبادی شهر ها و خرابی دهات
ولی نتیجه عمل مربوطه به $\frac{19}{20}$ آبادی‌دهات و قراء وراکد ماندن ویاعدم پیشرفت
کردن شهرها سریع وبطرز بی تناسب است و این عمل کاملا بنفع کشور است.

۵ - هر هیئت اداری شهرستان موظف است کلیه قوانین ودستورات ارسالی
را با وضعیت منطقه منطبق کرده هرگاه هر قسمت آن قابل اجرا نباشد بایستی
نظریه خودرا گزارش وراه حل بدهند و نبایستی کورکورانه دستورات ارسالی
راانجام دهندبلکه مسئولیت سنگین آنهامطالعه دستورات درنظر گرفتن وضعیت
کشور و منطقه وطرز اجرا وانجام همین دستورات ویااگر قابل اجرا نباشد طرح
اصولی که بایستی اقدام شود خواهد بود این قسمت است که مشکل خواهدبود.

۶ - حکومت مرکزی بایستی دارای یك سیستم خاصی جهت کسب اطلاع
از مناطق مربوطه باشدکه از جزئیات اقدامات و حقایق رفتار ادارات مستحضر
شده بمحض اطلاع از سوء رفتاری فوری در اسرع اوقات در صدد جلب وتنبیه
سیاست آن مأمور برآید تا مأمورین ملاحظه کنند که آنها برای احتیاجات
کشور بوده نه کشور برای آنها تا مأمورین درك نمایند از آنها کار وعلاقه
خواسته میشود نه حقه‌بازی وظاهرسازی تا با این رسیدگی اصول حقه بازی و
ظاهرسازی بکلی ریشه‌کن شده علاقه - ایمان پیشرفت حاصل کرده و بدین
قسم اصول مالك رقابی مأمورین بکلی از بین برود.

۷ - بایستی‌دقت ومراقبت شود که کلیه‌دستورات وقوانین اول‌نسبت‌بخود
مأمورین‌انجام شود نه آنکه‌آنها بکلی‌خودرا از این اصول مستثنی دانسته خودرا
مأمور اجرای آن نسبت به دیگران دانند.

۸ - بایستی زندگانی مأمورین بحداکمل‌تأمین گردد چه از لحاظحرکت-
مرخصی - زندگانی که‌دیگراحتیاجی‌به‌دزدی‌واخاذی نبوده مزاحم‌سکنه‌نگردند.

۹ - مأمورین‌مناطق‌بایستی‌طبق اصولی‌تعویض شده‌حاضر نشوند مأمورین
برای مدت زندگانی یا طبق نظر تمایل خود باقی‌بمانند که‌معایب آن زیاداست.

۱۰ - دقت شود عده‌ که در هیئت اداری شرکت میکنند اعمال نظر
ننموده‌واگر عده‌زیادتری هستند با حکم قرعه ازبین آنها تعیین و این اشخاص
هم دو سال یا یکسال یکمرتبه تعویض گردند.

بایستی بطور قطع اظهار نظر کرد وقتی اصول واسلوب اداری وحکومتی کشور خوب خواهد شد که :

- درراه بهداری اهالی اقدام شده ازمالاریا و کسالت های افرادجلوگیری کامل گردیده بیمارستانهای سیار کاملا درحرکت ومراقب حال افراد باشد .

مالکین مجبور وموظف شوند قسمتی ازعواید خودرا فقط برای بهداری رعایاخرج کرده درهرآبادی حمام - آب مشروب - راه عبور آبهای کثیف تهیه نمایند

- درهر آبادی وقریه خانه ومنزل اهالی ازوضع تاسف آور حالیه خارج شود .

- در هرآبادی کوچك یابزرگ هرخانه دارای چراغی بوده ازروشنائی وطرز استفاده ازشب وتاریکی اطلاع حاصل شود .

- تحصیل و تعلیم اجباری در هر آبادی عملی شده بوسیله دولت یا مالك انجام شود .

- مأمورین فلاحت هم خود را برای بهبودی زراعت ارائه اقسام زراعت‌ها بازدید باغات واشجاراهالی صرف ودرنتیجه هم آنها به باغات عمومی صرف شود نه بباغ انفرادی وشخصی .

- استحکاك مأمورین کشوری ودولتی حتی‌الامکان بارعایا قطع شده آنها را درزندگانی خود آزاد گذارند .

- دست ظلم مأمورین نظام وظیفه نگهبانی بکلی ازسکنه قطع وبریده شود.

- معنویت واقعی بین رعایا - ملاکین - مأمورین تولید گردد .

- مجالس نطق وسخن رانی طبق فهم اهالی درهرآبادی اقلادر ماه یا ۱۵روز یکمرتبه انجام گردد .

- برای کلیه اصول زندگانی افراد اصول بسیار مشخص و قطعی در نظر گرفته شود که نه مأمورین بتوانند آنرا بنفع خود برای اخاذی تعبیر کرده ونه رعایا بتوانند برای فرار ازقانون باتادیه مختصری معاف گردند .

- دست ظلم وتعدی ملاکین طبق اصول معینی ازرعایا کوتاه وبریده شود .

بالاخره وقتی کلیه افکار واصول سازمانی فقط متوجه بهبودی وضع ۱۹/۲۰ سکنه کشور شود آنوقت است که ملاحظه خواهیم کرد درظرف مدت قلیلی اوضاع بهبودی یافته در عوض آنکه چند شهر فقط در کشور کهن ایران آبادان و کلیه قراء و قصبات آن خراب شود کلیه آبادیها روبه بهبودی و آبادانی رفته درسراسر کشور قراء و قصبات تدریجاً رونق یافته تمام اهالی فهمیده ودرك خواهند کرد که کشور وزمامداران آن بفکر آنها بوده تمام حس خواهند کرد سازمان کشور برای اداره وبهبودی وضع آنهااست درصورتیکه امروزه متأسفانه تمام سازمان کشور صرف تضعیف رعایا شده جزاز بین بردن واستیصال و بیچارگی وجز تولید فقر عمومی نتیجه وثمره دیگری به بار نخواهد آورد میتوان گفت تاوقتی اصول حکومت تغییر ننماید روزگار بدبختی وسیه روزی سکنه کشور سپری نخواهد شد .

فصل پنجم - سکنه کشور و عشایر

سکنه کشور و طبقات مختلف

نژاد: جای تردید نیست که سکنه کشور ایران عموماً ایرانی و باین سمت افتخار مینمایند ولی بایستی این نکته را در نظر گرفت که ایران درادوار تاریخی خود بسیارمورد تهاجم وتعرض قرار گرفته و هجوم روم - اعراب - افاغنه مغول - چنگیز این کشور را در هم ریخته باعث بهم خوردن سازمان و متلاشی شدن اصول آن گردیده در نتیجه این تهاجمات خانمان بر افکن گذشته از تلفات و لطماتی که بکشور وارد گردیده است اقوام مختلف نیز به ایران راه یافته و این اقوام یا در برخی نقاط کشور سکونت داده شده و یا با سکنه محلی آمیزش و خلطه حاصل کرده و خون خارجی و ایرانی بهم آمیخته شده . گرچه این فعل و انفعال و این خلطه و آمیزش چون در ایام بسیار سابق صورت گرفته درظاهر آثار وعلائم باقی نگذارده است ولی عملا بایستی قبول کرد که از جنبه‌تاریخی قطعاً یك آثاری باقی گذارده که خواه ناخواه هر شخص عمیق و دقیقی پی خواهدبردوروی این اصل بایستی‌هرنوع مردمان وسکنه‌رادر ایران‌تجسس کرد:

- مردمانی که از خون ایرانی حقیقی و واقعی بوجود آمده .
- مردمانی که بواسطه خلطه و آمیزش با خارجی ها یك اختلاط خونی دارا میباشند .
- مردمانی که اصولا عقیده مند ند یا طبق روایات و یا مدارك موجوده دارای خون‌مهاجمین میباشند .

خون ایرانی - طوایف ایران قسمت عمده بواسطه اتکاء به نقاط بسیارمهم و موانع بسیار مستحکم خود توانسته اند در مقابل‌مهاجمین ایستادگی کرده و اهلیت خود را حفظ نمایند . چون اکراد - الوار - سکنه کهکیلویه و غیره بایستی گفت این طوایف بطور قطع از هر گونه مداخله مهاجمین مصون‌و محفوظ بوده ایرانی حقیقی واقعی بایستی شمرده شوند .

- مهاجرین - این عده اکثر اشخاصی هستند که از کشور های مجاور به کشور ایران کوچ داده شده و دراین‌کشورسکونت داده شده اند مثلااعرابی که در کرمان سکونت داده شده یا بعضی طوایف بلوچی که در ازمنه مختلف به ایران آمده اند این قبیل طوایف و سکنه که عده آنها بسیار قلیل است هم‌در ظاهر و هم در باطن آثاری دارا هستند که میتوان تا حدی نسبت به اهلیت و نژاد آنها مشکوك شد چه‌سیما و بشره آنها با سیما و بشره ایرانیـان حقیقی دارای اختلاف کامل بوده و دارای همان آثار نژادی کـه از آن جدا شده اند میباشند .

- قسمت و عدهٔ که در نتیجه اختلاط و امتزاج در کشور تولید شده و این سکنه عموما در اطراف شهر های است که مسیر ارتش ها بوده و گاهگاهی ضمن تحقیقات میتوان پی باین قسمت برد که حتی خود سکنه هم نسبت بـه این گونه اختلاط وامتزاج‌اظهارات و سوابق تاریخی ثابت میدارند گرچه بنیاد و پایه‌صحیحی ندارند

راجع به پایه و نژاد ایران توضیحات خاصی لازم نمیداند چه در جغرافیا و کتب بسیاری‌که منتشر شده این موضوع بطور مبسوط تشریح گردیده‌است .

تعداد سکنه - نسبت به سکنه کشور آمار های بسیار مختلفی انتشار یافته از جمله تا حدی ملاحظه میشود که کلیه کشور های اروپائی سکنه کشور ایران را در حدود ۹ میلیون احتساب نموده و این‌تعداد در اکثر کتب اروپائی بنظر میرسد بعداً پس از پیدایش آمار و دادن تعرفه از روی اصول سرشماری و آمارگیری صورتهای جدیدی حاصل شده بطوریکه با مراجعه به نتیجه کلیه تعرفه‌های صادره در ده استان کشور ملاحظه میکنیم درکلیه کشور ۱۱۴۰۳۰۶۳ نفر آمار صادر گردیده (تا آخر ۱۳۱۹) از این‌صورت‌تعدادی عشایر کردستان قسمتی از عشایر بشاگرد و بیابان و قسمتی از سکنه پشت کوه و خوزستان شاید حساب نشده و شاید اختلافاتی هم در داخله خود عشایر دور دست بواسطه

ترس وهراس آنها از گرفتن سجل احوال حاصل شده باشد . بعداً از سال ۱۳۲۱ اوراق
و مدارکی در کشور انتشار یافت در تمام این مدارك سکنه کشور را بـه
۲۰میلیون تخمین زده و ۲۰ میلیون را ملاك و مدارك برای سکنه کشور قرار
داده‌اند اینك با توجه به کلیه سوابق موجوده و کلیه مطالعات معموله بنظر اینجانب
عده ۲۰ میلیون باسکنه حقیقی ایران وفق نداشته و با تمام نواقصی که اخذ آمار
دارا بوده است بایستی سکنه کشور را حد اکثر ۱۵ میلیون محسوب داشت زیرا
با در نظر گرفتن آمار سال ۱۳۱۶ اگر فرضاً هر گونه اشتباه و خبط و خطائی هم شده
باشد بیش از ۲۵۰۰۰۰۰ نفر نیست وبا این نظر سکنه کشور را بایستی ۱۵ میلیون
کامل در نظر گرفت ومبنای واقعی را روی این پایه قرار داد .

موالید ـ متأسفانه بایستی اقرار کرد که وضعیت موالید کشور در حال
بسیار بدی است چه از طرفی بواسطه فقر وفاقه واز طرف دیگر بواسطه نبودن
بهداشت کلیه اطفال در معرض خطر آبله وسایر امراض ساریه بوده و تلفات سهمگینی
بآنها وارد میگردد وتا وقتی اصول زندگانی کشور روی اساس صحیحی منظم
ومرتب نشود نمیتوان امید بهبودی در وضعیت موالید داشته و فکر کرد که این
قسمت بهبودی یافته و تعداد سکنه کشور بیشتر خواهد شد.

به‌نظر نگارنده (گرچه درست مخالف بیانات و نوشتجات ادارات رسمی دولتی
است) جمعیت کشور بطور محسوسی رو بنقصان است برای مثال یادآوری میشود
از يك خط سیری بنا بمیل واراده خود در تمام آبادی و قراء توقف و از پیران
وسالخوردگان آبادی تحقیق نمائید واز سکنه حال و گذشته آن قریه سؤال
کنید ملاحظه میکنید که بطور کلی سکنه کلیه قراء و قصبات کمتر شده و
گذشته از برخی آبادیهای جدیدالتأسیس در کلیه آبادیهای قدیمی بطور خیلی
مشخصی ملاحظه میگردد که سکنه تغییر یافته .

هجرت سکنه : قسمتی از کسر شدن سکنه هم بواسطه هجرت طوایف و
سکنه کشور است که در نتیجه نداشتن ممر زندگانی بدرفتاری ـ ضیق معیشت
مجبور به ترك کشور شده اند يك بررسی خیلی مختصر در کرانه های جنوب
ایران موضوع را بطور مشهود ثابت مینماید چه در کرانه های جنوب ایران فعلا

½ سکنه ۲۰ سال قبل باقی است و بقیه سکنه بکرانه های عمانات و بحرین
رفته مشغول زندگانی میباشند ـ در سایر قسمتهای مرزی هم در نتیجه اقدامات
مأمورین خیلی طوایف خاك میهن را ترك نموده‌اند ازجمله در مکران که طوایف
زیادی به بلوچستان انگلیس رفته ـ یا در خراسان که درنتیجه واقعه زورآباد قسمت
عمده از سکنه آن منطقه ترك وطن را گفته یا در کردستان و پشت کوه و خوزستان
که عده زیادی از طوایف کرد ـ لر ـ عرب بخاك عراق متواری شده اند .

جای تعجب است که کلیه مهاجرین علاقه و احساسات ایرانیت خود را حفظ
نموده و با علاقه تام و تمامی مترصد ومراقب جریانات کشور ایران بوده وهمیشه
امید رجعت بکشور را در قلب خود حفظ مینمایند ـ میتوان گفت که آمار کلیه
این مهاجرین در تمام نقاط کشور از ۲ میلیون متجاوز است که درصورت بهبودی
وضعیت کشور قطع اخاذی وزورگوئی اتخاذ رویه مسالمت وجلب سکنه تمام
این مردمان باز بآب و خاك زاد وبومی خود مراجعت کرده و در مناطق مربوطه
با کمال امیدواری زندگانی خواهند نمود برای اعاده این اشخاص حکومتی
بیدار و باعلاقه لازم است که با کمال دقت وتوجه علل و جهات متواری شدن
ورفتن این طوایف را در نظر گرفته بامرتفع کردن آن معاذیر را اعاده آنها
را بکشور بازنماید .

مهاجرین خارجی : اگر کسی بادقت بوضعیت کلیه مناطق کشور آشنا شده
ودر ضمن وضعیت طوایف کشورهای مجاور را هم مورد نظر دقت قرار دهد ملاحظه
خواهد کرد که اکثر طوایف وعشایر در باختر و خاور وحتی جنوب ایران ازلحاظ
تعلیف وزمین مزروعی مجبورند بایران آمده و حتی شاید اکثر در سوابق ایام
هم جزو این کشور بوده اند ولی امروزه با وضعیت نامطلوب کشور گذشته از
آنکه تمایل آمدن وقبول تابعیت ایران را ندارند حوائج خود را بافشار و قدرت
برای علف چرو غیره مرتفع مینمایند مثل جافهای طوایف سردشت و غیره .
اگر حکومت مقتدری در کشور بوجود آمده اصول مرتبی برقرار گردد میتوان
امید داشت که همین طوایف هم با تمایل و رغبت حاضر خواهند شد که تابعیت
ایران را ازلحاظ احتیاج زندگانی قبول کرده وباین کشور مراجعت نمایند .

باین حساب وپس از این اقدامات است که میتوان امید وار شده سکنه کشور تدریجاً ۲۰ میلیون ترقی نموده ومیتوان این عده را مدرك و ملاك کامل قرار داد ولی حالیه طبق مندرجات فوق همان ۱۰ میلیون است .

سکنه وتقسیمات آن

تا کسی در ایران کاملا مسافرت ننموده واز نزدیك حال وروز کلیه سکنه کشور را ملاحظه ننماید نمیتواند اظهار نظر قاطعی نموده یا نسبت بوضعیت حقیقی سکنه ایران سخن دقیقی راند .

اینجانب پس از آنکه سالها در ایران مسافرت کرده و در تمام نقاط نسبت بحال رعایا وسکنه کشور تحقیقاتی نموده ام اینك نظری که نسبت بوضع رعایای ایرانی میدهم صد در صد حقیقت و واقعیت است و عقیده مندم که اگر این حقایق بطور وضوح تشریح نشده گفته شود یا از روی عدم اطلاع ویافقط از لحاظ کتمان حقیقت است درحالیکه بایستی حقایق گفته شده و بهیچوجه کتمان نشود .

وضعیت عمومی سکنه ایران : بایستی گفت کلیه سکنه این کشور بپنج طبقه بشرح زیر بخش میگردد .

۱ - مامورین کشوری ولشگری دولت .

۲ - ساکنین شهرها که متمدنین کشور شمرده میشوند.

۳ - ملاکین کشور .

۴ - تجار و کسبه کوچك شهرها .

۵ - رعایا .

بایستی گفت که وضعیت زندگانی این پنج طبقه در ایران بکلی متفاوت و بهیچوجه باهم قابل مقایسه نیست .

مامورین کشوری ولشگری: که شاید تعداد آنها در تمام کشور درحدود ۲۵۰۰۰۰ نفر میشود این عده خود را مالك رقاب کشور شمرده بااصول واسلوبی رفتار

مینمایند که در فصل جداگانه تشریح خواهد شد . چون روی اصول رفتار و طرز عمل خود همه چیز را از آن خود دانسته و با بهترین اسلوبی زندگانی مینمایند خاصه مامورینی که از محیط تهران خارج وقدری دورتر میباشند طبعاً از لحاظ زندگانی بدرجات بهتر از مامورین شهر تهران میباشند تمام قدرت وسعی این مامورین صرف تهیه بهترین زندگانی وفراهم کردن اصول راحتی آنها شده است شاید عده خیلی قلیلی از مامورین ایران از این اصول مستثنی باشند چه بخوبی بسیاری مامورین درست وپاك را میشناسیم که آنها هم تابع همین اصول بوده وچون از طرف کشور نسبت بزندگانی آنها توجهی نمیشود خود آنها در این خصوص اقدام مینمایند تمام سینماها - نمایشگاهها - رستورانها - رقصها - تفریحها درهر نقطه کشور تشکیل شود یاانحصاراً مربوط باین اشخاص ویا اگرانحصاری نباشد ۲/۳ از آن آنها است -- بهترین مد و بهترین اصول زندگانی را نیز خواهان میباشند .

ساکنین شهرها : این عده که مرکب از ملاکین بزرك شهر نشین - تجار - قراردادچی و مقاطعه کاران میباشند اشخاصی هستند که تمام ثروت کشور را در دست داشته و یك زندگانی لرد مآبی بدون کوچکترین فکر و علاقه بکشور فقط با فکر تقلید تمدن اروپائی امرار حیاتی کرده با قدرت ثروت و دارائی خود از کلیه قوانین کشور فرار کرده نظام وظیفه ویا سایر مقررات کشور نکته مهمی برای آنها نیست زیرابا خراجی آنها این قوانین توسط مجریان انعطاف پذیر بوده بدلخواه وطبق نظر آنها تعبیر خواهد شد این طبقه طبقه با سعادت وخوش نشین کشور بوده بهیچوجه تحمل زحمت و یاخدمت وانجام وظیفه را حس نکرده بلکه مایلند برای رفاه وراحتی امنیت آنها سایر طبقات فداکاری نمایند این طبقه گاهگاهی که خیلی از راحتی دلزده شوند بفکر وکالت وزارت افتاده آنوقت است که باز باخراجی وصرف وجوه دسته بندی کرده برای احراز مقامات اقدام مینمایند بایستی باین طبقه خوش نشینان با سعادت نام نهاد زیرا قدرت تحمل کوچکترین بدبختی وسختی را نداشته حاضر

نیستند لحظهٔ از خوشی وراحتی خود دستکشیده و باسایر طبقات همفکری نماید هر گونه‌اقدام‌و مداخله آنها در امور قطع بدانیدازروی مصلحت وجهتی است مثلا دستگیری از فقرا تأسیس خیریه ها قطعاً برای جلب اشخاص و آباد کردن جاده و کالت و یا امکان دسترسی بوزارت است .

ملاکین کشور : این قسمت از سکنه که شاید نیمه کشور املاك مزروعی اش در دست آنها است اشخاصی‌میباشند که یا ارشاء این مالکیت را دارا و یا در نتیجه اقدامات خود موفق بخریداری این املاك شده کمتر در ایران دیده میشود که مالکی در فکر رعایا باشد بلکه عموماً مالکین در فکر ازدیاد عواید خود و بسط ملك و بازدن برعایا میباشند در نتیجه دیده میشود اکثر خود همین ملاکین هم که بسیار سطحی وخود پرست هستند درنتیجه عدم توجه رعایای‌خود کم کم بی‌پا شده و کمتراملاك وقراء ومزارع آنها آن پیشرفت وترقی راکه‌منظور نظر است حاصل مینماید .

کسبه کوچك شهری : این عده اشخاصی هستند که از کسب کوچك و معاملات مختصر زندگانی نموده و بطورروز مزد زندگانی کرده اند و شاید میتوان طبقه متوسط این اشخاص را که وضعیت نسبتاً قابلی را دارا میباشند در نظر گرفت چه اکثر اگر هم ثروت و اندوخته حاصل نمایند باز اسلوب زندگانی آنها تغییری ننموده همان اسلوب کاسبی و بازاری خود را در زندگانی حفظمینمایند . این اشخاص کمتر گول تمدن جدید را خورده اسلوب و اصول خود را تغییر داده‌اند بلکه برعکس ثابت وباعقیده در رویه اجداد خود بوده حتی بایستی اقرار کرد تاحدی هم با ایمان تر در معاملات خود بوده و بیشتر به اصول مذهبی علاقمند میباشند از جمله مرده ملایان و روندگان‌دائمی مساجد و وعظها این اشخاص هستند که بی‌نهایت عقیده‌مند بوده وحتی بایستی اذعان کرد کمك و مساعدت به مستمندان هم‌بیشتر بوسیله این طبقه‌عملی میشود بدون اینکه هیاهو وتظاهری نمایند

رعایا: بایستی گفت رعایاایرانی‌قرنهاازز ندگانی کنونی دنیادور بوده نمیتواننداندیش

خودفکر راحتی واصول‌اداری‌وزندگانی کنونی‌رانمایندزیرادراکثر قراءوقصبات ایران‌ملاحظه‌میشود که خوراك این اشخاص‌انحصاراً از نان‌خالی اگرمقدور شود . نهم اکثراً ارزن‌یا بلوط بوده‌چای‌هم گاهگاهی برای‌آنهامقدور واکثراً بواسطه عدم‌وجود‌آن شایدتهیه‌چای‌هم‌غیرمقدورشده- بواسطه‌نبودن گرمابه‌استحمام آنها فقطانحصاراً در تابستان‌با گرمی‌هوا درجویها مقدور و درسایر موارد غیرممکن . لباس آنها عبارت از پیراهن و لباس روئی است که در اول هرسال تهیه وتاآخر سال باهمان وضع کثیف در تن آنها باقی خواهد ماند اکثراً پای برهنه ازلحاظ بهداشت فاقدکلیه امکانات روز را بایستی تا غروب آفتاب در زیر شعاع خورشید کار و خدمت نموده غروب آفتاب در حقیقت رعیت ایرانی هم غروب کرده بایستی، جل پاره خود را بسر کشیده بخوابد زیرا چراغی در نزد او وجود ندارد که بتواند در شب مورد استفاده قرار داده روشنائی تهیه کند اینست حال وروز واقعی یك رعیت ایرانی کلبه یك رعیت ایرانی ما تمکدهٔ است .

با آنکه در جهان‌پیشرفت‌های بزرگی حاصل شده است بایستی اذعان کرد اصول زندگانی این مردمان با اصول ده قرن قبل و شاید بیشترتغییر نکرده با همان مکنت و فقر و با همان بیچارگی زندگانی نموده روزگار خود را میگذرانند محیط یك رعیت‌ایرانی فاقد تمام اصول‌بشری وعبارت‌از فقرومسکنت و بدبختی است یك رعیت باحاصل سالیانه خود تا سرخرمن هم نمیتواند برسد ناگزیر است از وسطسال‌دست‌بفروش چندبزو گوسفند موجوده خود نموده یااز مالك با انصاف سود غله بشرط استرداد بطور مضاعف دریافت نماید اینست که روز بروز بنیه‌این قسمت مردم تحلیل رفته ومیتوان قطع داشت عاقبتی جز نیستی و فنا برای این طبقه نبایستی پیش بینی نمود .

عشایر ایران

بطوریکه در فصول قبل تشریح گردید $\frac{۲}{۳}$ سکنه ایران از عشایرو طوایفی تشکیل شده‌اند که این عشایر روحاً - اخلاقاً باهم اختلاف بسیارداشته ولی از محسنات اصلی آنهااست که عموماً مردمانی کاری - با علاقه وبردبار بوده خون

ایرانی حقیقی وخون پاك در عروق وشریان های این اشخاص جریان دارد ولی چون این عشایر اکثر دارای رمه و احشام میباشند لذا اصول زندگانی ومعیشت آنها با اصول شهرنشینان بایکدیگر فرق داشته وچون ناگزیرند اکثراً دربیابانها و جنگل هاو کوهستانها بااحشام خودبسر برند رغبت بسیار بدارا بودن سلاح تیراندازی وشکار دارند وبایستی گفت این اصول قسمتی از زندگانی عادی این اشخاص شمرده میشود . این عشایر چوندورا دور ایران سکونت دارند اوضاع واحوال آنها نیز بسیار متغیر ولی عموماً به یك‌لاق و قشلاق معتاد بوده وازلحاظ حشم داری وتربیت رمه ناگزیر از این اسلوب زندگانی میباشند - چون تاکنون اداره عشایر ایران روی اصول و اساس مرتبی انجام نشده و تقریباً میتوان گفت حکومت مرکزی درتمام ادوار بکلی اداره آنها را به حکام ومأموریت نظامی و نگهبانی واگذار کرده بایستی گفت هر نفر طبق اداره و نظر خود بطرز و طریقی این طوایف را سرپرستی نموده اند در صورتیکه عشایر ایرانی مسلماً با حکومت مرکزی هم مذهب وعموم دارای یك ملیت میباشند ولی نظر به بدی اصول واسلوب عقیده وایمان کلیه این عشایر ازحکومت مرکزی ومأمورین سلب عقیده کرده و کلیه امروزه عقیده‌مندند که هر سازمانی برای تضعیف و دوشاندن آنها بوجود آمده کسی بفکر آنها نیست عملا هم درکار بخوبی دیده میشود که‌روز بروز وضعیت این عشایر مدحش تروفلاکت بارتر شده و آنها را به دزدی وراه زنی وحرکات ناشایست تحریك وتشجیع مینماید زیرا معمولا این عشایر ازرمه‌داری وقسمت کم آنها از زراعت امرار معاش مینمایند .

برحکومت مرکزی است که این اصول رامطالبه نماید ولی تاکنون قدمی در راه عمران حقیقی عشایرایران برداشته نشده بلکه برعکس هرعملی برای بدبختی واستیصال و بیچارگی آنها انجام شده قسمت عمده اعمال عشایرهم بایستی قطع داشت از روی عدم اطلاع و بی‌سوادی و بی خردی است والا میتوان قطع داشت پاکترین احساسات دراین طبقه مردمان وجود دارد . همان قسمی که کشور نسبت برعایا وظایف خاصی دارا میباشد نسبت به‌عشایر هم وظایف بسیارسنگینی را دارااست که میتوان بطور خلاصه دراین چندسطر تشریح کرد :

- اداره وسرپرستی کلیه عشایر تحت نظر یك اداره وحکومت مرکزی که نسبت بهمه یکسان عمل و اقدام نماید .
- بررسی و توجه نسبت بوضع خاص هریك از عشایر ودرنظر گرفتن احتیاجات و امکانات و کمك‌هائیکه بایستی بآنها مبذول شود .
- تفکیك قسمت زارع وحشم‌دارعشایر و محصور کردن قسمت های زارع به‌تهیه وتولید آبادی و زندگانی ثابت .
- تشویق و ترغیب رمه وحشم داران در اصول زندگانی رمه‌داری خود .
- ایجاد اعتماد و اطمینان بین عشایر و مأمورین .
- کمك های مادی ومعنوی برای پیشرفت امور عشایر .
- تصمیمات‌مقتضی برای تحصیل وتربیت افراد طوایف عشایر .
- تصمیمات راجع به حذف‌وازبین بردن‌موهوماتی که‌درعشایر وجوددارد
- اقدامات برای مراعات بهداری عشایر ورفع بیماریهای آنها .
- قطع دست مأمورین از داخله عشایر که باسامی مختلف آنها را مورد اخاذی‌قرارداده و از بی‌اطلاعی آنها سوء استفاده مینمایند .
- ازدیاد و رغبت ومیل اهالی بزندگانی دهات و قراء .
- اجرای اصول تعلیمات اجباری در داخله عشایر .
- تأمین احتیاجات‌عشایر در نقاط‌مختلف کشور که‌دیگر ناگزیر به‌تکدی از خارجی ها نشده دست‌نیاز بدامان آنها نزنند .
- اعزام مأمورین بسیارعالی و مطلع بی‌نظر درداخله عشایر که‌جریانات گذشته راتجدید ننمایند .

یقین است در اداره وسرپرستی عشایرنکات برجسته‌و مهم نکات مندرجه فوق‌میباشد ولی بایستی درنظر گرفت که‌هر قدر تعدادمأمورین درداخله عشایر کمتر بوده بارفتارمناسب وبوسیله خودآنها در تربیت و تسکیه آنها اقدام‌شود منافع زیاد تری تحصیل خواهدشد .

فصل هفتم وضعیت بهداشت

وضعیت بهداشت کشور

هر شخص باعلاقه در کشور ایران مسافرت نماید قطعاً این فکر برای او حاصل میشود که کشور ایران فاقد بهداری واصول بهداشت میباشد زیرا مرض مزمن مالاریادر تمام کشور ریشه دوانده روز بروزعوراض آن‌در کلیه نقاط کشور توسعه مییابد . امراض مقاربتی که شاید در بدوامر چیزی نبوده‌امروز $\frac{۷۰}{۱۰۰}$ کلیه سکنه را مبتلا ویك‌نژادرا شتیکی‌را در کشور بوجود آورده شاید بیمارستانهای مختلف دراین کشور کانونی تهیه وروزبروز نفوذ وقدرت وتأثیر آن‌بیش‌میشود بطوریکه بایستی اقرار کرد آدم سالم کمتر یافت‌میگردد .

عده زیادی جوانان کشور برای تحصیل بهداشت‌در کشور های اروپاصرف وقت کرده وبفرا گرفتن طب‌جدید باموفقیت کامل نائل آمده‌اند — بودجه همه ساله ضمن بودجه عمومی کشور منظور میشود - پس تاحدی‌هم‌پزشکانی فهمیده ومطلع وجود داشته‌وهم اعتباراتی دراختیار کشوراست ولی‌از آنجائیکه‌سازمان واساسی وجودندارد نه از وجود پزشکان ونه‌از وجوداعتبارات بنفع مردم‌وسکنه بیچاره استفاده نشده روزبروز دامنه بیماری‌و کسالت‌هاتوسعه یافته نژاد کشور راشدیدتر تجدید باضمحلال و فنا مینماید .

علت چیست‌اگر قدری‌تعمق‌شودعلت‌اصلی آنست که بازاسلوب اروپارامدل سرمشق‌قرارداده‌چون‌درشهر پاریس‌یالندن‌چندین بیمارستان۱۰۰۰یا۵۰۰تختخواب وجوددارد بایستی درتهران‌نیز باصرف کلیه هزینه‌واعتبارمصوبه این قبیل‌مؤسسات بوجود آوریم درصورتیکه درسراسر جنوب کشوریك‌نفرپزشك‌وجود نداشته‌یك مثقال دارو مصرف نمیشود بیماری‌سخت برای اهالی و سکنه‌یعنی‌مرك و فنااست.

متصدیان دقیق توجهی ننموده اند امروزه در کشوری مثل فرانسه در هر شهر و قریه مؤسسات بهداری وجود دارد که سالهااست در استحکام مبنای آن خدمت وسعی‌شده تابوضعیت امروزه درآمده چون تأسیسات و تشکیلات بهداری آنها ازمرحله اولیه‌خارج شده اینست که‌امروزه‌درشهرهای‌مثل پاریس بیمارستان های عظیمی تأسیس کرده‌اند بازاگر توجه شود اینگونه مؤسسات تمام در یك

مرکز وشهر تمرکز نشده بلکه به نسبتی‌در تمام نقاط بوجود آمده . امروز کلیه پزشکهای تحصیل کرده شما در شهر تهران و بهیچوجه‌تمایلی‌بخروج ازاین شهر ازلحاظ عدم توجه‌بوضعیت مالی واداری ندارند درتهران بیمارستانهائی هم‌وجود دارد پس‌هرچه هست بازسازمانهائی برای تأمین احتیاجات اهالی وجود دارد‌ولی درجنوب درسراسرمناطق مهم کشور شما یك‌پزشك‌ویك وسیله نگاهداری‌ندارند بهتر نیست بااعتبارات‌مربوطه بیمارستان ۵۰۰ تختخوابی و ۱۰۰ بیمارستان‌متحرك تهیه وطبق اصول وسازمانی درتمام اقطار کشور براه اندازید که اقلا اهالی بیچاره از شرمالاریا و آبله فنانشده ملاحظه کنندبودجه کشور هریك نسبتی برای همه خرج‌میشود هروقت استعداد وبنیه مالی کشور زیاد شده بفکر تهیه بیمارستانهای ۵۰۰ و۱۰۰۰ تختخوابه افتیم آنهم در تمام نقاط کشور یکسان ویکنواخت نه برای یك شهر کشور ایران طهران نیست - کشور ایران عبارت از کلیه‌شهرها دهات - قراء وقصبات و کلیه سکنه‌است .

راجع بسازمان بهداری کشوربایستی درنظرداشت وقتی این‌سازمان‌حقیقت وواقعیت کامل خواهدیافت که اقلا نسبت بنکات زیرتوجه‌شود .

۱ - درازدیاد پزشکان ازحال توجه شده‌عشق‌وعلاقه اشخاص را به پیروی این علم ترویج نمایند .

۲- پزشکان‌موجوده‌را طبق‌اصول‌وبرنامه خاصی‌برای‌خدمت در کلیه‌مناطق کشور نامزدوبدون‌نظر شخصی وخصوصی ازآنها خدمت درتمام‌نقاط‌رابخواهند .

۳ - وضع زندگانی واداری پزشکان را طوری نمایند که کاملا علاقمند بکار وشغل‌خود شده باعشق پیشروی کارنمایند .

٤ - برای‌بهداری کشورواهالی اعتبارات‌بیشتری تخصیص‌داده‌واگر بنیه‌مالی کشوراجازه نمیدهدطبق قانون مخصوص یك‌سهم‌از عایدات‌مالکانه‌رافقط‌برای‌توسعه بهداری‌تخصیص‌دهند که‌تحت‌نظر‌اشخاص‌مطمئن‌ومطلع‌و بااصول‌معینی‌مصرف‌شود.

۵ - سازمان بهداری و کلیه مؤسسات آن برای تمام کشور یکسان و یکنواخت انجام گیرد .

٦ - در بدو امر تعداد زیادی بیمارستانهای متحرك وپزشکان سیار برای تمام مناطق کشور تهیه و با برنامه معینی شروع بکار نمایند .

۷ - با ارائه فیلم ها و سخن رانیها در تمام مناطق کشور اهالی را با اجرای اصول بهداشتی مجبور سازند .

۸ - جهت از بین بردن امراض مسری و بیماریهای مخصوصه که ریشه دوانده با کمك پزشکان خارجی و داخلی اقدام جدی نمایند .

۹ - در جلب پزشکان خارجی به کشور اقدام شود :

۱۰ - بیماریهای واگیر داررا درکلیه کشور مجزا و طبق اصول بهداری بآنها عمل نمایند.

در خاتمه گر چه خود ما بوجود چنین سازمان بهداری در تمام نقاط مطمئن نیستیم و نمیدانیم اگر هم باشد بواسطه اصول طرفداری و خصوصیت از آن مؤسسات حوائج کلیه سکنه بر آمده نمیشود معهذا مختصری نسبت بسازمان بهداری کنونی ومؤسسات موجوده درج مینمائیم .

وزارت بهداری در مرکز دارای قسمتهای زیر میباشد :

معاون امور فنی - معاون اداری ۱ اداره‌فنی دارای پنج بخش با بهداشت - قرنطینه ها - مبارزه با مالاریا - بیماری‌آمیزش - آبله کوبی - تبلیغات ونشریات و اداره دفتر - کارگزینی - بازرسی - حسابداری - ساختمان - دارائی و بترتیب در هر یك از شهرستان دارای شعبه - علاوه بر این شهرداری هر محل نیز بنا بر میزان در آمد خود دارای شعبه بهداری و یا پزشکی است که در پیوست بترتیب فقط نام بنگاههای بهداری و تعداد تختخواب هر یك ذکر میشود - برای آنکه صورت مزبور کامل باشد بنگاههائی که توسط جمعیت شیر وخورشید سرخ ایران در مرکز و یا در شهرستانها اداره شده است و در مواقع بروز حوادث اتفاقیه مانند زلزله - سیل - حریق - قحطی و یا در مواقع جنگ کمکهای شایانی‌نموده و جزء جرگه جمعیت های صلیب احمردنیا محسوب است و همه روزه نیزبانواع مختلف کمکهای مادی و معنوی زیادی به نیازمندان میکند اضافه مینمائیم برای تکمیل سازمان بهداری کشور باید بنگاه پاستور ایران که دارای وظایف خاص واستقلال میباشد و همچنین بنگاههای بهداریکه توسط اداره کل‌شهربانی ووزارتخانه هاو استان‌قدس یا بنگاههای دیگر و اخیراً بنگاه حمایت مادران و نوزادان بآن افزوده شود که خود موضوع بحث علیحده است .

بیمارستانهائیکه از محل‌در آمدموقوفه اداره میشوند

شماره	نام‌محل	نوع بنگاه	تعداد تختخواب	ملاحظات
۱	شهرری	بیمارستان‌فیروز آبادی	۱۰۰	
۲	پلشت ورامین	بیمارستان	۳۰	
۳	شاه‌آبادشمیران	آسایشگاه‌مسلولین	۱۲۰	
۴	قم	بیمارستان	۳۲	
۵	سمنان	«	۳۰	
۶	شاهی	بیمارستان‌بازایشگاه	۱۰۰	
۷	بابل	بیمارستان	۸۰	
۸	ساری	بیمارستان‌بازایشگاه	۶۰	
۹	بهشهر	بیمارستان	۸۰	
۱۰	آمل	«	۳۰	
۱۱	کیاکلا	«	۲۰	
۱۲	جویبار	«	۱۵	
۱۳	فیروز کوه	«	۱۵	
۱۴	پل سفید	«	۱۵	
۱۵	شیرگاه	«	۲۰	
۱۶	شهسوار	«	۳۲	
۱۷	نوشهر	«	۴۰	
۱۸	رامسر	«	۳۲	
۱۹	رودسر	«	۳۲	
۲۰	چالوس	«	۵۰	نیمه تمام
۲۱	قزوین	بیمارستان‌امینی	۸	
۲۲	تاکستان	بیمارستان	۳۲	دردست ساختمان
۲۳	گرگان	«	۵۰	
۲۴	مینودشت	«	۲۰	
۲۵	تبریز	بیمارستان‌ساریه	۲۰	

شماره	نام محل	نوع بنگاه	تعداد تختخواب	ملاحظات
۲۶	رضائیه	بیمارستان	۶۰	
۲۷	شاهپور	»	۶۰	
۲۸	خوی	»	۲۵	
۲۹	ماکو	بیمارستان ساریه	۵	
۳۰	کرمانشاه	بیمارستان	۳۲	
۳۱	شاه آباد غرب	»	۷۰	
۳۲	خرم آباد	»	۳۲	
۳۳	ملایر	»	۱۵	
۳۴	ایلام	بیمارستان رازی	۱۵	
۳۵	اهواز	بیمارستان	۳۲	
۳۶	اهواز	زایشگاه	۱۶	
۳۷	تلخسروی	بیمارستان		دست ساختمان
۳۸	دزفول	»	۲۰	» »
۳۹	شوشتر	»	۲۰	» »
۴۰	رامهرمز	»	۲۰	» »
۴۱	خرمشهر	»	۳۲	
۴۲	بوشهر	»	۳۰	
۴۳	عباسی	»	۱۵	
۴۴	بم	»		نا تمام است
۴۵	زابل	»	۳۰	
۴۶	فریمان	»	۵۰	
۴۷	تربت حیدریه	»	۱۶	
۴۸	اصفهان	بیمارستان خورشید	۵۰	
۴۹	»	بیمارستان امین	۵۹	(سنبلستان)
۵۰	کرمان	نوریه	۱۵	
۵۱	رفسنجان		۳۰	

بیمارستانهائیکه از بودجه شهرداری ها اداره میشوند

شماره	نام محل	نوع بنگاه	تعداد تختخواب	ملاحظات
۱	کاشان	بیمارستان	۱۴	
۲	قزوین	»	۲۰	
۳	اراك	»	۳۰	
۴	بندر پهلوی	»	۲۰	
۵	اردبیل	»	۲۲	
۶	مراغه	»	۱۴	
۷	اسدآباد	»	۸	
۸	بروجرد	»	۳۲	ناتمام
۹	شیراز	»	۵۳	
۱۰	مشهد	»	۳۰	
۱۱	سبزوار	»	۱۲	با کمك بهداری - بیمارستان ۳۲ تختخوابی در دست ساختمان
۱۲	کاشمر	»	۸	
۱۳	همدان	»	۱۵	با کمك بهداری
۱۴	همدان	»	۱۰۰	
۱۵	تبریز	»	۴۳	
۱۶	تبریز	بیمارستان ساریه	۳۰	
۱۷	تبریز	بیمارستان	۳۴	
۱۸	سنقر	»	۱۰	
۱۹	بهبهان	»	۳۲	نیمه تمام با کمك بهداری
۲۰	یزد	بیمارستان پهلوی	۲۵	

بنگاههای شیروخورشید سرخ

۱ - تبریز	بیمارستان	۱۲۰ تختخواب
۲ - رضائیه	»	۴۰ »

۳ - مراغه	بیمارستان	۱۲	تختخواب
٤ - ماکو	«	۲۰	«
۵ - آستارا	«	٦	«
٦ - مهاباد	«	۲۵	«
۷ - شیراز	دو تیمارگاه مردانه وزنانه		
۸ - مشهد	بیمارستان		
۹ - ساری	بیمارستان		

فصل هشتم راههای ایران

جاده‌ها و راههای ایران

مقدمه - خطوط مواصلات بمنزله شریان اصلی وعروق حیاتی کشور محسوب شده وهر قدر تعداد آن بیشتر وسازمان آن مرتبتر باشد ترقی وپیشرفت آن کشور سریعتر خواهد بود .

در ازمنه قدیمه خطوط مواصلات در ایران فوق‌العاده مورد توجه بوده وآثار وبقایای جاده های باستانی که هنوز در اقطار کشور پاره ای از آنها مورد استفاده بوده است دلیل بر انظار مخصوصی است که پادشاهان واولیای وقت در اینمورد مبذول داشته اند .

کشور ایران بنا بموقعیت جغرافیائی واسطه بین اروپا وآسیا ومرکز تلاقی بازرگانان خاور دور وخاور نزدیك بوده است وبیگانگانیکه بدیدن سرزمین نیاکان ما نائل شده اند از روی شایستگی آنرا بشاهراه ملل ملقب ساخته‌اند وبطوریکه تاریخ نشان میدهد دولت ایران قبل از دیگر دول امور ساختمانی ونگاهداری جاده ها را تحت نظر مستقیم خود قرار داده وطبق اسلوب صحیحی اداره کرده است . درایران باستان از روی بقایای ظروف سفالین که در شوش کشف شده وبسه هزار سال قبل از میلاد مسیح مربوط است وجود نقش ارابه های جنگی درروی این ظروف دلیل بر موجود بودن راههائیکه در آن عصر مورد استفاده ارتشی قرار داشته است میباشد .

پادشاهان هخامنشی براهها اهمیت میدادند زیرا بدون استفاده ازراههای خوب وسهل العبور نمیتوانستند کشور پهناور خود راازسیحون تاقرطاجنه اداره کنند .

(هردوت) مورخ یونانی مشروحاً راههای آن زمان راستوده و (کزنفن) که خود راههای آسیای صغیر تادجله را پیموده گفته های (هردوت) راراجع بخوبی راههای ایران تائید نموده است (ایزید ورخارا) که در پارت مسافرت کرده شرح مبسوطی در توصیف راهها مینویسد .

در میان نوشته های (هردوت) از راه (شاهی) اسم برده شده و متذکر گردیده‌است که‌این راه‌شهر (سارد) پایتخت لیدی‌قدیم را (بشوش) مقرپادشاهان هخامنشی بطریق زیر وصل میکرده است .

راه (افس) شهرستان یونانی تا(سارد) بدرازی ۲۴۰۰ کیلومترکه پس‌از عبور از شهر سارد به فریکیه میرسید وسپس از رود (هالیس) (قزل ایاق‌امروز) گذشته به (کابادوکیه) متوجه‌میشد ودرهالیس پادگان وقلعه نظامی مهمی‌قرار داشته است .

ودر طول آن ۱۱۱ دستگاه کاروانسرا وآسایشگاه در طول جاده ساخته شده ودر گردنه هاوگذرگاههای‌حساس‌حفاظت طرق‌بپاسبانان نظامی واگذار شده بود .

کاروانها در ۱۱۱ روز (روزی‌یك‌منزل) ومسافرین تقریباً در ۹۰ روز این راه را میپیموده اند وچهارپا ها شب‌وروز در راه بودند درمدت کمتری آنرا طی میکردند .

هردوت مینویسد بفرمان داریوش بزرك اولین سرویس چاپاری مرتب‌در این راه دایر شد (سده پنجم قبل‌از میلاد) ونیز طرز فرستادن قاصد را شرح داده میگوید (درتمام‌جهان اموربچاپاری ایران از هر کجا زودتر انجام‌میپابد) وهمچنین از نظم وترتیب مهمانخانه ها خیلی تمجید کرده است .

راه دریائی ایران بکشور های باختری پارس و خوزستان

راه دیگری که بسیاراهمیت داشته راه دریائی بوده که‌کشور های خاور ایران را باکشور های باختر متصل میکرده است‌توضیح آنکه راه ایران بمصر پیش‌ازداریوش‌بزرك چنین بود که ازدجله‌و فرات گذشته‌و بسوریه میرفت‌واز آنجا باکشتی وطریق (صور) (وصدا)درزخ(سوئز) بوادی نیل میرسد ولی بعلت‌نبودن امنیت وآب سالی دوبار بیشتر قابل عبور نبوده وجهت تهیه آب دولت مقرر داشته بود که کوزه های شراب را که از سوریه‌ویونان بمصر میاوردند حکام محلی جمع‌آوری کرده از آب پر کرده وبمنازل بین راه میفرستادند تا قوافل

موقع مسافرت از آن استفاده کنند واین روش‌باقی بود تاوقتیکه بامرداریوش بزرك دریای باختر را با دریای احمر بتوسط یکی از شعب نیل اتصال دادند و از آن زمان کشتیها از بحرالجزایر ودریای باختر بدریای احمر رفته وپس‌از عبور از باب المندب بدریای عمان میرسیدند ودرنتیجه رابطه مستقیم دریائی بین کشورهای دریای‌باختر باپارس‌وخوزستان وسایر نقاط ایران برقرار شد .

راههای دیگری از (سارد) به(سینوب) واقع در کنار دریای سیاه و از (نینوا) به (سارد) واز بابل به سوریه - نینوا وشوش و همچنین از کرانه به (سال‌القطیف) کنونی میرفته است . راههای دیگری که مسافرین را از (فنیقیه) بمصرواز (کیلیکیه) وآسیای صغیر ونینواو بابل‌وشوش هدایت‌میکرده است درزمانهای قبل از هخامنشی ساخته شده بود ولی دولت هخامنشی آنها را تعمیر ونگاهداری کرده و بامراکز مهمه کشور وسیع خود بواسطه راههای دیگری ارتباط داد .

راههای مهم ایران باستان

۱ - پنج رشته راه ازتخت جمشید شروع شده‌بشوش - پری‌تکان - فریدن (اصفهان) - کرمان - بندر دیلمان وهرمزدر کنار خلیج فارس‌منتهی‌میگردید.

۲ - پنج رشته راه از اکباتان (همدان) بشوش - بابل - ری - کنزك و آذربایجان کنونی .

۳ - سه‌رشته راه اصلی ببابل - همدان - وتخت جمشید وضمناً شعبه‌هائی هم ازاین راه تا اصفهان و بندر دیلمان درخلیج‌فارس امتداد داشته است .

۴ - پنج‌رشته راه از ری‌بآذربایجان - همدان -شهرصد دروازه - وجنوب باختری‌دامغان ومازندران امتداد داشته‌است.

۵ - سه رشته راه ازدامغان (کومش) باستراباد - خراسان وری .

۶ - سه رشته راه از باختر بدامغان - سغد (سیحون و ماورای آن) و استرآبادوگرگان .

۷ - پنج‌رشته‌راه از کرمان به تخت‌جمشید- پاسارگاد- هرمز - رودسند وباختر ساخته شده‌بود .

باتوجه بشبکه راههای فوق جای آنستکه ضرب‌المثل قدیمی‌را که درباره شهر رم گفته‌شده درمورد ایران بخاطر آوریم که میگوید (هر کجا براه شوسه ساخته‌ای وارد شدید آنرا ادامه دهید قطعاً برم خواهید رسید).

در زمان ساسانیان

شاپوراول‌درسال ۲۶۰ میلادی بادستگیری‌والرین امپراطورروم در(اودسا) که یکی از بلاد شامات است مقام ارجمندی را درتاریخ بدست آورد و بسیاری ازمورخین خاور زمین داستانهای مفصلی درخصوص او ورومیان نوشته‌اند وبنا بگفته آنها شاپور والرین و اسرای رومی را بایران آورده و بکمك آنها سد کارون را درشوشتر بناکرده است .

بنا بگفته طبری ابتدا بساختمان شهر وسپس به بنای سد اقدام گردیده است وبنابر شاهنامه فردوسی مهندسین رومی تحت سرپرستی (برانوش) نامی کارهای مزبور را انجام‌داده اند .

پل وسد شادروان بادرازا ۶۰۰ ذرع و بهنا ۲۰ ذرع از شاهکار های این عصراست .

شاهکار دیگری که در شوشتر بنا شده ومربوط باین زمان است استخر آب گرگر است که بعقیده بعضی اولین کانالی است که در این نقطه ساخته‌شده.

دردوره اسلام

درسده هفت میلادی پس از تسخیر کشور بدست اعراب چون نوع‌وسایل نقلیه تغییر کرده ودیگر راههای عریض ووسیع مورد نیاز نبود از این موقع جاده‌های قدیمی واساسی ایران متروك‌شد ولی بعدها که ساختن‌راه کاروانسرا جزو فرایض دینی گردید موضوع راهسازی صورت جدیدی بخود گرفته ودر زمان خلفا ودر صدر اسلام کاروانسرا وراههای زیادی ساخته‌شد که ضمناً املاك و مستغلاتی‌هم برای اداره آنها اختصاص داده شده بود واز این قبیل‌است‌ پل روی کشفرود ویاراه طوس که برحسب روایات چون وقتیکه صله معهود را سلطان محمود جهت پاداش تنظیم شاهنامه برای فردوسی فرستاد حکیم وفات کرده بود لذا باوجه مزبور بساختمان پل عظیمی که هنوز برپا میباشد اقدام گردید.

در زمان مغول

درزمان مغول در پیرو خونریزیهای اولیه خسارتهای زیادی براهها و ساختمانهای مربوطه وارد آمد ولی پس‌از استیلای کامل نظر اصلی متجاوزین که دایر نگاهداشتن راه معروف ابریشم بود وبهانه اولیه برای ایجاد فتنه مغول بشمار میآید مورد توجه قرار گرفت وبموجب دستور خان مغول درموقع جنگها بین چین وعربستان‌وسیلهٔ ارتباطی باسم(یام) یا (پیك) تنظیم کرده بود که این مسافت راباسرعت زیادی میپیمودوحتی در تشکیلات‌ارتشی‌هم‌مامورین‌مخصوصی برای‌تهیه وحمل ونقل ودایر نگاهداشتن‌راهها منظور شده‌بود وبساختمان‌راههای مهمی اقدام گردید وراه چین ازطریق شوروی‌ونیز راه هند ازطریق‌ایران مورد توجه‌خاصی قرار‌گرفت . ومخصوصاً دراین موقع تبریزمرکز ارتباطی وتجارتی گردید وازسه رشته راه باخلیج‌فارس ارتباط پیداکرد .

۱ - راه بصره وبغداد که ازمعابر جبال کردستان گذشته بمراغه سیامه و بپایتخت‌میرسید.

۲ - راه‌بندر (سیراف) یعنی بندرطاهری کنونی که‌بشهر شیراز واصفهان وکاشان وقم وری وقزوین میرفت .

۳ - راه هرمز و کرمان ویزد وکاشان که در محل اخیر باراه دوم متصل میگردید ضمناً تبریز بادوراه دیگر باکشورهای عیسوی مربوط‌میشد .

در زمان صفویه

در دوره صفوی ومخصوصاً درزمان سلطنت‌پادشاه پنجم‌آن یعنی‌شاه‌عباس کبیر ازهر جهت موضوع راهسازی مورد توجه کامل قرار گرفت ودر اینموقع بقدری کارهای‌راهسازی کامل‌شده‌وبازرگانی ترقی کرد که بعضی‌از نویسندگان شاه‌عباس راپادشاه راه وبازرگانی لقب داده بودند .

تمام آسایشگاههای بین‌راه را که رو بویرانی گذاشته بودند امربتعمیر کرده وتغییراتی که لازم بود درراهها داده شود بارعایت آب وهوا و مقتضیات

محل انجام داد وچون محل کالا و مخصوصاً ابریشم ازراه جنوب یعنی فارس و
لارستان و بندرعباس بعمل میآمد بنابراین راه آنجارا تا اصفهان بقسمی توسعه
دادند که از نیکوترین راهها گردید .

دنباله این جاده از پایتخت بساوه و قزوین ومرزهای باختری کاملا دائر
بوده وراه فیروز کوه تا بهشهر (اشرف) وراه کناره یعنی از گرگان تالاهیجان و
طالش و آستارا یکی از مشگلترین راههائی بود که بااصول علمی ومهندسی دقیق
ساخته شده وهنوز زیر سازی وسنگفرشهای آن بانضمام بقیه آثار و آبادی مربوط
باین عصر در اکثر نقاط کشور دیده میشود .

در مورد شهرت راهسازی این عصر یادآوری مینماید که روزی ولیعهد
انگلستان (پرنس دوگال) از لندن عازم یورك بوده وبین راه کالسکه اش در گل
فرو رفت وبزحمت زیاد آنرا از گل خارج کردند ولیعهد در پایان نامه ایکه از
یورك فرستاده بود مینویسد محققاً در کشورشاهنشاهی ایران که تمام راهها ساخته
و سنگفرش میباشد چنین اتفاقی رخ نخواهد داد .

پل عظیم رودخانه ارس از ساختمانهای مربوط بشاه اسمعیل ومربوط بزمان
صفویه میباشد .

و در روی زاینده رود ۱۲ پل عظیم ساخته شده بود و (شوالیه شاردن)
سیاح فرانسوی که در زمان شاه عباس بایران مسافرت کرده از آنها توصیف
بسیار نموده است .

در فارس پلهای خان و بندامیر در زمان صفویه بنا شده است .

راه ابریشم

شهرت این راه بقدری زیاد است که هر نوع تعریفی ممکن است از شهرت
آن بکاهد زیرا که این تنها وسیله ارتباطی بین کشورهای متمدن قدیمی بوده است .
از زمان خیلی قدیم که مخترعین قطب نما باروت وارباب صنایع ظریفه
آشنائی با تربیت پیله ابریشم پیدا کردند وبه بافتن پارچ های زربفت وابریشمی
پرداختند تنها وسیله ارتباطی آن راه ابریشم محسوب میشد .

این جاده از بیروت (انطاکیه) در کنار دریای مدیترانه شروع شده و
بکشور های خاوری میرسید و قبل از اسکندر و داریوش هم امپراطوران روم
از همین راه با خاور تماس داشته اند .

سوداگران یونان قدیم باکالای خوداز انطاکیه گذشته وپس از طی راههای
بیابانی بعراق وبغداد رسیده واز آنجا بمرکز بازرگانی ایران ویا کناره های
دریای خزر رهسپار میشدند .

(هوسان تسانك) سیاح بزرگ چینی شرح مبسوطی در ضمن عبور خود
از این راه نگاشته است و (مارکو پولو) جهانگرد نامی ۶۰۰ سال پس از سیاح
چینی از این راه گذشته است .

در زمان نادرشاه

تا سده ۱۸ بر اثر توجه بعضی از پادشاهان صفوی راههای ایران رونق
بسزائی داشت تصمیمیکه در سال ۱۷۶۲ میلادی کمپانی خاور هند (ایست اندیا)
معادل ۲۲ هزاربار پارچه های ابریشمی وابریشم خام راکه بهای آن ۱۲ میلیون
فرانك بود از ایران صادر کرد ولی بعد ها با ضعیف شدن صفویه راهها رو
بخرابی گذاشته و نفوذ دولت وقت دستخوش تجاوزات خارجیان قرار گرفت
ولی بعدها با پیدایش نادر این پادشاه برای حاضر نمودن جاده ها جهت امور
ارتشی و انتقال توپخانه خود جاده های قبلی را اصلاح اساسی کرد و پلهای
آسیب دیده را مرمت کرد و حتی بساختن پلهای جدید نیز اقدام نمود و در
موقع لشگر کشی بهندوستان که برای عبور از رود خانه سند پل موقت قایقی
لازم بود با استفاده از موی یال و دم قاطر ها و اسبها و پشم شتر ها طناب لازم
تهیه گردیده واین راه ارتباطی تامین شد .

در موقع لشگر کشی بترکستان نیز برای انتقال ۱۱۰۰ کشتی باری که
برای حمل آذوقه و مهمات بر رود جیحون بآب انداخته شده بود ترمیمات
لازم در مسیر کشتیها بعمل آمد .

در موقع ایجاد طرق و معابر جدید برحسب دستور نادر میله ها و شاخص هائی مثل میله معروف نادری که در راه شوره گز کرمان بزاهدان واقع است تعبیه نمودند که برای هدایت مسافرین در این مناطق بدون عوارض طبیعی و یا در وقت موقع مورد استفاده قرار گیرد .

در زمان قاجاریه

با درگذشتن نادر مجدداً راهها مورد نا امنی و هرج و مرج قرار گرفت و بطور کلی تا مدت زمانی راهسازی تعطیل بود تا آنکه پس از مسافرت ناصرالدین شاه باروپا مهندسین اطریشی و آلمانی برای راهسازی استخدام گردیدند و راههائی مانند جاده چالوس - راه مازندران بمشهد - راه تهران بمازندران - راه تهران بفارس ونیز راه تهران بعربستان بصورت عرابه رو در آمد - از تهران بقزوین و تبریز و جلفا و ارس راهسازی شد و جاده خراسان نیز انجام یافت.

در این زمان یعنی در سال ۱۸۷۰ امتیاز ساختن راه انزلی تا قزوین بشرکت روسی (بیمه حمل و نقل در ایران) داده شد و مدت امتیاز را برای ساختمان و بهره برداری جهت ۹۹ سال تعیین کرده بودند .

این شرکت شروع بکار کرده پل ۱۴۱ متری منجیل که قسمتی از آن با آهن و قسمت دیگری که از سنگ میباشد بعرض ۵ متر ساخته شد .

جهت ساختمان راههای سمت جنوب و باختر کشور شرکت لنچ و برادران امتیاز ساختن راه قم و اراك و اصفهان و شوشتر و محمره را بدست آورد و با تعمیر راههای قبل جادههای جدید را برای استفاده توسط وسایل چرخی آماده نمود .

شرکت روسی وشرکت لنچ و همچنین سایر شرکتهای خارجی در موقع بهره برداری از راههای ساختهشده عوارض از وسایط نقلیه دریافت کرده و درعین حال برای بهبودی جادهها هم جدیتی بخرج نمیدادند بقسمیکه در سال ۱۳۰۲ موقعیکه پل چوبی رودخانه شور قم شکست تا مدت چند روز مسافرین

در دوطرف راه بلاتکلیف بودند در مورد سایر ساختمانها و پلهای سنگی هم دقت زیادی برای نگاهداری ابراز نمیشد .

بالاخره بادر نظر گرفتن مشکلاتیکه وجود شرکتهای خارجی در کشور ایجاد کرده بود روز ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ برحسب پیشنهاد دولت مجلس شورایملی تصویب کرد که دریافت باج در راههای اجرا نشده وبجای آن از وزن غیره خالص صادرات و واردات کشوری مالیاتی بعنوان مالیات راه طبق تعرفه دریافت شود وباجرای این ترتیب نظم جدیدی در امور راهسازی و در آمد آن حاصل گردید .

مدیر آمریکائی و سازمان جدید

وزارت فوائد عامه برای طرق و شوارع مدیرکلی انتخاب کرد که طرح نوینی برای اداره راهها ریخته و شانزده بخش مجزا در کشور منظور نمود .

قزوین - رشت - همدان - کرمانشاه - قم - اصفهان - شیراز - یزد - کرمان - ورامین - سمنان - مشهد - فیروز کوه - مازندران - تبریز - بروجرد.

راههای اصلی درجه یك که گذرگاه وسائط نقلیه سنگین بوده و بایستی استحکام زیادتری داشته باشند لازمست تحمل کامیونهای سنگین را نموده و در ساختن آنها دقت زیادتری مبذول شود درصورتیکه راههای درجه دوم باین اندازه استحکام لازم نخواهند داشت و نیز راههای محلی درجه سوم که عبور و مرور از آنها محدود و کم است بایستی استحکامی مناسب اهمیت آن منظور کرد .

طول راههای عمده ساخته شده در ایران از سال ۱۲۸۰ شمسی تا آخر سال ۱۳۱٦

سال شروع ساختمان	کیلو متر			
	درجه یك	درجه دو	درجه سه	جمع
۱۲۷۰	۲۸٤	-	-	۲۸٤
۱۲۷۲	۷۵۹	-	-	۸۵۹
۱۲۹۳	۱۲٤	۹۷۱	-	۱۰۹۵
۱۳۰۲	٦۲۰	-	-	٦۲۰
۱۳۰٤	۱۸۲۲	-	-	۱۸۲۲
۱۳۰۵	۱۲۲۳	٦۵٦	۱۵۸	۲۰۳۷
۱۳۰۷	۲۱٤	۱۵۹٤	۱۱۵۷	۲۹٦۵
۱۳۰۸	-	۸۸۲	۱۲۰۳	۲۰۸۵
۱۳۰۹	٦٦٦	۲٦۲۱	۲۰۱۰	۵۲۹۷
۱۳۱۰	۱٦۷	۹۰۸	-	۱۰۷۵
۱۳۱۱	-	۲۹۷	۲۸۸	۵۸۵
۱۳۱۲	-	۵۹۲	۱۹٤	۸۷٦
۱۳۱۳	-	۱۸٤	٤۲۸	٦۱۲
۱۳۱٤	۲۷۲	-	٤۲۸	۷۰۰
۱۳۱۵	۳۰	۲۰۵	۳۱۳	۵٤۸
۱۳۱٦	۱۷٦	۵٦	۱۳٤	۳٦٦
۱۳۱۷				۲۰۰۰
جمع	٦۳۵۷	۸۹٦٦	٦۳۱۳	۲۳۸۲٦

برای توضیح اهمیت اقدامات چند ساله اخیر باید متذکر شد که پیش از سلطنت رضا شاه پهلوی طول کل جادههای عرابه رودر ایران بیش از ۳۹۳۰ کیلومتر نبوده است بشرح ذیل :

۱ - تهران - قزوین - رشت ۳۷۸ کیلومتر
۲ - قزوین - همدان - کرمانشاه
سرحد باختری ٦۲۹ کیلومتر
۳ - تهران - قم - عراق ۲۸۲ «
٤ - قم - کاشان - اصفهان ۲۹۹ «
۵ اصفهان - شیراز - بوشهر ۷۷۸ «
٦ - تبریز - جلفا - خوی ۲۱٤ «
۷- قسمتی ازراه قطور - خوی ۱۰۰ «
۸- مشهد - زاهدان ۱۰۰٦ «
۹ - مشهد - باجگیران ۲٤٤ «
جمع ۳۹۳۰ «

راههای ساخته شده تا ۱۳۲۳ بقرار زیراست :

راههای درجه یك	نام گردنه	ارتفاع بمتر
تهران - قزوین - رشت - پهلوی	کوهین	۱٦۰۰
	امامزاده هاشم	۲٦٤۰
تهران - قزوین - زنجان - تبریز - ماکو -	-	-
بازرگان - تبریز - رضائیه - خان	خرم دره	۱۵۰۰
تهران - قم - اراك	راه جره	۱٦۰۰
تهران قم - اصفهان - شیراز - بوشهر	قرقچی	۱۵۰۰
کاشان - یزد - کرمان بندر عباس	خانه کوه - خانه سرخ چاه‌جغوك	۲۲۰۰ - ۲٤۰ - ۱۸۰۰
تهران - قم	حسن آباد	۱۲۰۰
تهران - سمنان - شاهرود - سبزوار - مشهد	کدوك	۱۹۰۰
تهران - بیرجند - زاهدان - میرجاوه	-	-

راههای درجه یك	نام گردنه	ارتفاع بمتر
زاهدان ـ خاش ـ بمپور ـ چابهار	-	-
تهران ـ شاهی ـ ساری ـ بابل‌سر	-	-
تهران ـ چالوس ـ نوشهر	کندوان	۳۰۰۸
قزوین ـ همدان ـ کرمانشاه ـ خانقین	اسد آباد	۲۴۰۰
تهران ـ فیروز کوه ـ عباس‌آباد ـ شاهی	ولیچای	۱۸۰۰

راههای درجه دوم	نام گردنه	ارتفاع بمتر
دلیجان ـ خمین	-	-
بروجرد ـ ملایر ـ همدان	شهرستانك	-
دلیجان ـ اصفهان ـ کاشان ـ نائین	-	-
ساری ـ بندرشاه ـ گرگان	-	-
شاهی ـ بابل ـ آمل ـ بابلسر ـ چالوس	-	-
چالوس ـ شهسوار ـ رودسر ـ رشت	-	-
تهران ـ ورامین ـ سمنان	-	-
مرند ـ جلفا	-	-
جلفا ـ خوی	-	-
حیدرآباد ـ گدوك شیخ	-	-

راههای درجه سوم	نام گردنه	ارتفاع بمتر
خمین ـ اراك ـ خمین خونسار	سیدانك	۲۶۰۰
کرمانشاهان ـ سنندج ـ سقز ـ ساوجبلاغ ـ	مروارید ـ تغل سلیمان	-
همدان ـ بیجار		-
تبریز ـ دانالو ـ تبریز ـ اهر	-	-
خوی اواجق ـ خوی رضائیه ـ ساوجبلاغ	-	-
دانالو ـ مراغه ـ ساوجبلاغ	-	-
اردبیل ـ آستارا ـ آستاراپهلوی	-	-

راههای درجه سوم	نام گردنه	ارتفاع بمتر
تهران ـ شهریار	-	-
گرگان ـ شاهرود	خوش یلاق	۲۶۰۰
مشهد ـ سرخس	دوز بادام	-
قوچان ـ لطف آباد ـ قوچان ـ باجگیران	اله اکبر	۱۲۶۰
شیراز ـ جهرم ـ لار	-	-
اهواز ـ رامهرمز ـ بهبهان ـ شیراز	-	-
کاشان ـ نطنز	-	-
کنگاور ـ بروجرد	-	-
سقز بانه ـ سردشت	گردنه خان	-
سنندج ـ مریوان	تیز تیز	۱۸۶۰
سنندج ـ روانسر ـ نوسود	-	-
کرمانشاهان ـ ایلام ـ مهران	-	-

فهرست راههائیکه تا کنون در داخله کشور اسفالت شده بشرح زیر میباشد طول و تاریخ ساختمان نیز قید گردیده است

شماره	نام راه اسفالت شده	طول راه بکیلومتر	تاریخ ساختمان	ملاحظات
الف - راههائیکه توسط اداره راه اسفالت شده				
۱	تهران - کرج	۳۲ کیلومتر	سال ۱۸و۱۹	راه جدید
۲	تهران - کرج	۱۵ »	سال ۱۹و۲۰	راه قدیم
۳	تهران - شهرری	۸ »	سال ۱۷ و۱۸	
٤	چالوس - نوشهر	۸ »	سال ۱۷و۱۸	
٥	رامسر	٤ »	سال ۱۷و۱۸	
٦	بابلسر	۳ »	سال ۱۸	
۷	رامسر - شهسوار	٥ »	سال ۲۰	
۸	تهران- سرخه حصار	٦ »	سال ۲۰	
ب - راهها‌ئیکه توسط دولت‌شوروی اسفالت شده‌است				
۱	قزوین - کوهین	۳۲ کیلومتر	سال ۲۲و۲۳	
۲	امامزاده‌هاشم- رشت- پهلوی - آستارا	۲۱۷ »	»	»
ج- راههائیکه توسط سایر متفقین اسفالت شده‌است				
۱	قزوین‌همدان - خرم‌آباد - دزفول - خرمشهر	۱۰۱۷ کیلومتر	سال ۲۱و۲۲	طول راه تقریبی‌است
۲	همدان - قصرشیرین- سرحد	۳۸۸ »	سال ۲۱و۲۲	

راههای اصلی از پایتخت بمرزها

۱ - راههای شمال و شمال باختر

- تهران
  - قزوین
    - زنجان - میانه - تبریز
      - جلفا (مرز شوروی)
      - خوی - ماکو - بازرگان (مرز ترکیه)
    - مرند - رشت - پهلوی
  - کرج - چالوس - نوشهر
  - فیروزکوه
    - شاهی
      - ساری - بندرجز
      - بابلسر
    - دامغان - سمنان - شاهرود - گرگان - بندرشاه

۲ - راههای خاوری

- تهران - مشهد
  - قوچان - باجگیران - امامقلی (مرز شوروی)
  - لطف‌آباد - دره گز (مرز شوروی)
  - سرخس
  - بیرجند - زاهدان - میرجاوه (بلوچستان)

۳ - راههای جنوب

- تهران - قم
  - اصفهان - شیراز - کازرون - بوشهر
  - کاشان - یزد - کرمان - بندرعباس

٤ - راههای باختر

- تهران
  - قم - اراك - ملایر - بروجرد - خرم‌آباد - دزفول - شوشتر - اهواز - خرمشهر
  - قزوین - همدان
    - کرمانشاه - قصرشیرین - خسروی (مرزعربستان)
    - کردستان
      - سنندج - نوسود - طویله (مرزعربستان)
      - مریوان بانه (مرزعربستان)
      - سقز - بانه - سردشت (مرزعربستان)

راههای شوسه اداره کل راه شوسه

شهرستانها	استان	درازی راههای ناحیه
اداره راه شوسه گیلان	استان یکم	۴۲۷ کیلومتر
« « شهسوار	« «	۲۷۵ «
« « قزوین	« «	۵۸۴ «
« « طهران	« دوم	۵۷٤ «
« « مخصوص	« «	۲۶۰ «
« « قم	« «	۹۶۹ «
« « ساری	« «	۴۸۰ «
« « گرگان	« «	۷۴۳ «
« « شاهرود	« «	۴۷۶ «
« « آذربایجان شرقی	« سوم	۱۴۴۵ «
« « آذربایجان غربی	« چهارم	۱۲۱۸ «
« « همدان	« پنجم	۳۷۵ «
« « کرمانشاهان	« «	۱۱۴۹ «
« « کردستان	« «	۹۳۹ «
« « خوزستان	« ششم	۲۱۳۷ «
« « فارس	« هفتم	۳۵۳۱ «
« « زاهدان	« هشتم	۲۷۹۳ «
« « کرمان	« نهم	۱۹۲۳ «
« « خراسان	« «	۱۸۶۱ «
« « قوچان	« «	۷۱۹ «
« « اصفهان	« دهم	۱۴۵۹ «

راههای شوسه ایران تا سال ۱۳۱۹

شماره ترتیب	نام شهرستانها	طول به کیلومتر	ملاحظات
۱	تهران - قزوین رشت- بندرپهلوی	۳۶٤	درسال ۱۲۷۲ گشایش یافت گردنه کوهین بارتفاع ۱۶۰۰ متر دراین راه واقع است. راه درجه (۱)
۲	تهران - قزوین - زنجان - تبریز	۶۱۷	درسال ۱۲۷۲ گشایش یافت. راه درجه (۱)
۳	تهران - همدان - کرمانشاهان - قصرشیرین - مرزخسروی	۷۵۶	درسال ۱۳۰۲ گشایش یافت گردنه اسد آباد بارتفاع ۲۴۰۰ متر دراین راه واقع است. (راه درجه ۱)
۴	تهران - قم - اراك - خرم آباد - دزفول - اهواز - خرمشهر	۱۰۸۵	درسال ۱۳۰۶ گشایش یافت. گردنه های راه جرد بارتفاع ۲۶۰۰ و گردنه قرقچی بارتفاع ۱۵۰۰ متر دراین راه واقعست (راه درجه ۱)
۵	تهران - قم - اصفهان - شیراز - بوشهر	۱۱۹٤	گردنه حسن آباد بارتفاع ۱۲۰۰ متر در این راه واقع است راه درجه (۱)
۶	تهران -قم-کاشان-یزد- کرمان بندر عباس	۱۵۹۱	درسال ۱۳۰۸ گشایش یافت راه درجه (۱)
۷	تهران - فیروزکوه - سمنان - دامغان - شاهرود - سبزوار - نیشابور - مشهد	۹۱۵	درسال ۱۳۰۵ قابل اتومبیل رانی گردید گردنه‌های گدوك بارتفاع ۱۹۰۰ متر

شماره ترتیب	نام شهرستانها	طول به کیلومتر	ملاحظات
			ودلیچای بارتفاع ۱۸۰۰متر در این راه واقع است (راه درجه ۱)
۸	تهران - شاهی - ساری - بهشهر گرگان	۳۹۶	درسال ۱۳۰۵ گشایش یافته . راه درجه (۱)
۹	تهران-شاهی-بابل-بابلسر-نوشهر چالوس-شهسوار-لاهیجان-رشت	۵۸۸	درسال ۱۳۰۵ گشایش یافت راه درجه (۱)
۱۰	تهران - کرج - چالوس (راه مخصوص)	۱۹۳	درسال ۱۳۱۱ گشایش یافت گردنه کندوان بارتفاع ۳۰۰۸ متر دراین راه واقع است . راه درجه (۱)
	خطوط انشعابی آذربایجان شرقی وغربی		
۱	تبریز - جلفا	۱۳۵	راه درجه (۱)
۲	تبریز - مشگین شهر - اردبیل از راه اهر	۳۲۳	۱۳۰۴ گشایش یافته
۳	تبریز - اهر ازراه کوچه پل	۹۵	راه درجه (۳)
٤	تبریز - آستارا	۳۷۵	راه درجه (۳)
٥	تازه کند - بندردانالو	۷	راه درجه (۳)
٦	تبریز - مراغه	۱۳۲	
۷	دوراهی بناب - میاندوآب	٤۸	
۸	مرند- دوراه خوی	٦۸	
۹	هروآباد - میانج	۱۰۹	
۱۰	سقز - بوکان - میاندوآب	۹۱	۱۳۰۷ گشایش یافته
۱۱	بوکان- مهاباد	٥٦	

شماره ترتیب	نام شهرستانها	طول به کیلومتر	ملاحظات
۱۲	میاندرآب - مهاباد	٥۰	
۱۳	مهاباد - حیدرآباد - رضائیه	۱۳۱	
۱٤	رضائیه - شاهپور - خوی	۱٤٤	
۱٥	حیدرآباد- گدوك شیخ(مرزعراق)	۸٤	راه درجه (۲)
۱٦	نقده - اشنویه	۳۱	
۱۷	رضائیه - گلمانخانه	۲۲	
۱۸	خوی - جلفا	۷۹	راه درجه (۲)
۱۹	خوی - اواجیق (مرز ترکیه)	۱۳٤	
۲۰	خوی-ماکو-بازرگان(مرزترکیه)	۱٥٤	
۲۱	ماکو - پلدشت (عربلر)	٥٥	
۲۲	مهاباد- سردشت	۱٤۱	
	خطوط انشعابی کردستان		
۱	سنندج - همدان	۱۷۸	۱۳۰۲ قابل اتومبیل رانی شده راه درجه (۳)
۲	سنندج - کرمانشاه	۱٥۹	
۳	سنندج - مریوان (دژشاهپور)	۱٥۳	۱۳۰٦ قابل اتومبیل رانی‌شده راه درجه (۳)
٤	سنندج - سقز	۲۰٥	
٥	سقز - بانه - سردشت	۱۲۲	۱۳۰۸ قابل اتومبیل رانی شده راه درجه (۳)
٦	کرمانشاه - نوسود	۱۸۸	۱۳۰۸ قابل اتومبیل رانی‌شده راه درجه (۳)
	خطوط انشعابی کرمانشاهان		
۱	قصر شیرین - سومار	۹٤	

شماره ترتیب	نام شهرستانها	طول به کیلومتر	ملاحظات
۲	شاه آباد - ایلام - مهران	۲۴۰	۱۳۱۰ قابل اتومبیل رانی شده
۳	مهران - دهلران	۱۴۳	
٤	گیلان - قصرشیرین	۶۰	۱۳۱٦ قابل اتومبیل رانی شده
٥	پل بادآور - دوراهی کرمانشاه (راه خرم آباد)	۷٤	
٦	سرچله - گیلان	٤۲	
۷	دهلران - اندیمشك	۲۱٦	
۸	خط چرداول	٤۳	
۹	ایلام سومار	۸٥	راه درجه (۳)
	خطوط انشعابی لرستان و خوزستان		
۱	خرم آباد - بروجرد (از راه چغلوندی)	۱۰۱	
۲	خرم آباد - کوهدشت (طرهان)	۹۸	
۳	اهواز - بهبهان - کازرون	۳٤۹	درمواقع بارندگی عبور مشکل است در ۱۳۱٥ گشایش یافته . راه درجه (۳)
٤	اهواز - بستان	۹۲	دراین راه مواقع بارندگی عبور مشکل است .
٥	اهواز - شاه گان	۱۲۰	
٦	دوراهی شوشتر - دوراهی اهواز (راه مسجد سلیمان)	۲۲۱	
۷	اهواز - شوشتر (راه گاوسوار)	۱۲٦	
۸	خرم آباد - پل باد آور (راه کرمانشاه)	۹٤	

شماره ترتیب	نام شهرستانها	طول به کیلومتر	ملاحظات
	خطوط انشعابی فارس		
۱	شیراز - اردکان - تل خسروی	۱۹۹	درزمستان عبور از اینراه بزحمت انجام میشود . بواسطه ارتفاع گردنه ها و زیادی برف عبور ازاردکان بتل خسروی غیرمقدور است . درسال ۱۳۱۲ گشایش یافته
۲	شیراز - فیروزآباد	۱۱٦	درسال ۱۳۱۸ گشایش یافته .
۳	کازرون - فهلیان - بهبهان - اهواز	۲٤٤	
٤	شیراز - جهرم - لار - بندر لنگه	٦۷۲	در مواقع بارندگی از لار به لنگه عبور مقدور نیست و در غیر بارندگی هم اتومبیل سواری عبور مینماید . درسال ۱۳۱۲ گشایش یافته راه درجه (۳)
٥	شیراز - فسا - داراب	۲۷٥	راه فسا-داراب درمواقع بارندگی عبور مشکل است
٦	فسا - جهرم	۷۰	
۷	شیراز - نیریز	۲۲۸	راه شیراز - نیریز در مواقع بارندگی عبور مشکل است
۸	سهل آباد - اصطهبانات	٤۲	در مواقع بارندگی عبور از این راه مشکل است
۹	فسا - اصطهبانات	۷٤	
۱۰	سهل آباد - فسا	٦٦	

شماره ترتیب	نام شهرستانها	طول به کیلومتر	ملاحظات
١١	دولت آباد - منصور آباد	٦٥	در مواقع بارندگی عبور مشگل است
١٢	بوشهر - لنگه (خط ساحلی)	٦١٦	در موقع بارندگی عبور مقدور نیست
	خطوط انشعابی کرمان		
١	کرمان - بم - خاش (از طریق شوراب)	٣١٤	عبور مشگل است
٢	کرمان - بم - زاهدان (ازطریق شور گز)	٣٥٩	
٣	کرمان - شهداد	٩٩	از کرمان الی بلبلوئیه حاضر بقیه نا تمام است
٤	سیرجان - نیریز	٢٠٨	در مواقع بارندگی عبور مقدور نیست .
	خطوط انشعابی زاهدان		
١	زاهدان - بیرجند - قائن	٥٧٤	
٢	زاهدان - میرجاوه - خاش	٢٠٥	راه درجه (١)
٣	زاهدان - خاش (از گوهر کوه)	١٨٥	
٤	خاش - ایرانشهر	١٧٥	
٥	ایرانشهر - چابهار	٣٩٦	درمواقع بارندگی عبور مشگل است
٦	زاهدان - بم (ازشور گز)	١٥٨	
٧	خاش - بم (ازشوراب)	٢٥٠	
٨	راه زابل	١٣٤	
٩	راه دروج - آواز	٧٨	
١٠	سربیشه - آواز	٩٦	

شماره ترتیب	نام شهرستانها	طول به کیلومتر	ملاحظات
١١	خاش - سراوان - کوهك	٢٧٤	
١٢	راه جالق	١٠٠	
١٣	ایرانشهر - سرباز	١١٩	
١٤	نیکشهر - قصرقند	٦٨	
١٥	اسپکه - مسکوتان	٣٩	
	خطوط انشعابی قوچان		
١	مشهد-قوچان-باجگیران-مرز	٢٢٨	راه درجه (٣)
٢	مشهد - قوچان - گنبد قابوس - بندر شاه	٦٩٣	
٣	قوچان - لطف آباد (مرز)	١٥٠	
٤	سبزوار - قوچان	١٥٢	
	خطوط انشعابی خراسان		
١	مشهد قائن	٣٩٠	
٢	تربت حیدریه - کاشمر	٧٨	
٣	مشهد - طیبات - مرز افغانستان	٢٥٣	
٤	مشهد - سرخس	١٩٢	راه درجه (٣)
٥	تربت جام - قلعه حمام	٣١	
٦	جویمند - فردوس - طبس	٣١٨	
٧	مشهد - رادکان	٩٠	
٨	مشهد-جنت آباد - مرزافغانستان	٣٥٤	
	خطوط انشعابی مازندران		
١	شهسوار - خرم آباد - سیاورز	١٢	درسال ١٣١٤ گشایش یافت

شماره ترتیب	نام شهرستانها	طول بکیلومتر	ملاحظات
۲	بابل - دراز کلا	۲۶	
۳	ساری - فرح آباد	۲۷	
۴	شاهی - جویبار کیا کلا	۳۲	
۵	المده - گلند رود	۱۷	
۶	دوراهی کیا کلا - بابلسر	۲۲	
۷	بابل - آمل - محمود آباد	۵۷	
۸	بهشهر - کاخ صفی آباد	۳	
۹	زیرآب - آلاشت	۳۰	۱۵ کیلومتر ازاین راه قابل عبور اتومبیل است
	خطوط انشعابی گیلان		
۱	رشت - آستارا	۱۷۳	درسال ۱۳۱۱ گشایش یافته
۲	رشت - پیله بازار	۸	
۳	رشت - ماسوله - هروآباد	۶۵	از ماسوله تا هروآباد هنوز قابل عبور اتومبیل نیست
۴	رشت - لنگرود	۵۵	
۵	لنگرود - چمخاله - رودسر	۲۱	
	خطوط اطراف تهران		
۱	تهران - شمشك	۵۸	در سال ۱۳۱۰ - ۱۳۰۹ گشایش یافته
۲	تهران - سمنان (ازراه ایوانکی)	۲۲۴	تا سال ۱۳۰۷ دائر بوده دومرتبه درسال ۱۳۱۶ دائر گردید. راه درجه (۲)
۳	تهران - ورامین	۴۲	درسال ۱۳۰۷ گشایش یافته راه درجه (۲)

شماره ترتیب	نام شهرستانها	طول بکیلومتر	ملاحظات
۴	دوراه ورامین - دو راه سمنان (ازراه امین آباد)	۱۰	
۵	دوراه پارچین - پارچین	۱۳	درسال ۱۳۱۲ گشایش یافته
۶	ماماز ند - راه ورامین	۱۴	درسال ۱۳۱۵ گشایش یافته
	خطوط انشعابی اصفهان		
۱	اصفهان-خوانسار-گلپایگان-خمین	۲۲۲	راه درجه (۲)
۲	اصفهان - الیگودرز - ازنا	۲۳۸	
۳	اصفهان - نائین	۱۵۹	راه درجه (۲)
۴	نائین - انارك	۷۶	درسال ۱۳۱۴ گشایش یافته
۵	یزد - سورمق	۲۷۷	
۶	یزد - طبس	۴۰۶	
۷	اصفهان - شهر کرد	۱۳۵	
	خطوط انشعابی گرگان		
۱	گرگان - شاه پسند - شاهرود	۲۰۲	راه درجه (۲)
۲	بندر شاه - گنبد کاوس (راه دشت گرگان)	۱۱۳	مواقع بارندگی عبور مشکل است
۳	گرگان - پهلوی دژ - تنکلی	۶۸	در دست ساختمان است .
	خطوط انشعابی همدان		
۱	همدان - بیجار	۱۵۳	راه درجه (۳)
۲	کنگاور -- جوکار (از راه تویسرکان)	۷۲	درسال ۱۳۱۱ گشایش یافته

شماره ترتیب	نام شهرستانها	طول بکیلومتر	ملاحظات
۳	ملایر - همدان	۸۵	
	خطوط انشعابی قم		
۱	دلیجان - خمین - اراك	۱۴۷	راه درجه (۲)
۲	قم - صالح آباد - تفرش	۱۲۸	
۳	نطنز - مورچه خورت	۷۷	راه درجه (۳)
	خطوط انشعابی راه مخصوص		
۱	راه پل ذغال - دشت نظیر	۳۰	
۲	بابوده - کلاردشت	۲۴	
۳	کچسر - گاجره	۱۳	

صورت کلی از تعداد پلهای راه های شوسه ایران

شماره	نوع پلها	تعداد پلها	درازی پلها بمتر	ملاحظات
۱	فلزی	۴۴	۲۹۹۴	
۲	بتون مسلح	۵۳۰	۵۱۹۶	
۳	بتون	۱۱۰۰	۹۰۱۹	
۴	آجر	۶۷۴	۴۴۴۸	
۵	سنگ و چوب	۵۴۹	۱۹۰۸	
۶	چوب	۲۳۸	۱۷۲۳	
۷	سنگ و بتون	۳۱	۲۲۵	
۸	سنگ و چوب و آهن	۵	۵۸	
۹	سنگ و آهن	۳	۱۰۷	
۱۰	چوب و بتون	۱۶	۱۶۳	
۱۱	خشکه چین	۱۳۷	۵۲۶	
۱۲	سنگ و چوب و آجر	۴۳۵	۱۱۵۳	
۱۳	سنگ	۱۲۸۷	۷۳۳۳	
۱۴	سنگ و بتون مسلح	۱۴	۲۶۳	
۱۵	سنگ و آجر	۴۰۹	۲۰۲۲	
۱۶	بتون و آجر	۸	۱۳۳	
۱۷	شترگلو	۴۳	۳۸	
	جمع کل پلهای ساخته شده	۵۵۲۳	۳۷۳۰۹ متر	

مدت سیر در راهها

خط سیر	مسافت راه بکیلومتر	مدتیکه برای پیمودن خط لازم است				ملاحظات
		با اسب	با شتر	با گاری پستی	با کامیون	
تبریز بتهران	٦١٧	٢٠ روز	٣٠ روز	٥ روز	٣٢ساعت	
جلفا به تبریز	١٣٥	٤/٥روز	٥/٥روز	١ روز	٦ «	
آستارا به تبریز	٢٧٥	٩ روز	١١ روز	٤ روز	١١ «	
زابل-مشهد	٧٢٠	٢٤ روز	٣٢ روز	٨ روز	٣٦ «	
بندر عباس بطهران	١٥٩١	٥٣ روز	٦٣ روز	٢٦ روز	٨٠ «	
بوشهر بطهران	١١٩٤	٣٩ روز	٥٠ روز	١٩ روز	٥٩ «	
خرمشهر بتهران	١٠٨٥	٣٦ روز	٤٦ روز	١٨ روز	٥٥ «	
پهلوی بتهران	٣٦٤	١٢ ررز	٢١ روز	٦/٥روز	١٥ «	
کرمانشاهان بتهران	٥٥٨	١٨ روز	٢٥ روز	٩ روز	٢٨ «	
بابلسر (مشهد سر)	٢٨٩	١٠ روز	١٥ روز	٣ روز	١٠ «	

اینک که کلیاتی نسبت بکلیه جاده های ایران شرح داده شد چون هریك از محورها درجلد مربوطه کاملا تشریح شده لذا توضیحات جدیدی برای تشریح آنها بطور لازم نمیدید ولی جهت تکمیل بیانات خود دو جدول راجع بکلیه محورهای نفوذی که از چهار سمت ایران متوجه کشورهای همسایه میشوند با توضیحاتی از جنبه نظامی تکمیل و پیوست مینماید که با مراجعه به این اوراق ارزش و اهمیت نظامی هریك از محورهای نامبرده را ملاحظه نمایند.

محور ها	آن تشخیص داده شده	مرکز توقف قوا	تمرکز قوای طرف	... لازم برای اشغال این موضع	اهمیت مخصوص این محور	محوریکه روی آن بایستی عمل شود	از کدام پادگان بهتر این موضع اشغال میشود	قوائیکه در نظر گرفته میشود	ماموریت	ملاحظات
دشت-حمزیان	موضع حمزیان موضع پالان توکان	۲۶ کیلومتر تاخوی ۸۷ کیلومتر تاخوی	۱۰۶ از نخجوان ٤۵ از نخجوان	موضع بازاست معهذا یك هنگ قادر بعمل است بادو آتشبار	امکان دست یابی بخوی دورزدن موضع‌جلفا وخوی	محور پل دشت - خوی- شاهپورورضائیه	از خوی	۱ گروهان‌نگهبان یك گردان‌پیاده- ۲۰۰ نفر عشایر ماکو-یك آتشبار توپخانه	تخریب پل پل دشت - تهیه موضع درحمزیان پیش بینی تخریب راه‌آهن مجاور	قوای مامور اشغال این موضع بایستی ا... اعزام شود هنگ ماکو قادر باش... نخواهد بود
لفا - خوی	موضع اقداغ ارسی	۷۹ کیلومتر تاخوی	۲۰ کیلومتر ازجلفای روس	۱ لشگر بخوبی میتواند دفاع بنماید.	درصورت رسوخ خوی وموضع دره‌دیز سقوط خواهد کرد .	محور جلفا - خوی - شاهپور - رضائیه	ازخوی	۱ هنگ پیاده نظام- ۱ گردان‌سوار - ۵۰۰ نفر عشایر خوی - ۱ آتشبار ۷۵ - ۱ گروهان ضد ارابه	حفظ ارتباط باموضع دره‌دیز	بایستی از خوی قوای لازم حرکت ک... شاهپور تا این موضع ۱۲۵ کیلو متر ... دارد .
لفا - دره‌دیز	موضع دره‌دیز	۱۱۰ کیلومتر تاتبریز	۳۰ کیلومتر ازجلفای روس	۱ لشگر بطور خوبی میتواندعمل بنماید .	رسوخ و دست یابی بجلگه مرند جدا کردن آذربایجان خاوری وباختری	محور جلفا - مرند - تبریز	ازمرند	۱ هنگ‌پیاده - ۵۰۰ نفر عشایر - ۱ گروهان نگهبان - ٤ قبضه ضد ارابه	تخریب پل جلفا دفاع موضع دره‌دیز - تخریب راه آهن مجاور	از تبریز موفق به اشغال این موضع ن... شد بایستی مرکز قوای لازم یادرچر... درمرند باشد .
ک عنبر-تبریز	مشگ عنبر	٤۹ کیلومتر تاتبریز	از مرز حیران ۲۷۳	۲ هنگ پیاده بادو آتشبار	دست یابی‌به تبریز- سقوط موضع‌اصلی‌سیلان قطع ارتباط آذربایجان باطهران	اهر - تبریز - عجب شیر	ازتبریز یا اهر	۱ گروهان‌نگهبان-۵۰۰عشایر-٤قبضه‌ضدارابه ۱ هنگ پیاده	دفاع موضع تاآخرین لحظه	ازتبریزمیتوان اشغال کرد .
جه بیل- تبریز	کجه بیل	۷۰ کیلومتر	از مرز حیران ۲٦۰ کیلومتر	۱ هنگ پیاده بایك آتشبار			ازتبریز یا اهر	۱ گروهان‌نگهبان-۵۰۰ نفرعشایر-٤ قبضه‌ضد ارابه - ۱هنگ پیاده	دفاع تا آخرین لحظه	ازتبریز میتوان اشغال کرد .
بیل	موضع نیر	٤٤ کیلومتر تا اردبیل ۱٦۷ کیلومتر تاتبریز	ازحیران ۸۳	۲ لشگر باتوپخانه	درصورت‌رسوخ‌دراین‌دهلیزارتباط آذربایجان قطع و کلیه موضع دورزده خواهد شد	اردبیل - بستان‌آباد- قافلانکوه	از اردبیل	۱ گردان‌نگهبان - ۲ هنگ‌پیاده - ۱ هنگ سوار ۱ گردان توپخانه - ۱ گروهان‌ضدارابه ۵۰۰ نفر عشایر شاهسون .	اشغال موضع - حفظ ارتباط دائم با ارتفاعات خلخال	از اردبیل میتوان اشغال‌کرد .
خال-هروآباد	خلخال	از گردنه اهلت تا تبریز ۳۸٤ از طهران ۵۵۷ از اردبیل ۱۵۰ کیلو متر	ازحیران۳۰ کیلومتر	اقلا یك لشگر قوی	تمام اهمیت دفاع آذربایجان به نگاهداری این موضع بوده درصورت سقوط کلیه‌موضع ۱-۲-۳ دورزده خواهد شد	هروآباد -میانه - قافلانکوه	ازهروآباد	۱۰۰۰ نفر عشایر خلخال - ۱ گروهان نگهبان ۲ هنگ سوار ۱ گردان توپخانه	جلوگیری‌ازدست یابی دشمن‌بارتفاعات خلخال بهرقیمت مقدور است حفظ ارتباط دائم باموضع نیر وموضع‌ماسوله	
وله	ماسوله	ازرشت ٦۵ کیلومتر	ازحیران۱۰۰ کیلومتر از آستارا ۱۲۰	بواسطه‌موقعیت کوهستانی‌سختی منطقه یك هنگ	دورزدن‌محور حیران- قطع راه میانه‌دخول دردره طارم دورزدن موضع رشت	محور آستارا ماسوله -هروآباد قافلانکوه	از رشت	۱ گردان‌سوار- ۱ گروهان نگهبان- دودسته مهندس - ۲۰۰ نفر عشایر محلی	اجرای عمل تاخیری - تخریبات درکلیه راه ممانعت از عبور ازمحور کوهستانی	از رشت میتوان اعزام داشت
ت- امامزاده م	کرانه دریا-امامزاده هاشم - منجیل‌رودبار	از رشت ۳۵ کیلومتر	از کرانه۷٤ کیلومتر	بایك هنگ یك آتشبار توپخانه بخوبی میتوان عمل کرد.	دست یابی بکرانه در صورت رسوخ تحدید موضع میانج دست یابی به فلات	محور رشت - منجیل - طهران	از رشت	۱ گردان‌نگهبان- ۱هنگ‌پیاده ۳۰۰نفرافراد محلی - ۱ گروهان مهندس - ۱ گروهان ضد ارابه	جلوگیری از دست یابی دشمن بکرانه - تهیه موضع در صورت رسوخ‌برای جلوگیری پیشرفت درجلگه‌رشت دفاع در کوهستان ضمن اجرای تخریبات‌وعملیات ایذائی	از رشت میتوان اقدام کرد
الوس	کرانه دریا- کندوان	از کجور ۵۰ - از طهران ۲۰۹ کندوان ۱۲۳ کیلومتر	از کرانه ۸٦	یك هنگ و یك آتشبار بخوبی میتواند عمل نماید	دست یابی بمرکز فلات	محور چالوس- طهران	از مرزن آباد	۱ گروهان‌نگهبان-۱ گردان‌پیاده-یك‌آتشبار توپخانه - ۲۰۰ نفر افراد محلی	جلوگیری ازدست یابی دشمن بکرانه در صورت رسوخ بطی کردن حرکت او تخریب محوروغیر مقدورساختن پیشروی او .	از کجور اعزام شود
ل	کرانه دریا - امامزاده هاشم	ازساری ۷۰ ازطهران ۱۵۷	از کرانه موضع اولی ۱۰۰ کیلومتر	یك هنگ و یك آتشبار بخوبی میتواند عمل نماید	دست یابی بمرکز نزدیك‌ترین راه	محورمحمود آباد- امامزاده‌هاشم طهران	ازساری	۱ گروهان‌نگهبان-۱ گردان پیاده-۱ آتشبار توپخانه - ۲۰۰ نفر افراد محلی		از ساری
اهی	ساحل-شیرگاه-زیراب - پل سفید	از ساری ٤۰ / ازطهران ۲۲۷ } به اولین موضع شیرگاه	از کرانه ٦٦	یك هنگ یك آتشبار میتواند عمل کنند	دست یابی بمرکز قطع ارتباط گرگان	محور ساری - طهران	ازساری	۱ گروهان‌نگهبان- ۲ گردان پیاده ۲۰۰ نفر افراد محلی		ازگرگان
گان	ارتفاعات البرز و نهارخوران	از گرگان ۲٦ ازطهران ۳٦۰	از کرانه ۵۰ از مرز اترك ۲۰۰ کیلومتر	یك لشگر برای یك عمل کامل کافی است	قطع ارتباط خراسان - نفوذ بفلات مرکزی دست یابی به راه‌آهن-دورزدن‌مواضع‌شمالی	محور گرگان طهران	از گرگان	۱ هنگ پیاده -۱ گروهان ضد ارابه۱ گردان سوار - ۳۰۰ نفر عشایر ۲ آتشبار توپخانه	جلوگیری ازپیشروی دشمن بتأخیر انداختن حرکت‌او ازمرز تخریب جاده درنقاط حساس	بایستی قوای لازم از گرگان اعزام شو...
ه	ارتفات نوده	از گنبد قابوس ۳۰ کیلومتر - از گرگان ۱۰۰ کیلومتر	ازمرز اترك ۱۰۰	۲ هنگ پیاده‌یك‌آتشبار‌توپخانه وسائل ضد ارابه	نفوذ بطرف فلات - قطع ارتباط خراسان با طهران دورزدن مواضع شمالی	محور گنبد قابوس- نوده-شاهرود - طهران	از گنبد قابوس	۱ هنگ‌پیاده ۱ - گردان‌وسائل‌ضدارابه ۲۰۰ نفر عشایر	جلوگیری‌ازعبور دشمن ضمن عملیات تأخیری و تخریب نقاط حساس جاده	از گنبد قابوس
وه تپه	موضع یك۳۰ کیلومتر موضع دو ۱۰۰ کیلو متری بجنورد	مسافت از بجنورد ۱٦۳ از گنبد ۱۲۷	ازمرز سنگی داغی۸۰	۲ هنگ سوار ۲ آتشبار توپخانه	امکان‌رسوخ بطرف دهلیز بجنورد دست‌یابی بارتفاعات ودورزدن موضع نوده	محور مراوه تپه بجنورد	از بجنورد	۲ هنگ سوار - ٤۰۰ نفر عشایر	جلوگیری از رسوخ‌دشمن‌بطرف دالان‌خراسان‌جلوگیری ازدست یابی بارتفاعات	ازبجنورد
ط	موضع شیخ ۳۰ موضع سردارآباد ٤۵	مسافت از بجنورد } ۳۰ ٤۵ از مشهد } ۳۰۰ ۳۱۵	ازمرزرباطوایستگاه کوك تپه۳۰ کیلو متر سردار آباد ٤۵	سردار آباد موضع خوبی است یك لشگر	امکان دخول دردالان خراسان	محور رباط بجنورد شاهرود	از رباط	۱ هنگ پیاده -۲ آتشبار کوهستانی ٤۰۰ نفر عشایر	جلوگیری ازرسوخ دشمن اجرای تخریبات لازمه	
ی سلح ن	موضع قوری سلح	مسافت از قوچان ۵۹ از مشهد ۲۱٤	ازعشق آباد ٦۰	یك هنگ پیاده با یك گردان توپخانه	درصورت دست‌یابی بقوچان نفوذبطرف سبزوار وجلگه ایران	محور قوچان	از قوچان	۱ هنگ پیاده - یك‌آتشبار - ۱ گروهان‌ضد ارابه - ۱ گروهان‌نگهبان- ٤۰۰ نفر عشایر	به تأخیر انداختن‌حرکت‌دشمن ازمرز - اجرای‌تخریبات درطول راه‌آهن	

محور های مهم بین کشور شاهنشاهی و عراق و اهمیت آن

شماره	اسم محور	مواضعیکه در روی آن واقع شده	مسافت بین موضع تا اولین نقطه مهم مسکون	مسافت این موضع تا اولین نقطهٔ مهم کشور مجاور	قوای لازم برای اشغال	اهمیت محور	روی محوریکه عمل خواهد شد	اهمیت تخریبات	اهمیت کلی موضع	مختصات	اتصال با محور های عراق
۱	حیدر آباد نقده - خانه - رواندوز	موضع تمرچین موضع لاهیجان موضع نقده	مهاباد ۱۲۶ رضائیه ۱۶۵ خانه ۹۸ رضائیه ۱۲۷ خانه ۷۰ رضائیه ۹۹	تا اربیل ۱۴۰ کیلومتر جاده شوسه	۲ هنگ حداقل « « موضع عمل تاخیری است	در صورت رسوخ بکلیه جلگه لاهیجان دست یافته تا رضائیه از طرفی و تا مه آباد از طرف دیگر در تهدید واقع خواهد شد.	محور خانه مه آباد	تخریبات در تمرچین موثراست دردوموضع دیگر تاثیری ندارد	تمرچین - دید خیلی محدود لاهیجان - دید خوب نقده - دید متوسط	میدان تیر کم - موضع متصل - ولی یگانه موضع از لحاظ سختی و مانع میدان تیر نسبتاً خوب - موضع متصل ولی موضع فوق العاده باز و قابل رسوخ میدان تیر خوب - موضع از طرف جنوب فوق العاده باز و قابل دورزدن	این محور با محور رواندوز که جاده اسفالت است اتصال دارد
۲	مهاباد - سردشت	موضع بوالفتح موضع کورتك موضع کشکان	تامهاباد ۱۳۷ « ۸۶ « ۳۷	تا اربیل ۱۳۰ کوهستان	۱ هنگ حداقل ۳ هنگ موضع عمل تاخیری	درصورت رسوخ در این محور - ممکن است بانه را دور زده به مهاباد دست یافته بطرف مرز از راه میان دواب رسوخ کرد.	محور سردشت - مهاباد میاندوآب	در موضع بوالفتح تخریبات تاثیر دارد. درموضع کورتك هم تأثیر دارد. در کشکان تأثیری نخواهد داشت	- دید فوق العاده خوب - کورتك دید خوب - کشکان دید متوسط	تا جلگه زهاب - میدان دید و تیر خوب موضع متصل بهترین مواضع مهم و قابل توجه دارای زوایای بیروح تهیه آتشها سخت ارتفاعات قابل رسوخ (مشجر) موضع متصل بموضع خانه تیر متوسط - غیر پیوسته قابل دورزدن	این محور بامحور قلعه دیزه عراق ارتباط نداشته بکلی حرکات وسائل خودرو در وسط غیر مقدور است
۳	سنندج - سقز - بانه	موضع خان موضع ملاجار	۱۳ ك تا بانه ۳۷ تا بانه	تا سلیمانیه ۹۰ تا « ۱۱۴ کوهستان	۲ هنگ حداقل « «	درصورت دست یابی باین محور موضع کورتك وموضع کاران دور زده شده وارتباط بطرف مهاباد قطع خواهد شد.	محور بانه - سقز - سنندج	درموضع خان تخریبات تاثیر دارد درموضع ملاجار تا حدی موثر است	- موضع خان دید و تیر خوب - موضع ملاجار دید و تیر متوسط	دارای بعضی زوایای مخفی بواسطه رشته های متصل پیوسته مانع خوبی محسوب میتوان کرد (مشجر) غیر پیوسته قابل دورزدن کوهستان	این محور برای اتصال بامحور های عراق ارتباط ندارد.
۴	سنندج - مریوان - بشه	کاران تیژتیژ خروسه اریزر	تا سنندج ۶۶ تا مریوان ۲۴ « ۴۹ « ۷۱ « ۳۲ « ۸۸ « ۲۱ « ۹۹	تا سلیمانیه ۱۴ « ۴۱ « ۱۵۸ « ۱۶۹ جاده متصل نیست ولی قابل خود روزانی است	۱ هنگ ۲ « موضع عمل تاخیری ۲ هنگ ۲ هنگ	در صورت دست یابی باین محور ممکن است بار تفاعات اورامان بانه دست یافته سنندج مرکز کردستان و مرکز مواصلاتی راتهدید کرد	محور مریوان - سنندج	کاران - تخریبات موثر است تیژتیژ - تخریبات در بعضی نقاط اثر متوسط دارد خروسه تخریبات تأثیرش کم است اریزر تخریبات مؤثر است	- کاران دارای زوایای عمقی تیژتیژ دید و تیر بد نیست خروسه دید و تیر محدود اریزر - دید و تیر محدود	کاران دارای زوایای مخفی - میدان تیر محدود پیوستگی موضع خیلی خوب موضع پیوسته متکی بکوهستانهای سخت موضع با ارزش (مشجر) تیژتیژ - بمانع متکی نیست عمق کمی است ولی در تمام طول قابل عبور است. خروسه - محدود قابل دورزدن. اریزر - بطرف سنندج خوب متصل به ارتفاعات از لحاظ فنی و ارزی متوسط محسوب میشود.	این محور با محور سلیمانیه بنجوین مربوط نیست ولی زمین صاف است ارتباط و اتصال آن سهل خواهد بود.
۵	کرمانشاهان - نوسود	موضع شمشیر اتکاء موضع پلنگان	تا کرمانشاهان ۸۴ تا سنندج ۸۳	تا سلیمانیه جاده غیر متصل کوهستانی	۲ هنگ ۲ هنگ	درصورت رسوخ تا شهر کرمانشاهان دست یافته محور خانقین را تحدید و ارتباط سنندج را قطع خواهد نمود	محور نوسود کرمانشاهان	در شمشیر موثر است در پلنگان هم « «	موضع شمشیر دارای دید موضع پلنگان دارای دید و تیر	میدان تیر موضع خیلی مهم و قابل توجه ازجناح باختر قابل دورزدن چون امکان نخواهد داشت (مشجر) عمق کافی ازطرف قوری قلعه قابل دور زدن.	این محور با محور عراق اتصال ندارد و در وسط اراضی کوهستانی است (محور عراق - سلیمانیه جاچه است)
۶	کرمانشاهان - قصر شیرین	موضع پاطاق موضع سرمیل موضع حسن آباد زیبری موضع زیری	تا کرمانشاهان ۱۳۱ تا « ۱۱۱ تا « ۴۷ تا « ۴۱	تا بغداد « « « « « « راه شوسه	۱ هنگ ۱ هنگ ۲ هنگ ۲ هنگ	بهترین محورها درصورت رسوخ محور های عیلام دور زده شده شهر کرمانشاهان تهدید - جاده عرضی کرمانشاهان - جاده خرم آباد بفلات ایران دست خواهد یافت	محور قصر شیرین - کرمانشاهان	پاطاق - تخریبات خیلی موثراست - تخریبات اثرات زیاد دارد تخریبات بطور متوسط تأثیر دارد - چندان تأثیر ندارد	موضع پاطاق - موضع سرمیل - موضع حسن آباد زیبری	بهترین موضع دارای شرایط لازمه ازجناح راست قابل دورزدن موضع فوق العاده خوب دارای شرایط لازمه ولی دروسط دره دارای دید و تیر وامتداد واتکاء عمق کافی ولی قابل رسوخ موضع جهت عملیات تاخیری	این محور بامحور عراق متصل و خط شوسه است.
۷	شاه آباد - سرچله گیلان - نفط شاه	موضع امام حسن « گیلان « قلاجه	تا کرمانشاهان ۱۸۲ « ۱۵۸ « ۱۱۶	تا بغداد راه شوسه	۱ هنگ ۱ هنگ ۲ گردان	درصورت رسوخ - محور کرمانشان دور زده شده - محور عیلام دور زده شده	محور گیلان سه‌چاه - شاه آباد	موضع امام حسن تخریبات بطور متوسط تاثیر دارد موضع گیلان تخریبات تأثیر ندارد. در قلاجه - تخریبات تأثیر کامل دارد.	موضع امام حسن	باز دید ومیدان تیر خوب امکان دورزدن درجناح چپ باز دید و تیر خوب ممتد متصل در دره بهترین مواضع ازلحاظ عمق میدان دید و تیر اهمیت مشجر	این محور بسهولت ممکن است با مندلیج ارتباط حاصل نماید فقط در تنك کنکیر با کار مختصری بایستی عبور شود.
۸	شاه آباد - عیلام - مهران	موضع حسنیه « امیر آباد « رنو « قلاجه	تا کرمانشاهان ۲۸۱ « ۲۶۶ « ۱۶۴ « ۱۱۶	تا بغداد « « « راه شوسه فقط عبور در کنجان چم	۱ هنگ ۱ « ۱ « ۲ گردان	درصورت رسوخ و عیلام مورد تهدید واقع شده موضع گیلان دورزده خواهد شد	محور مهران عیلام - شاه آباد	در ۴ موضع تخریبات تأثیر کامل دارد.	موضع حسنیه - دید موضع امیر آباد - دید موضع رنو موضع قلاجه دید خوب	تیر - عمق - بستگی - واتکاء - خوب رسوخ مشکل تیر محدود عمق متوسط قابل دور زدن دارای زوایای مخفی ولی دارای اهمیت کامل بهترین موضع مشجر	برای اتصال به زرباطیه بایستی ز روی رودخانه کنجان چم که بدون پل است عبور کرد.
۹	پای کبیر کوه تا شوش منطقه بعرض ۷ کیلو متر بکلی باز و قابل عبور در تمام طول خود	موضع حمرین موضع کرخه	تا دزفول ۱۶۰ « ۱۵۰	تا کوت العماره «	۱ لشگر ۲ هنگ	درصورت دست یابی باین منطقه امکان قطع راه آهن وراه شوسه اهواز خرم آباد	درمنطقه عمل خواهد شد	تخریبات بهیچوجه اثری ندارد رودخانه کرخه مانع نسبتاً خوبی است	این منطقه بکلی باز موضع حمرین	وعبور در تمام طول آن مقدور است موضع دارای دید - میدان تیر ولی فوق العاده باز موضع کرخه دارای ۳۰۰ متر عرض ۳ متر عمق دارای گدار های مشخصی	تمام منطقه بین کرخه دجله قابل عبور است
۱۰	ازحور العظیم تا خرمشهر منطقه بعرض ۱۰۰ کیلو متر قابل عبور در تمام طول خود	موضع کارون - هور العظیم	تا اهواز ۱۲۰	تا بصره ۵۰	۲ هنگ	درصورت رسوخ کلیه مناطق زرخیز تهدید خواهد شد.	درمنطقه عمل خواهد شد	تخریبات تأثیری ندارد کارون دارای عرض وعمق کافی است	رودخانه کارون دارای	۲۰۰ متر عرض دارای عمق کافی است	تمام منطقه بین حور العظیم تا خرمشهر قابل عبور است.

مدت سیر در راهها

خط سیر	مسافت راه بکیلومتر	مدتیکه برای پیمودن خط لازم است				ملاحظات
		با اسب	با شتر	با گاری پستی	با کامیون	
تبریز بتهران	٦١٧	۲۰ روز	۳۰ روز	٥ روز	۳۲ ساعت	
جلفا به تبریز	۱۳٥	٤/٥ روز	٥/٥ روز	۱ روز	٦ «	
آستارا به تبریز	۲۷٥	۹ روز	۱۱ روز	٤ روز	۱۱ «	
زابل-مشهد	۷۲۰	۲٤ روز	۳۲ روز	۸ روز	۳٦ «	
بندر عباس بطهران	۱٥۹۱	٥۳ روز	٦۳ روز	۲٦ روز	۸۰ «	
بوشهر بطهران	۱۱۹٤	۳۹ روز	٥۰ روز	۱۹ روز	٥۹ «	
خرمشهر بتهران	۱۰۸٥	۳٦ روز	٤٦ روز	۱۸ روز	٥٥ «	
پهلوی بتهران	۳٦٤	۱۲ روز	۲۱ روز	٦/٥ روز	۱٥ «	
کرمانشاهان بتهران	٥٥۸	۱۸ روز	۲٥ روز	۹ روز	۲۸ «	
بابلسر (مشهد سر)	۲۸۹	۱۰ روز	۱٥ روز	۳ روز	۱۰ «	

اینك که کلیاتی نسبت بکلیه جاده های ایران شرح داده شد چون هریك از محورها درجلد مربوطه کاملا تشریح شده لذا توضیحات جدیدی برای تشریح آنها بطور لازم نمیدید ولی جهت تکمیل بیانات خود دو جدول راجع بکلیه محورهای نفوذی که ازچهار سمت ایران متوجه کشورهای همسایه میشوند با توضیحاتی از جنبه نظامی تکمیل و پیوست مینماید که بامراجعه باین اوراق ارزش واهمیت نظامی هریك ازمحورهای نامبرده را ملاحظه نمایند .

فصل هشتم

راه آهن ایران

هرچند که بیش از هشتاد سال است کشور ایران خواهان داشتن راه آهن بوده ودراین راه نیز مساعی زیادی مبذول شده ولی اولین اقدام رسمی در سال ۱۲۳٤ شمسی برای بدست آوردن امتیاز توسط یك شرکت انگلیسی بعمل و متعاقب آن متوالیا توسط شرکت های خارجی ـ انگلیسی ـ روسی ـ اتریشی و فرانسوی امتیازاتی دراین مورد خواسته شدکه هیچیك از آنها جنبه عملی پیدا نکرد وچون بایك سیاست خارجی متضادی برخورد میکرد درهرموقع بطریقی عقیم میگردید .

اولین اقدام عملی برای ساختمان راه آهن توسط شرکت (بواتال) فرانسوی درسال ۱۲٦۰ شمسی بعمل آمد که ازیك برنامه مفصل فقط بساختمان راه آهن ری تهران موفق گردید .

درسال ۱۲٦۷ امتیاز راه آهن کرانه بحرخزر بتهران را حاج امین الضرب ت آورده و فقط قسمتی از آن را ساخت . بسال ۱۲۹۱ بانك استقراضی روس مان خط آهن آذربایجان را شروع کرد ولی اقدام اساسی که برای ایجاد ن بعمل آمد درسال ۱۳۰٦ برای ایجاد راه سراسری بود .

راه آهنهای ساخته شده

۱ ـ راه حضرت عبدالعظیم ـ بطول ۸/٥ کیلومتر از تهران بشهرری توسط فرانسوی بواتال که بعدا ازطرف کمپانی بلژیکی انجام پذیرفت این راه بعرض ۱۰۰ سانتیمتر واز سال ۱۲٦٦ عملا شروع بکار کرد وسالیانه بطورمتوسط ٦۹۰۰۰۰ نفر مسافر را برای زیارت میبرد . این راه امروز بطور غیر مرتب دایر است .

۲ - راه آهن آمل - درسال ۱۲۶۷ شمسی توسط حاجی امین‌الضرب امتیاز آن تحصیل شده و ۱۸ کیلومتر آن ساخته شد ولی چون اساسی نداشت پس از چندی برچیده شد.

۳ - راه آهن آذربایجان - در سال ۱۲۹۱ شمسی امتیاز آن توسط بانک استقراضی روس تحصیل گردیده و تا ده فرسنگ حریم خط نیز امتیاز معادن باین شرکت واگذار شد.

این خط آهن ازجلفا تا تبریز ۱۴۷ کیلومتر و نیز خط فرعی صوفیان تا شرفخانه بطول ۵۳ کیلومتر میباشد.

عرض این راه که ادامه راه آهنهای روسیه میباشد ۱۵۲۴ میلیمتر بوده و بموجب عهدنامه ۱۹۲۱ میلادی بدولت ایران منتقل گردید وبعداً تعمیرات لازم بعمل آمده وبهره برداری اساسی آن شروع شدو پس ازوقایع شهریور بهره برداری این راه آهن مطلقا توسط نیروی حمل و نقل شوروی بعمل آمده وتاآخرجنگ نیز بهمین طریق بوده‌است.

۴ - راه آهن ماکو - پس از ساختمان راه‌آهن آذربایجان درزمان جنگ ۱۹۱۴-۱۸ برای مقاصد نظامی بین شاه تختی ومرز ترکیه راه آهنی ساخته شد که ۱۰۰ کیلومتر آن از داخله خاك ایران گذشته ولی در تحولات ۱۹۲۷ - ۱۹ این خط بکلی نابود شد.

۵ - راه‌آهن زاهدان - این راه که‌حقیقتاً ادامه‌راه‌آهن‌هندوستان وزاهدان است ازنوشکی تا زاهدان ادامه دارد و این راه‌آهن که بعد ها بدولت ایران واگذارگردید قرار بود تا خراسان امتداد یابد ولی پس از چندی از فعالیت آن کاسته شد.

۶ - راه آهن بوشهر - برازجان - این راه بطول ۵۰ کیلومتر درسال ۱۲۹۷ شمسی توسط انگلیسها ساخته شد وپس ازسه سال تعطیل گردید.

۷ - راه آهن سرتاسری - ساختمان راه‌آهن سرتاسری که از بندر شاهپور تابندرشاه ممتد است بطول ۱۳۹۳/۸۵ کیلومتر در روز ۲۳ مهرماه ۱۳۰۶ آغاز

گردید واز نقطه شمالی مرکزی وجنوبی شروع بکار شد. ساختمان این‌راه ابتدا تحت نظر چند کمپانی خارجی انجام گرفته وپس‌از مدتی تحت نظر وزارت راه ونظارت فنی کنسرسیوم کامپساکس قرار گرفت و بالاخره قسمت اول راه یعنی از بندر شاه تاتهران بطول ۴۶۰/۸۵ کیلومتر در ۳۰ بهمن ۱۳۱۵ و قسمت دوم‌آن یعنی تهران تابندر شاهپور بطول ۹۳۳ کیلومتر در روز ۴ شهریور ۱۳۱۷ خاتمه پذیرفته واتصال راه‌آهن سراسری درایستگاه فوزیه واقع در۵۴۲/۵۵ کیلومتری بندر شاهپور بعمل آمد.

این راه که ازحیث عظمت دردنیاکم نظیر است دارای ۲۲۴ تونل است که طول کلی آنها ۸۳/۶۶۶ کیلومتر بوده وطویلترین آنهاتونل گدوك درشمال ۲/۸۸۰ کیلومتر طول دارد و درجنوب طول تنگ چهار آبدیز ۲/۵۲۶ کیلو متر طویل ترین تونلهای‌قسمت جنوب محسوب‌میشود.

درطول‌خط سرتاسری مجموعاً ۴۷۷۲ پل بزرگ و کوچك بطول ۲۵۳۷۲ متر موجود است.

عرض‌این‌خط ۱۴۳۵ میلیمترومانند عرض‌راه‌آهن اغلب ممالك‌دنیامیباشد.

مرتفعترین‌نقاط راه‌آهن‌سرتاسری‌درشمال‌داخل‌تونل گدوك‌بفاصله ۲۲۰/۲۴ کیلومتر ازتهران برابر ۲۱۰۹/۲۲ متر است ودرجنوب در فاصله ۳۷۶/۴۵۹ کیلو متری تهران نزدیك ایستگاه نورآباد برابر ۲۲۱۶/۸۵ متر میباشد.

از متفرعات راه آهن سراسری راه جدیدالاحداث اهواز خرمشهر بطول ۱۲۵/۱ کیلو متر وراه حسینه تا نقطه مرزی تنومه برابر ۴۸ کیلو متررا بایستی منظور نمود.

۸ - راه آهن تهران تبریز - این راه که در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۱۷ برای ایجاد آن اقدام بعمل آمد بطول ۷۴۴ کیلو متر از تهران بوده وپیش‌بینی شده بود که در بهمن‌ماه ۱۳۲۱ خاتمه پیدا خواهدکرد ولی بعلت وقوع‌جنگ‌ساختمان بتعویق‌افتاده‌وفقط ازتهران تامیانه‌ساختمان تکمیل‌شده و فعلابهره برداری‌میشود.

این راه تحت‌نظر مستقیم‌وزارت‌راه بوسیله‌مقاطعه‌انجام گرفته‌ودرتاریخ ۱۹/۷/۴ بهره برداری از قزوین وبتاریخ ۲۱/۸/۱۴ بهره برداری از میانه‌شروع شده‌است.

طول این خط از تهران تا میانه ۴۳۹ کیلو متر و در مسیر آن ۶ تونل و ۱۸۸۲ پل بزرگ و کوچك واقع است . اگر کارهای ساختمانی ادامه داده شود دو سال برای انجام برنامه کفایت میکند .

۹ - راه آهن گرمسار مشهد - برای ساختمان راه آهنی که تهران را بمرکز استان نهم مربوط سازد و در روز ۱۹ فروردین ۱۳۱۷ اقدام شده و از گرمسار که در امتداد خط سراسری واقع است انشعاب خط مشهد در نظر گرفته شد .

ساختمان این راه در ۲۰ قطعه مجزا تحت نظر اداره راه شروع گردیده وطول کلی راه که ۸۱۴ کیلو متر میباشد طبق برنامه پیش‌بینی‌شده خط گرمسار تا مشهد در آبان ۱۳۲۱ خاتمه پذیرفت ولی چون وقایع شهریور ۱۳۲۰ باعث وقفه در کار گردید عملا بهره برداری از تهران تاشاهرود از ۲۰/۶/۳ آغاز شده و بقیه ساختمان فعلا تعطیل است .

طول راه آهن تهران تا شاهرود برابر ۴۲۹ کیلو متر بوده و در این راه هیچ نوع تونلی وجود ندارد ولی از گرمسار تاشاهرود ۱۳۶۹ پل کوچك و بزرك موجود است .

در صورتیکه مجدداً شروع بادامه ساختمانهای موجود وریل گذاری بقیه خط گردد در دو سال میتوان تهران را با مشهد مربوط کرد .

۱۰ - راه آهن قم - یزد - راه آهن قم به یزد که در ابتدا برای استفاده از معادن آن منطقه پیش‌بینی شده بود از تاریخ ۹ آذر ۱۳۱۷ شروع بساختمان گردیده و پیش‌بینی شده بود که در خرداد ۲۱ خاتمه پذیرد ولی متأسفانه با پیش‌آمدن جنگ ساختمان این راه که طول آن از قم تا یزد ۴۷۶ کیلو متراست تعطیل شده است .

کارهای ساختمانی این خط که عوارض آن بسیار کم است پیشرفت کامل نموده بقسمیکه صد کیلو متر اول آن که فاصله قم تا کاشان میباشد ممکن است فوراً برای ریل گذاری حاضر شود و در عرض ششماه قم بکاشان مربوط گردد .
برای اتمام و تکمیل ساختمان این راه درصورتیکه مجدداً شروع بعملیات شود در مدتی کمتر از دو سال میتوان شروع به بهره برداری کرد .

فصل نهم

ساعت کشور

کشور پهناور ایران که غربی ترین نقطه آن دارای ۴۴ درجه و ۲ دقیقه وشرقی ترین نقطه آن دارای ۶۳ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی نسبت بنصف‌النهار گرینویچ میباشد . بوسیله دو نصف‌النهاری که بایکدیگر ۱۹ درجه و ۲۲ دقیقه فاصله دارند محدود شده است و بدینطریق اختلاف زمان در این دو نقطه مرزی درحدود یکساعت وهیجده دقیقه خواهد بود .

با این اختلافات ساعت چون ممکن است در امور جاری کشور اشکالاتی پیش آمده و مخصوصا در کارهای ارتباطی و اداری اختلافاتی تولید شود طبق قوانین بین‌المللی برای داخله هر کشوری بدون منظور کردن اختلاف طول جغرافیائی یکساعت ثابت را انتخاب نموده و برای کلیه نقاط کشور از آن استفاده میکنند .

در ایران ساعت ومبنای انتخابی مربوط بنصف‌النهار تهران بوده و در کلیه نقاط این مبنا معتبر میباشد درصورتیکه حقیقتاً وقت وزمان نجومی در هریك از نقاط بسته باختلاف طول آن نسبت بتهران دارای اختلافاتی بوده وزمان قراردادی نسبت بزمان حقیقی اضافی یانقصانی خواهد بود اگر نقطه مزبور درباختر یادر خاور تهران واقع باشد .

جدول زیر اختلاف ساعت تهران را با شهرهای مهم کشورو نیز با بعضی از مراکز کشور های دیگر نشان میدهد.

اگر در تهران ساعت (ظهر) ۱۲ باشد

نام شهر	ثانیه	دقیقه	ساعت
تهران	-	-	۱۲
مشهد	-	۳۴	۱۲
ساری	-	۰۷	۱۲
رشت	-	۵۳	۱۱

نام‌شهر	ثانیه	دقیقه	ساعت
تبریز	۲۰	٤۰	۱۱
شیراز	۲٥	۰٥	۱۲
اصفهان	-	۰۲	۱۲
کرمان	٤۰	۲۰	۱۲
کرمانشاه	۲٥	٤۱	۱۱
آنکارا	-	٤٦	۱۰
بغداد	-	۳۳	۱۱
مکه	-	۱٦	۱۱
کابل	-	۱۰	۱۳
کلکته	-	۰۳	۱٤
بمبئی	-	۳٦	۱۳
قاهره	-	٤۱	۱۰
پکن	-	۳۰	۱٦
توکیو	-	٥٤	۱۷
بادکوبه	-	٥۳	۱۱
بیروت	-	٦٥	۱۰
پاریس	-	٤۳	۸
لندن	-	۳٤	۸
برلن	-	۲۸	۹
رم	-	۲٥	۹
بروکسل	-	٥۱	۸
برن	-	۰٥	۹
استکهلم	-	٤٥	۹
مادرید	-	٤۸	۸

نام‌شهر	ثانیه	دقیقه	ساعت
وین	-	٤۰	۹
مسکو	-	۰٦	۱۱
نیویورك	-	۳٥	۳
برزیل	-	۳۹	٥

نتیجه

گفتار مادر اینجا خاتمه یافت و آنچه نتیجه مطالعات و خلاصه افکار و نظریات ما بود ذکر گردید در خاتمه بایستی کلامی چند جهت خاتمه این شرح مفصل و گفتار مطول بیان نمود

آنچه فکر میشود در سراسر این کشور وسیع که از پدران به ارث یافته ائیم چیزی جز خود این آب و خاك ابدی ترو دائمی تر بنظر نمیرسد چه من و شما معلوم نیست کی دست تقدیر در پی ما نشسته وتاچه ساعتی هستی وزندگانی ما ادامه دارد ولی برای میهن و آب و خاك کشور خود بیقین میدانم که عمران سرمدی و حیاة آن ابدی استولی این آب و خاکی که به ایران معروف و در تاریخ به این طرز و طریق مشهور شده گذشتة از آنکه موطن عموم ما ایرانیان است مدفن اجداد اباء مابوده و اگر در هر محل و نقطه آن بدقت نگاه کنیم ملاحظه مینمائیم اجساد بسیاری از کسان و پدران ما درنزد هم در آنجاخفته‌اند این ذرات خاکی را که باد در نتیجه وزش خود از جائی بـه جای دیگر نقل و انتقال میدهد ذرات وجود و بقایای اجساد اجدادما است پس اگر محیط و فضای کشورمااز لحاظ مسقط‌الرأس وموطن برای ما قابل ستایش است خاك این سر زمین که پوشیده و مخلوطی از اجسادپدران ما میباشد برای ما محترم و بسیار گرانبها است چه اگر پدران ما رفتندولی اجساد خود را در قلب این خاك پنهان نموده و باقی گذاردند تا بگویند این سر زمین اجدادی شما و اجساد پوسیده ما در قلب آن نهفته است پس دو علت و سبب بزرگ است که علاقه واقعی و حقیقی برای ما تولید مینماید و این دو جهت است که ما را علاقمند به این سرزمین میکند اکثر فکر مینمایند علاقمندی فقط به گفتار و بیان است درصورتیکه‌این تصور بکلی واهی و علاقمندی بایستی بوسیله یکسلسله عملیات و اقدامات ثابت و روشن گردد که این اقدامات را بطور خلاصه میتوان بطرز زیر تشریح کرد

- شناسایدن کشور به عموم مردم داخلی وخارجی
- یاد آوری عملیات و اقدامات پدران و اجداد برای تحریك احساسات

جوانان کشور و جلب توجه خارجیان به فداکاری آنها

- تولید احساسات میهن پرستی با تمام وسائل و امکانات در توده سکنه کشور
- انجام کلیه اقدامات برای علاقمند کردن سکنه بکشور و سر زمین ابا اجدادی
- ایجاد روح یگانگی در کشور بین کلیه طبقات
- محترم شمردن کلیه مقدسات کشور در مقابل خارجی و داخلی و دقت در آنکه این جریانات باعث ملعبه و وسیله دست آنها نشود
- نگاهداری و دفاع کشور در مقابل هرتعرض مسلح و نظرسوئی
- حاضر نمودن توده ملت برای آنکه در راه کشور هستی و جان خود را فدا سازند
- تولید این ایمان و فکر که توده بدون میهن قابل زیست و زندگانی نبوده زندگی باغلامی ارزش ندارد
- بکار بردن قلم قدم اطلاعات و امکانات و دارائی و هستی برای ابقاء میهن و کشور
- تطبیق دادن احساسات با اقدامات نه تطبیق اظهارات با انتظارات

این مطالب خیلی ساده و سهل بنظر میرسد ولی انجام واجرای آن بسیار مشکل و دشوار و شاید برای هر کسی مقدور نباشد ولی بایستی دانست جهت آنکه سازمانی ابدی و سرمدی باشد این عملیات را لازم داشته بدون آن ادامه حیات و ابقای آن مقدور نخواهد بود بایستی قطع‌داشت کشور های که ازصحنه جهان در دوران تاریخ رخت بر بسته و محو شده‌اند بواسطه عدم توجه به این نکات و دقائق بوده است نبایستی فراموش نمود پدران واجداد مابرای‌نگاهداری این سرزمین همین خصائل و اوصافرا دارا بوده و کاملا پیروی نموده اندامروز ما که در جای آنها نشسته خود را وارث آنها میشماریم بایستی همان راه را تعقیب نمائیم فقط اتکاء به کردار و فداکاریهای پدران مارا مصون و محفوظ از

چشم زخم زمان نخواهد کرد چه ذکر خدمات سیروس و داریوش و یا بیان نتایج اردو کشی نادر اگر ما خود قادر به حفظ آب و خاك اجدادی نباشیم گذشته از آنکه نتیجه ندارد باعث سر افکندگی و خجلت میشود چه اولا کسی به این گفتار امروز قانع نشده و همان قسمی که این اشخاص نابود شده و در قلب خاك پنهان گردیده اند اعمال آنها نیز جز یادگار و قصهٔ بیش نیست ثانیاً ذکر این جریانات بخوبی عدم لیاقت ما را ثابت نموده و میرساند که در جای این اشخاص برجسته چگونه امروزه یکمشت اشخاص بی‌قدرت نشسته و بچشم بی‌حالی و عدم قدرت امکانات خود را ارائه میدهند

پس علاقه بکشور مستلزم جوش و خروشی است با حرف کسی موفق به دفاع نگاهداری آب و خاك اجدادی نشده بااحساسات بی‌آلایش و خون پاك جوانان کشور بوده است که در این راه موفقیت حاصل کرده اند پس جوانان و ساکنین این مرز و بوم دورهم جمع شده عشق و علاقه واقعی را در بین خود ایجاد نمائید و تمام هم خود را صرف نگاهداری و حفظ این سرزمین نمائید اگر مایلید این سرزمین بطور ابدی باقی مانده شماهم بتوانید این ودیعه را به نسل آتیه بسپارید برای حفظ وحراست آن ازهیچ عمل واقدامی خودداری ننمائید چه با اصول منفی بافی و تصور نمیتوان حقیقتی را ثابت و انجام داد جوانان کشور در عصری زندگانی مینمائید که ناظر فداکاری و ازخود گذشتگی ملیونها جوانان سایر کشورها بوده همه روزه در روزنامه ها نتیجه اقدامات و کار آنهارا مطالعه میکنید این جوانان که هزارهزار فدا میشوند برای آنست که میدانند آنها فانی ولی کشور آنهااست که بایستی باقی و پا برجا بماند آنها برای نسل آتیه و برای انجام وظیفه دشوار وسنگین خود که نگاهداری امانت است جانبازی مینمایند پس ما بهترین مدل وسرمشق را درجلوی انظار خوددارا بوده وبایستی از آن استفاده نموده ونمایم در تاریخ کشور اثری از عدم لیاقت باقی نگذاریم چه این خود بدترین درسها برای نسل آتیه شده لعنت روح اجداد خودرا جلب خواهیم کرد.

من باقلم ناتوان خود این کتاب را آماده ودر پیشگاه شما تسلیم کردم که عشق

شناسائی سرزمین آبا اجدادی را درشما تولید نمایم چه همان قسمی که در بالا ذکر شد یکی از وظایف ما معرفی کامل این مرز و بوم است این عمل من خود تصدیق میکنم بسیار ناقص و غیر کافی است ولی احساسات و علاقه جوانان و روشن فکران بایستی وسیله شود که در آتیه مدارك کاملتر و کتب جامعتر در دسترس هم میهنان قرار دهد هر مدرکی دراولین وحله ممکن است جامع نبوده ونظر را کاملا تأمین ننماید ولی باتوجه عمومی و مطالعات بیشتری قطعاً این منظور تأمین خواهد شد چنانچه که دراین جا منظور بحث در اطراف کلیه کشور بوده وانجام این امر بسیار کاری مشگل ودشوار بشمار میرود درخاتمه ازاینکه دراین راه موفقیت یافته وتوانستم گفتار خود رابه پایان رسانم ازپروردگار متعال سپاسگذار وازاین موفقیت درزندگانی بسیار مفتخر وقرین مباهات میباشم.

متمنی است قبلا اغلاط زیررا تصحیح فرمائید

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۱۳	ماثـر	مؤثر
۲	۱۷	ماثر	مؤثر
۳	٤	دوسط	توسط
۱۸	٤	آن	این
٤۲	۱۸	برزجان	برازجان
٤۳	۱۹	ناور	راور
٤٤	۱	کشرر	کشور
٤٤	۱٤	سرواوان	سراوان
۷۸	۱	فصل هفتم	فصل ششم
۷۹	۸	نسبتی	به نسبتی
۸۵	۱	فصل هشتم	فصل هفتم